

دانشگاه پیام نور

بخش کشاورزی

عنوان جزوه: قوانین مدیریت منابع طبیعی

مؤلف: دکتر محمد رضوانی

رشته تحصیلی: منابع طبیعی و محیط زیست

مقطع تحصیلی: کارشناسی

تهیه و تدوین سال ۱۳۹۰

صفحه	فهرست مندرجات
۳	مقدمه
۳	قاعده حقوقی
۳	ویژگی های قاعده حقوقی
۳	حقوق در زبان فارسی
۵	قانون
۱۵	عرف
۲۱	رویه ی قضایی
۲۷	عقاید دانشمندان حقوق (نظریه ی حقوقی)
۲۹	دیگر منابع غیر رسمی حقوق
۳۰	طبقه بندی قوانین
۳۲	وضع قانون عادی
۳۴	مقررات دولتی
۳۶	انواع مقررات دولتی
۴۱	سازمان های متمرکز و غیر متمرکز
۴۳	روند ایجاد سازمان های اداری
۴۷	طبقه بندی سازمان های دولتی

۵۴	منابع طبیعی
۵۹	منابع طبیعی ایران
۶۸	سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور و مقررات مرتبط
۸۹	سازمان حفاظت محیط زیست و مقررات مرتبط
۱۱۵	سازمان شیلات ایران و مقررات مرتبط
۱۲۹	حقوق بین الملل محیط زیست و منابع طبیعی

مقدمه:

از گذشته وقتی انسان زندگی اجتماعی را آغاز می کند برای اینکه زندگی دوام داشته و افراد جامعه از پویایی برخوردار باشند، لازم بود وظائف و منافع افراد تعریف شود. این تعریف در یک فرایند تاریخی و عموماً هم به صورت تجربی تحقق پیدا کرده است و اینچنین رابطه انسان - انسان به وجود می آید، به عبارت دیگر در این رابطه حدود و وظائف افراد، منافع افراد و موارد دیگر تعریف و تبیین می شود. انسان در بستر طبیعت زندگی می کنند و در یک تعامل همیشگی با طبیعت است به همین دلیل رابطه انسان - طبیعت هم در یک فرایند تاریخی تعریف و تبیین می گردد. از دغدغه های همیشگی انسان این بوده که کی، کجا و چقدر از طبیعت برداشت کند و این نیاز در بستر تاریخ تحول و تطور پیدا کرده و موجب پیدایش ضوابط و مقرراتی شده که مقرر است از سویی منافع انسان و از سویی دیگر منافع طبیعت را فراهم سازد و با رشد و پیشرفت بشر در علوم طبیعی و محیط زیست و دانش حقوق موضوع بین رشته ای تحت عنوان قوانین و مدیریت منابع طبیعی پدید آمده که موضوع کتاب حاضر می باشد.

۱ - قاعده حقوقی :

منظور قاعده ای است الزام آور که جهت ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می شود.

۲ - ویژگی های قاعده حقوقی:

برای یک قاعده حقوقی ویژگی های گوناگونی برشمرده اند که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- قاعده حقوقی الزام آور است.
- ۲- رعایت قاعده حقوقی از طرف دولت تضمین شده است.
- ۳- قاعده حقوقی کلی و عمومی است.
- ۴- هدف قاعده حقوقی تنظیم روابط اجتماعی است.

۳ - حقوق در زبان فارسی:

۱- قواعد ومقرراتی که بریک جامعه حکومت میکند. (law)

۲- امتیازاتی که قانون برای حفظ نظم وبرپایی دادگری برای پارهای از مردم می شناسد. (right)

۳- علم حقوق وتحقیقات وابسته آن. (law /jurisprudence)

۴- دستمزدماهانه ومانندآنکه کارمندان دولت ویاشرکتهای وابسته به دولت دریافت میکنند. معمولابه دستمزدهای روزانه

ویاهفتگی کارگران ویافوق العاده دریافتی کارمندان دولت حقوق می گویند. مزدودستمزد،اجرت،کارکرد،مستمری (

بیشتردرموردازکارافتادگان وبازنشستگان) اصطلاحاتی است که برای غیرازکارمندان دولتی به کارمی رود. (salary)

۵-پولی است که دولت برای ثبت اسناد رسمی ومانندآن می گیرد. حق تمبر،عوارض وحقوق گمرکی... (duties)

۶-نظام قضایی وبافت دادرسی یک ملت ویک کشوروفرهنگ وجامعه راحقوق می گویند.هنگامی که می گوییم حقوق

اسلام (Islamic law)، حقوق رم (roman law)، حقوق ایرانی (Iranian law)، منظورمانظام دادرسی

وشیوه حقوقی و بافت قضایی امت مسلمان، فرهنگ رم وجامعه ایران است. بدینگونه بافت دادرسی یک کشورشامل

مجموعه قواعد و سازمانهای حقوقی و اصول قضایی آن کشور است که آرمانهای فلسفی و اجتماعی ساختمان آن

را در خود جای داده است. (legal system)

۷- تکالیف و وظایف معنوی و اخلاقی مانند حقوق پدر و مادر و یا شاگرد و معلم و حقوق همسایگان . (obligation)

۸- حقوق به معنای قوانین یک رشته یا موضوع خاص. (laws)

۴ - قانون:

الف - واژه شناسی:

واژه ی قانون از کانون یونانی گرفته شده است و از رهگذر زبان سریانی به زبان تازی راه یافته است و با تغییر حرف « ک » به « ق » به چهره ی « قانون » درآمده است . زبانهای پارسی و ترکی (ایران و ترکیه) و سپس اردو (شبه قاره) نیز واژه ی قانون را با همان مفهوم و اصطلاح به کار گرفته است.

قانون ، در اصل ، به معنای خط کش و معیار اندازه گیری به کار می رفته است . بعدها ، مفهوم قاعده و رسم و روش از آن گرفته اند . واژه ی کانون پاری به معنای شیوه ، روش و قاعده نیز آمده است . ۶ جای پژوهش در این باره که آیا قانون از ریشه ی پارسی است هنوز باز است.

ب - تعریف قانون:

هنگامی که از قانون به عنوان منبع حقوق ، سخن به میان می آید منظور همان چیزی است که در برابر عرف قرار می گیرد . قانون اساسی و قانون دنی ما تعریفی از قانون به دست نمی دهد.

قانون بیان اراده ی دولتهاست که یک قاعده ی حقوقی قابل اجرا در میان مردم از آن ناشی می شود . با این همه ، باید گفت که هر بیان اراده ای و همگی دستورهایی که دولتها صادر می کنند قانون نیست . بیشتر قواعد حقوقی مستقیماً از یک یا چند فرد که دارای قدرت اجتماعیند صادر می شود و قانون را می سازد . با نگاهی به آنچه گفتیم ، قانون ، در مفهوم گسترده ی خود ، دلالت بر هر قاعده ی حقوقی دار که با نگارش و تدوین شکل می گیرد و در یک زمان معین به وسیله ی یک یا چند فرد دولت که دارای قدرت اجتماعیند انتشار می یابد .

ج - ویژگی های قانون:

(۱)عمومیت و تعمیم:

قواعد حقوقی در یک زمان معین و در یک جامعه معین بر کلیه افراد بطور یکسان اجرا می گردد. به عبارت دیگر قانون به عنوان یک قاعده حقوقی که همدیگر یا عده ای از افراد جامعه را در بر گیرد در باره آنها یکسان اجرا شود.

(۲)الزام:

به طور کلی قانون پس از تصویب و انتشار واجد یک نیروی الزام و اجباری تحت عنوان ضمانت اجرای قانون است که همگان بایستی از آن پیروی کنند.

(۳)پایندگی و دوام:

قانون ذاتاً دائمی بوده و دچار مرور ایام نمیشود مگر اینکه خودش به لحاظ زمانی پیش بینی کرده و عمر خودش را مشخص کند.

(۴)از یک مرجع و قدرت اجتماعی ناشی شود:

قانون بایستی از سوی یک یا چند فرد (دولت) که دارای قدرت اجتماعی هستند صادر شود. قانون تنها قاعده ای است که از سوی قدرت عمومی صادر میشود و قدرت عمومی هم توانایی وضع قانون را دارد.

د - قانون عملی ، قانون حقوقی:

واژه ی قانون در دیگر دانشها مانند علوم طبیعی ، علوم انسانی ، فیزیک ، شیمی ، زیست شناسی ، تاریخ ، اقتصاد سیاسی و جامعه شناسی نیز به کار می رود . این دانشها در بررسی و مشاهده ی پدیده ها قوانین می سازند . شرایط ضروری که این پدیده ها را تعیین می کند ، قانون خوانده می شود . به گفته ی منتسکیو ، روابط ضروری که از ماهیت اشیا ناشی می شود قانون نام دارد . قانون به مفهوم علمی خود مانند قانون جاذبه یا به معنای قاعده ی حقوقی مانند قانون آزادی مطبوعات یک نقطه ی مشترک دارد و آن صفت اجباری و الزامی آن است که برای هر فرد و در هر حال قانون است .

ه _ قوانین آزمایشی:

چون تصویب قانون در مجلس به درازا می کشد و گاهی حفظ مصالح کشور ایجاب می کند که با شتاب بیتر و دور از تشریفات ، قوانینی به تصویب برسد ، اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیونهای داخلی مجلس این اختیار را تفویض کرده است تا در موارد ضروری با رعایت اصل ۷۲ قانون اساسی دو گانه نبودن قوانین با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی قوانینی را به تصویب برسانند تا به صورت آزمایشی برای مدتی اجرا شود . از کاربرد واژه ی موارد ضروری در اصل ۸۵ قانون اساسی چنین برداشت می شود که این تفویض اختیار یک استثناست و برای هر مورد پیش پا افتاده و ساده ای نمی توان از آن بهره گرفت و تنها برای مدتی که تعیین می شود معتبر خواهد بود . در عمل ، قوانین آزمایشی چندان کامیاب از اب درنیامده است و با نگرش به شتاب به کار رفته در تصویب آنها ، در مرحله ی اجرا دشواریهای فراوانی پدید آورده است .

و _ عهد نامه ها:

در پیوندهای بین المللی ، عهد نامه ها در حکم قانون است . گذشته از آن که عهد نامه ها در روابط دولت موثر است از نظر قواعد حقوق خصوصی نیز مهم است . ماده ی ۹ قانون مدنی ایران می گوید : مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

برای آن که عهد نامه حکم قانون پیدا کند و دادگاهها بتوانند بدان استناد و مفاد آنها را رعایت کند باید از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی اظهار شود و مجلس نیز آن را تنفیذ کند و همین گونه است همگی قرار دادها ، مقاوله نامه ها و موافقت نامه های بین المللی (اصل ۷۷ ق.ا.م.)

پیداست هنگامی دادگاههای داخلی به مفاد عهد نامه استناد می کنند که به حقوق و تکالیف اتباع بیگانه ارتباط پیدا کند . هیچ دادگاه ملی و داخلی نمی تواند اجرای تالیف صسیاسی دولتهای امضا کننده ی قرار داد و عهد نامه ی بین المللی را بخواهد . این کار بر عهده ی دادگاهها و مراجع بین المللی است . به هر حال ، نه تنها مفاد عهد نامه ها در دادگاههای داخلی کشورهای امضا کننده قابل اجراست بلکه دولتهای مربوط نیز باید رعایت کنند.

قرار دادهایی که کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا منعقد می سازند نیز برای کشورهای امضا کننده در حکم قانون است و برابر ماده ی ۱۷۷ قرار داد رم ، در دادگاه دادگستری کشورهای اروپایی قابل اجراست و دادگاههای داخلی هر دولت عضو می توانند قرار داد رم را مورد تفسیر قرار دهند.

ز - زمان اجرای قانون :

پانزده روز پس از انتشار قانون در روزنامه ی رسمی ، قانون در سراسر کشور قابل اجراست . ماده ی ۲ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۸ اذر ۱۳۴۹ در این باره می گوید : قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجراست ، مگر آن که در خود قانون ترتیب

خاصی برای موقع اجرائی مقرر شده باشد . برابر این ماده قانونگذار می تواند ترتیب و روش دیگری برای انتشار و مهلت اجرای آن در نظر بگیرد و در چهار چوب تشریفات خاصی نماند . برای نمونه ، قوه ی مقننه می تواند چند ماه پس از تصویب یک قانون آن را قابل اجرا بداند ، یا اجرای آن را به گذشته نیز سرایت دهد (ماده ی ۴ قانون مدنی) و یا اجرای فوری قانون را مقرر دار . (قسمت اخیر ماده ی ۱۲ اصلاحی قانون مدنی) .

آیا برای ایرانیان خارج از کشور مهلت اجرای قانون همین ۱۵ روز پس از انتشار است ؟ پاسخ مثبت است مگر آن که فرد زیان دیده از قانون جدید بتواند اثبات کند که به علت های خاص سیاسی یا ارتباطی از انتشار قانون بی اطلاع مانده است .

ح - جهل به قانون:

فرض بر آن است که پس از انتشار قانون ، همگان از آن آگاهند و روزنامه ی رسمی را خوانده اند . اما برآستی حتی با سوادان جامعه همگی روزنامه ی رسمی را می خوانند و در دسترس دارند ؟ آیا همه ی افراد با سوادند ؟ پاسخ منفی است . با این همه ، این اصل جاری است که جهل به قانون رفع تکلیف نمی کند یا جهل به قانون رافع مسوولیت نیست . با همه ی اینها ، قانون مدنی ایران در مورد خاص جهل به قانون را پذیرفته است (ماده ی ۱۱۳۱ ق . م .)

نپذیرفتن جهل به قانون از سوی جاهل به آن ، دور شدن از اصل عدالت است ولی با نگرش به ثبات و نظم جامعه اصلی است قابل اجرا . با این همه ، مواردی هست که نسبت به این قاعده استثنا دانسته می شود . برای نمونه ، زن و مردی که از موانع ازدواج در قانون اطلاعی ندارند با هم زناشویی می کند . قانون رابطه ی زوجیت را درست می داند و به اصطلاح نزدیکی به شبهه می شمارد . فرزندان این پدر و مادر مشروع و قانونی به حساب می آیند و ارث می برند .

اگر بهر علت وجود قوه ی قاهره (حوادث طبیعی ، جنگ و اشغال نظامی) مردم منطقه ای از قانون بی اطلاع بمانند ادعای جهل به قانون آنان را باید پذیرفت زیرا جهل همگانی به

قانون بسی مهم و شایان توجه است . بی گمان ، کسی که مدعی جهل به قانون است باید دلیل ارائه دهد.

ط - نسخ قانون:

واژه ی نسخ در زبان تازی به سه معنای نقل (از چیزی رونویسی کردن) ازاله (از میان بردن) و ابطال (بر باد دادن، بیهودن ساختن) کاربرد پیدا کرده است . در اصطلاح حقوقی ، نسخ یعنی از میان بردن یا الغای یک قانون یا قاعده ی حقوقی پیشین با تصویب قانونی از سوی قوه ی مقننه یا قانون اساسی (مجلس خبرگان) و یا به وسیله ی عرف و عادت .

ی - نسخ صریح و نسخ ضمنی:

نسخ ، الغای قانون است . نسخ بر دو گونه است : صریح (آشکار) و ضمنی (غیر مستقیم). نسخ صریح آن است که قانونگذار آشکارا و بدون ابهام نسخ قانون پیشین را اعلام می کند . برای نمونه ، ماده ی ۷۸۹ آیین دادرسی مدنی می گوید : قوانین زیر منسوخ است و آن گاه ، ۱۵ قانون را با آوردن ماده و عنوان آن نسخ کرده است .

نسخ ضمنی آن است که قانونی پس از تصویب و انتشار با قانون یا قوانین پیشین دو گانه است و با آن قابل جمع نیست . قانون گذشته (سابق) خود بخود از اعتبار می افتد و منسوخ می شود زیرا فرض بر آن است که قانونگذار با وضع قانون تازه لاحق مصالح اجتماع را در پیش چشم داشته است.

گاهی در نسخ ضمنی برای تاکید بیشتر این عبارت می آید کلیه ی قوانینی که مخالف این قانون است نسخ می شود یا ملغی است.

در نسخ صریح ، گاهی قانونگذار احکام تازه ای جانشین احکام گذشته می کند و گاهی نیز بدون وضع احکام تازه احکام گذشته را منسوخ اعلام می دارد.

طبقه بندی قوانین در نسخ رعایت می شود . قانون عادی نمی تواند نسخ قانون اساسی باشد و هیچ گاه قانون عادی به وسیله ی تصویب نامه و آیین نامه نسخ نمی شود.

ک - نسخ قانون ، نسخ آیین نامه های آن است:

اگر قانونی نسخ شود و قانون دیگری به جای آن نیاید ، آیین نامه ها و نظامنامه های قانون سابق نیز منسوخ است . اگر پس از نسخ یک قانون ، قانون تازه ای جانشین آن شود دو وضع پیش می آید: یا سراسر آیین نامه با قانون لاحق (جدید) دو گانه است که منسوخ می شود و یا بخشی از آن آیین نامه با قانون جدید مخالف است که در این صورت همان بخش مخالف منسوخ است و بقیه ی آیین نامه پا بر جاست.

ل - عام ، خاص ، مخصص:

عام آن است که همه ی افرادی را در بر گیرد که قانون برای آنان وضع شده است . خاص همه ی افراد را فرا نمی گیرد و تنها برخی از آنان را می پوشاند . مخصص دلیلی است که پاره ای از افراد عام را از آن حکم قانونی بیرون و مستثنا می سازد . پس حکم عام مصادیق فراوان و متعددی در جهان خارج دارد ولی مصادیق حکم خاص محدود و یا ناظر به موضوع معینی است . برای نمونه اگر حکمی ناظر به کارمندان دولت و دیگری به استادان دانشگاه باشد حکم نخست عام و حکم دوم خاص و علت این حکم مخصص تخصیص دهنده نام دارد.

م - تعارض قوانین در نسخ ضمنی:

قلمرو قانون جدید و قدیم در نسخ ضمنی یکسان نیست یعنی یا هر دو عام است و یا هر دو خاص و یا یکی عام و دیگری خاص است . اگر هر دو قانون لا حق و سابق عام یا خاص باشد قانون قدیم منسوخ است . اگر قانون سابق خاص و قانون لا حق عام باشد قانون سابق به اعتبار خود پا بر جاست زیرا عام ناسخ خاص نیست چرا که در نگاه قانونگذار خاص بودن یک قانون و حکم یعنی استثنایی که قانونگذار قائل شده است و این استثنا برای مصالح اجتماع بوده است . ولی اف اگر قانون سابق (قدیم) عام و قانون لا حق (جدید) خاص باشد ، قانون جدید قانون قدیم را نسخ می کند زیرا ، خاص مخصص عام است.

ن - قانون ماهوی ، قانون شکلی:

قانون ماهوی یا ماهیتی قانونی است که موضوعی از موضوعهای حقوق را بیان می کند و ناظر به اسباب و مبنای و از میان رفتن حق فردی است . به سخن دیگر ، قانون ماهوی شرایط اصلی اعمال حقوقی را بیان می دارد . برای همین است که قانون ماهیتی را "قانون ثبوتی" می گویند زیرا جنبه ی اثباتی ندارد .

قانون ماهیتی شامل قواعدی است که بر مردم حاکم است.

قانون شکلی قواعدی است که ناظر به صورت خارجی اعمال حقوقی و تشریفات اسناد و دادرسی و اثبات دعوی است . قانون شکلی شامل قواعد این دادرسی برای اجرای حقوق است . در فقه به قانون شکلی "قانون اثباتی" می گویند.

ص - قانون صوری ، قانون واقعی:

قانون صوری قانون مربوط به شخص خاص را می گویند ، مانند قانون راجع به مستمری اشخاص معین.

در برابر قانون صوری ، قانون واقعی یا قانون به معنای واقعی قرار دارد که ناظر به همه ی مردم یا بیشتر مردم است و نه به یک فرد خاص.

ع - قانون امری ، قانون تکمیلی ، قانون اختیاری:

ویژگیهای قاعده ی حقوقی (قانون) نیروی الزامی بودن آن است . از آن جا که همگی قوانین کم و بیش به منافع همگانی و مصالح اجتماعی بستگی پیدا می کند ، اجرای آنها از سوی یک نیروی رسمی دولت تضمین شده است . اگر چه اطاعت از قانون الزامی و اجباری است اما شیوه و چگونگی این الزام درپاره ای از قوانین یکسان نیست . این جاست که قانون را به "امری" و "تکمیلی" بخش کرده اند .

قانون امری (الزامی) قانونی است که امر و نهی می کند و به اشخاص اجازه نمی دهد با توافق و رضایت خویش بر خلاف آن عملی انجام دهند یا آن قاعده را نقض کنند یا تغییر دهند زیرا به خاطر ضرورت اجتماعی و نظم عمومی بر روابط اشخاص در جامعه حاکم است . برای نمونه قانونگذار برای ازدواج یک سن خاصی در نظر گرفته است سن بلوغ و رشد هیچ دفتر ازدواج و اسناد رسمی نمی تواند عقد ازدواج کسی را که پایین تر از این سن دارد به ثبت برساند . این یک قانون امری یا الزامی است . نمونه ای دیگر ، نگهداری عده ی وفات یا طلاق است که هیچ اراده ای نمی تواند بر خلاف آن رفتار کند .

آیا همه ی قوانین امری(الزامی) است و اراده ی آزاد افراد نمی تواند بر خلاف آن عمل کند ؟ پاسخ منفی است . قانون برای ابراز اراده ی آزاد و توافق طرفین نیز راه را باز گذاشته است.

مستاجر پس از وقوع عقد اجاره مکلف است همه ی اجاره ی بها را نقدا بپردازد ولی این توافق به عقد اجاره گزندی نمی رساند و مخالف قانون هم نیست . چنین قوانینی را تکمیلی (تفسیری) گویند زیرا تفسیر اراده ی طرفین عقد یا قرارداد است . برای نمونه ، اگر طرفین عقد بیع ، جای تسلیم کالا و پول (عوضین) را تعیین نکرده باشند ، فرض قانون ماده ی ۳۷۵ ق. م . بر این است که مقصود دو طرف قرار داد محل وقوع عقد است با این همه طرفین آزادند تا هر

کجا را که می خواهند به عنوان محل اجرای قرار داد تعیین کنند . نیروی الزام و اجبار قانون در قوانین تفسیری هم هست ولی به شرط آن که طرفین قرار داد بر خلاف آن تراضی نکرده باشند . در نمونه ی بالا اگر طرفین عقد جای دیگری را به دلخواه برای اجرای عقد تعیین نکنند . برابر مدلول ماده ی ۳۷۵ ق . م محل وقوع عقد محل اجرای قرار داد خواهد بود .

ف - قانون وضعی ، قانون اختیاری:

قانون وضعی قانونی است که اثر آن ، بر خلاف قانون آمره ، به اراده ی طرفین قرار داد یا افراد بستگی ندارد ولی از سوی دیگر ، افراد نمی توانند با توافق و تراضی خویش آن را تغییر دهند یا از میان ببرند . قانون وضعی صرفاً به حکم و دستور و اقتضای قانون به وجود می آید و درعین حال دسته ی دیگری از قواعد حقوقی غیر آمره است .

قانون اختیاری (اذنی) قانونی است نه آمره و نه تفسیری بلکه ، برای حل عادلانه ، حق تقدم به یکی از دو طرف اختلاف می دهد . برای نمونه ، ماده ی ۲۲۶ قانون امور حسبی به برخی از بستانکاران شخص متوفی حق تقدم می دهد .

۵- عرف:

الف - تعریف عرف:

عرف در زبان تازی به معنای شناخت ، شناخته و نیکوست . در اصطلاح ، عرف رسم و عادت است که افراد در پیوندهای میان خویش آن را پذیرفته اند .

از دیدگاه جامعه شناسی ، عرف یا شیوه های قومی اصطلاحاتی است که عموماً برای راه و رسمهای مخصوص و ضابطه یافته ی انجام چیزهایی به کار می رود که در میان کسانی که در یک فرهنگ خاص سهیمند مشترک است . این اصطلاح ، برای یک کنش اجتماعی

کوچک نیز به کار می رود و در مفهوم گسترده و پیچیده ی آن شامل یک رشته رویدادهایی مانند گفتار ، جشنها و مراسم و نمایشها می شود.

در اصطلاح حقوقی عرف قاعده ای است که مستقیماً از مردم سرچشمه می گیرد و فراگیر و پایاست و به وسیله ی نیروی رسمی مقام صالح الزامی دانسته شده است .

بدین گونه ، تنها رسم و عادت که صفت الزام و نیروی اجباری دارد یک قاعده ی حقوقی به شمار می آید.

ب - عرف به معنای عام ، عرف به معنای خاص:

در زبان حقوقی ، عرف به مفهوم گسترده ی واژه به همگی وقایع و اعمالی گفته می شود که در یک محیط اجتماعی ، بدون دخالت قانونگذار به چهره ی یک قاعده ی حقوقی در می آید . در این مفهوم ، عرف با حقوق وضع نشده و نانوشته ، که شامل همه ی منابع حقوق به جز قانون می شود مترادف است . بدین سان ، عرف نه تنها عادت و رسوم که رویه ی قضایی و نظریه ی علمای حقوق را هم در بر می گیرد.

عرف به معنای خاص شامل عادت و رسم حقوقی الزام آور است .

ج - عرف همگانی ، عرف محلی ، عرف خاص:

عرف را به همگانی ، محلی و خاص رده بندی کرده اند . "عرف عام" آن است که در یک کشور رایج است و قانون آن کشور می گردد و وجودش باید به وسیله ی دادگاه معین شود . عرف عام در پیوند با رسوم تجاری و بازرگانی و کسب و کار عرفی است که در همه ی قضایا و به وسیله ی همه ی اشخاص در همان تجارت و سوداگری و در همان سرزمین

پیروی می شود و چنان از دیر باز پا بر جا شده است که همگان از آن آگاهند و فرض بر آن است که همه ی اشخاص در هر فرصتی که بیابند آن را به کار می بندند .

"عرف محلی" آن است که تنها در یک منطقه ی خاص یا در یک کشور ، شهر و یا روستا رایج است . "عرف خاص" تا اندازه ای همانند عرف محلی است و تنها در میان ساکنان منطقه ای خاص جاری است . به عرف خاص و عرف محلی ، عرف مخصوص نیز می گویند.

د - عرف حقوقی:

عرف حقوقی ، عمل یا روشی است که با فراگیر شدن و یا قدمت و دیر پایی خود در یک جا یا جامعه ی خاص و با توجه به موضوع مورد نظر ، قدرت و توان قانون رابه دست آورده است . چنین عرفی ، در واقع ، قانون نانوشته ای است که با توافق مشترک و همگانی از دیر باز پا بر جا شده است.

برای این که عرف یا رسم و عادت الزام آور دانسته شود باید اساسا قانونی باشد . به سخن دیگر ، عرفی را منبع حقوق و سازنده ی قاعده ی حقوقی میدانیم که با قانون معمول و رسمی نظم عمومی اخلاق حسنه و سیاست و تدبیر کلی و همگانی حقوق ناسازگار ، ناهماهنگ و دو گانه نباشد.

ه - عرف تجارتي:

"عرف تجار" یا "عرف تجارتي" شیوه ای از عرف یا قواعدی است که به برات و سفته بستگی می یابد و با حقوق عرفی پیوند خورده است و بخشی از آن شده است . عرف تجارتي را همه ی ملتها پذیرفته اند و سازنده ی بخشی از قانون آن سرزمین است.

و - ارکان عرف:

از تعریف عرف می توان به دو رکن اصلی آن پی برد: رکن مادی و رکن معنوی. رکن مادی عرف همان پایداری و فراگیری و عمومیت آن است. منظور از رکن معنوی عرف، پذیرش معنوی مردم و جامعه است که به آن ویژگی و صفت الزام می بخشد.

ممکن است یک عرف خاص باشد یعنی در میان گروه یا صنفی ویژه متداول و مورد عمل قرار گیرد. برای نمونه، عرف تجار در میان این لایه ی خاص معمول و مرسوم است. منظور از فراگیر و عمومی بودن عرف ضرورتاً آن نیست که همه ی گروهها یا لایه های مردم آن را بپذیرند. همین که عرفی جای خود را در میان بیشتر افراد آن گروه یا دسته و طبقه و صنف باز کرده باشد، فراگیر و عمومی به شمار می آید.

از سوی دیگر، رکن معنوی، عرف را از دیگر آداب و رسوم اجتماعی ماندن رسم، آداب، عادت آنچه به تکرار انجام می گیرد، مد، ذوق و سلیقه و سلوک و منش بر جسته می سازد. مردم یک جامعه با پذیرش معنوی خویش به عرف یک نیروی الزام و اجبار می دهند. همین عامل روانشناسی، عرف را تا سده ی میانه به عنوان یک نیروی الزام آور و قاعده ی حقوقی در آورده بود. از دیدگاه کارشناسان دانش حقوق، عرف پیش از قواعد حقوقی و اصولاً پیش از قانون بر جامعه ی بشری حاکم بوده است.

ز - عرف در حقوق نوشته و حقوق نانوشته:

اهمیتی که شیوه ی حقوق نانوشته برای عرف می شناسد نظام حقوق نوشته نمی شناسد. با این همه، جامعه شناسان حقوقی بر اهمیت عرف به عنوان حقوق زنده تاکید ورزیده اند.

در حقوق نوشته هنگامی عرف به عنوان دومین منبع مهم حقوق مطرح می شود که قانون مدون وجود نداشته باشد. چنین عرفی باید با قدرت قضایی با نیروی الزام آور همراه باشد. بدین گونه، سرشت و ماهیت عرف تا هنگامی که دادگاهها قانونی بودن و نیروی الزام آور آن را تعیین نکرده اند از نر حقوقی بی ارزش است.

در حقوق نانوشته، نقش عرف در حقوق به عنوان منبع مهم و برجسته بسیار کار ساز و حساس است. اجرای قانونی عرف بستگی به معقول یا نامعقول بودن آن دارد.

ح - قلمرو عرف در مسائل مدنی و کیفری:

نقش عرف در مسائل مدنی چشمگیر و برجسته است. ماده ی ۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مقرر می دارد که هر کجا دادرس در رسیدگی به دعاوی با تناقض، سکوت و یا عدم صراحت یا نبودن قانون روبرو شد و نتوانست حکم موضوع را بیابد باید برابر روح و مفاد قوانین و عرف و عادات مسلم، قضیه را حل و فصل کند. مراد از روح قانون اصول و قواعد حقوقی و نظریه های علمی است و مراد از مفاد قانون مفهوم آن است و منظور از عرف و عادات مسلم، عرف و عادت جامعه است که در پی تکرار، افراد به آن خو گرفته اند.

در حقوق کیفری، نقش عرف به اندازه ی مسائل حقوقی نیست. با این همه، در مسائل کیفری عرف نیز بازیگر نقشهایی بوده است.

ط - قلمرو عرف در مسائل بین المللی:

اهمیت و کارایی عرف در مسائل بین المللی بی اندازه شایان توجه است زیرا، مقررات بین المللی، در واقع همان آداب و رسوم عرف متداول در میان کشورهای بوده است. پس از پیمانها و قرار دادهای بین المللی، عرف مهمترین منبع حقوق بین المللی است.

ماده ی ۳۸ اساسنامه ی دیوان دائمی بین المللی دادگستری ، در کنار عهده نامه و اصول کلی حقوقی ، عرف را از منابع حقوق بین الملل به شمار آورده است.

ی - تعارض میان عرف و قانون آمره:

در قوانین امری و الزامی نیروی عرف بدان اندازه نیست که با آن به پیکار برخیزد و آن را ملغا و بی اثر سازد زیرا ، قانون امری با نظم عمومی و اخلاق حسنه وابستگی و پیوستگی دارد و همان گونه که دیدیم شرط پذیرش عرف به عنوان یک قاعده ی حقوقی آن بود که با نظم عمومی و اخلاق حسنه دو گاه و ناهمساز نباشد . عرف ، توافق مشترک است ولی قانون امری بر خلاف توافق و تراضی مشترک و اراده ی طرفین ، احکام و مقرراتی را وضع می کند که رعایت آنها الزامی است.

ک - تعارض میان عرف و قانون تفسیری:

قانون تکمیلی یا تفسیری ، تفسیر کننده ی اراده ی طرفین است و بانظم عمومی و اخلاق حسنه و سیاست و تدبیر همگانی حقوقی وابستگی ندارد . بدین گونه ، اگر طرفین به روشنی درباره ی آن توافقی نکرده باشند ، عرف می تواند با قانون تفسیری دو گانه و ناهمساز باشد ولی باید به یاد داشت که در مسائل مدنی و بازرگانی این کار شدنی است.

ل - عرف در برابر قانون (قوانین فراموش شده):

اگر عرف با قانون دمساز و هماهنگ باشد هیچ مشکلی بر نمی خیزد و گاهی عرف ، زنده کننده ی قانون است ولی ، گاهی هست که عرف بر خلاف قانون و با آن ناهماهنگ می افتد.

یکی از موارد برخورد و ریا رویی عرف با قانون ، مساله ی قوانین فراموش شده است . در برخی از کشورهای یکه نظام حقوق نوشته دارند ، مانند آلمان ، نظریه ی قوانین فراموش شده در پاره ای از شرایط و اوضاع و احوال پذیرفته شده است و این نظریه به قاضی اجازه می دهد تا قانونی را که سالها متروک مانده است و جای آن را عرف پر کرده است ، اجرا نکند . درحقوق انگلیسی – امریکایی امروز نظریه ی قوانین متروک یا بهتر بگوییم قوانین خاموش و فراموش شده در قانون کاربردی ندارد زیرا باور بر آن است که قانون همیشه زنده و جوشان است.

یکی از نمونه های قانون فراموش شده در ایران ، ماده ی ۲ قانون لزوم ارائه ی گواهینامه ی پزشک قبل از ازدواج (مصوب ۱۳۷/۹/۱۳) است. برابر این قانون کلیه دفاتر ازدواج مکلفند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهینامه پزشک را بر نداشتن امراض مسریه مهم ، که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام می گردد مطالبه نموده و پس از بایگانی آن ، به عقد ازدواج و ثبت آن با قید موجود بودن گواهی پزشک بر تندرستی نامزدها اقدام نمایند.

نزدیک بیست سال اجرای این قانون به دست فراموشی سپرده شده بود ولی ، اداره ی ثبت اسناد با ابلاغ بخشنامه ای آن را اجرا کرد و هم اکنون دفاتر ازدواج این گواهی را از نامزدها می خواهند .

آیا قانون فراموش شده در واقع ، یک قانون نسخ شده است ؟ پاسخ منفی است زیرا ، نسخ دلیل می خواهد . با این همه ، قانون متروک از نظر بی اعتباری مانند یک قانون منسوخ است.

۶- رویه ی قضایی:

الف – واژه شناسی:

رویه قضایی در اصطلاح حقوق فرانسه دانش یا فن حقوق، در لاتین آشنایی و آگاهی نسبت به حقوق و در زبان انگلیسی به معنی دانش و فلسفه ی حقوق به کار می رود .

ب - تعریف رویه ی قضایی:

رویه ی قضایی ، در دو معنای عام و خاص به کار می رود . رویه ی قضایی به معنای عام که بدون قید و به چهره ی مطلق به کار می رود یعنی مجموعه آرای قضایی . رویه ی قضایی به معنای خاص ، هنگامی است که دادگاهها یا دسته ای از آنها در یکی از مسائل حقوقی روش و شیوه ی یکسانی در پیش گیرند و در برخورد با دشواریهای قضایی از آن تصمیم پیروی کنند.

در واقع ، رویه ی قضایی به معنای خاص است که سومین منبع حقوق به شمار می آید ، هر چند که همه ی دانشمندان حقوق در اعتبار آن به عنوان منبع حقوق با یکدیگر همداستان نیستند . با این همه ، باید گفت که در نظام حقوق نوشته ، رویه ی قضایی از اهمیت شایانی برخوردار است.

ج - دلیل پیدایش رویه قضایی:

رویه ی قضایی یکی از دستاوردهای اصل تفکیک قواست . انقلابیون فرانسه زیر تاثیر و نشان پذیری "منتسکیو" اصل تفکیک قوای فعالیت‌های دولت مقننه ، مجریه و قضائیه را باز شناختند . در پی این اصل بود که رویه ی قضایی به عنوان یک منبع مستقل حقوق جوانه زد و به بار نشست.

د - اهمیت رویه ی قضایی:

در واقع ، رویه ی قضایی تفسیر قانون است و همیشه حقوق را تکمیل می کند . از این گذشته ، رویه ی قضایی تطبیق کننده و تعدیل کننده ی قانون است . از آن جا که قانون ناقص یا مبهم است و قاضی به هنگام اجرای آن در دادگاه با دشواریهایی روبرو می شود رویه ی قضایی در حل چنین دشواریهایی به او یاریهای ارزشمند و در خور نگرشی می دهد.

ثبات و عمومیت از ویژگیهای قانون آن است و تغییر قانون همگام با تغییر اوضاع اجتماعی پیش نمی رود . بدین گونه ، رویه ی قضایی که نقش تفسیر و تعدیل قانون و قواعد حقوقی را بر عهده دارد از این راه در پویندگی حقوق بسیار موثر است .

انچه حقوق را هماهنگ با دگرگونیهای جامعه ی بشری می سازد و آن را از خمودگی و وازدگی رهایی می بخشد همین رویه ی قضایی است .

ه - رویه ی قضایی و عرف:

در جهان امروز با کوششهایی که برای قانونگذاری انجام می گیرد ، چندان فرصتی برای نمایش نیروی عرف نمانده است . با تنگتر شدن حلقه ی قلمرو و نفوذ عرف ، رویه ی قضایی نقش بر جسته تری پیدا می کند . با این همه ، رویه ی قضایی از عرف تاثیر می پذیرد و چه بسا عرفهایی که در رویه ی قضایی بازتاب پیدا می کند از نوع تازه ای باشد . در چنین صورتی ، رویه ی قضایی شیوه ی بیان و ارائه و تکمیل کننده ی عرف حقوقی است و کار قاضی در استناد به آن ماند کار قانونگذار در انعکاس عرف حقوقی مردم در مصوبه های خویش است.

و - آرای دیوان عالی کشور و رویه ی قضایی:

رویه ی قضایی به معنای خاص روشی است که دادرسان برای استنباط قوانین و عرفها و حل و فصل دعاوی به کار می برند . در حقیقت ، به هنگام سکوت ، تناقض ، نقص ، اجمال و ابهام قانون یا نبودن عرف حقوقی ، رویه ی قضایی جانشین قانون می شود.

دیوان عالی کشور در ایجاد رویه ی قضایی نقش کار ساز و پر باری بر عهده دارد . اصولا رای دیوان عالی کشور که در مرحله ی رسیدگی شکلی است یعنی موضوع را از نظر رعایت قانون و رعایت تشریفات دادرسی رسیدگی می کند و به ماهیت دعوی کاری ندارد بر دو گونه است : (۱) آرای لازم الاتباع (۲) آرای اصراری.

"آراء لازم الاتباع" که به آرای وحدت رویه و آرای نوعی نیز معروف است برای دادرسان و دادگاهها مانند قانون و دستور قانونگذار کلی و دائمی است و تخلف از آن در حکم تجاوز به قانون است . با این همه اعتبار آراء وحدت رویه تنها برای دادرسان و دادگاهها معتبر است و نه دیگر مقامات اداری بر خلاف قانون که نه تنها مراجع قضایی بلکه همگی سازمانها و نهادهای دولتی و اداری باید از آن پیروی کنند .

آرای لازم الاتباع را هیات عمومی دیوان عالی کشور صادر می کند . هنگامی که در یک موضوع از سوی یک یا چند دادگاه کیفری یا مدنی با برداشت و تفسیر قوانین ، احکام گوناگونی صادر شود دادستان کل کشور موضوع را در هیات عمومی شعبه های دیوان عالی کشور که به "دیوان عالی تمییز" نیز شهرت دارد مطرح می ند و رای اکثریت هیات عمومی دیوان عالی کشور هر چند باشد برای موضوعهای همانند و همه ی دادگاهها و مراجع قضایی در حکم قانون خواهد بود.

"آراء اصراری" هنگامی است که حکم یا قراری پس از نقض از سوی یکی از شعبه های دیوان عالی کشور به دادگاه هم عرض مدنی یا کیفری فرستاده می شود و این بار هم دادگاه بعدی همان حکمی را میدهد که دادگاه اولی داده است . دوباره موضوع در همان شعبه ی دیوان عالی کشور طرح می گردد و مجددا برای رسیدگی به دادگاه هم عرض سومی فرستاد می شود . این بار ، دادگاه سوم باید از نظر دیوان عالی کشور در آن پرونده و موضوع تبعیت

کند . این رای را رای اصراری می گویند ، در برابر رای لازم الاتباع که همگی دادگاهها در موارد مشابه باید تبعیت کنند.

ز - موارد کاربرد رویه ی قضایی در قانون:

ماده ی ۳ قانون آیین دادرسی مدنی راه دخالت رویه ی قضایی در قانون را در چهار مورد آشکارا بیان داشته است :

(۱) نقص قانون:

قانون می تواند همه ی نیازها و موارد را منعکس سازد . بدین گونه ، هنگامی قانون ناقص است که نتواند همه ی اعمال و وقایع حقوقی را که به دستور خرد و انصاف باید در برگردد ، در خود گرد آورد . برای نمونه ، برابر مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مدنی اگر صاحب دیوار ، ساختمان یا کارخانه و یا مالک و متصرف حیوان به علت تقصیر خود زیان و خسارتی به دیگری برساند ، مسوول جبران آن است . آیا در خصوص اموال منقول هم چنین حکمی جاری است ؟ قانون ناقص است ولی ، دادرس با بهره گیری از روح قانون ، دارنده ی مال منقول را هم در چنین موردی مقصر می شناسد.

(۲) سکوت قانون:

یکی از مواردی که دادرس باید از روح قوانین و عرف و عادات یاری بگیرد ، هنگامی است که در بیان فرع یک قانون هیچ حکمی وجود نداشته باشد . در موارد سکوت قانون رویه ی قضایی سازنده ی قاعده ی حقوقی است . برای نمونه درباره ی اجرای قانون در خارج از کشور هیچ یک از قوانین ما حکمی پیش بینی نکرده است . این با دادرس است که با بهره وری از روح سایر مواد قانونی تصمیم بگیرد در این باره چه حکمی اجرا کند.

اصل ۱۶۷ قانون اساسی ، پیش بینی کرده است که در موارد سکوت قانون ، قاضی باید به فتاوی فقهی مراجعه کند . اگر باز هم حکم قضیه در فتاوا و نظریات فقهی پیدا نشد ، دادرس چه وظیفه ای دارد ؟ پیداست که در این هنگام به عقل و عرف مراجعه می کند.

(۳) اجمال قانون:

گاهی هست که قانون بظاهر ناقص نیست ولی در بیان حکم نارساست زیرا، در آن قانون واژگانی دو یا چند پهلو به کار رفته است. برای نمونه، در ماده ی ۲۰۱ قانون مدنی می خوانیم: اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی آید مگر در موردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد. واژه ی خلل به روشنی دانسته نیست. آیا اشتباه در شخص طرف عقده تا چه اندازه به درستی قرار داد گزند می رساند؟ آن را ابطال می کند یا غیر نافذ است؟ رویه ی قضایی در این زمینه راهگشای کار دادرس است.

(۴) تناقض قانون:

اگر اجرای یکی از دستورهای قانونگذار با فرمانبرداری از حکم دیگر او دو گانه و ناسازگار باشد آن دو حکم را متعارض و نسبت میان آن دو را تعارض گویند. برای نمونه، میان ماده ی ۲۱۲ قانون مدنی که معاملات غیر رشید را به علت عدم اهلیت باطل می داند و ماده ی ۱۲۱۴ همان قانون که این گونه قرار دادها و معاملات را غیر نافذ می شناسد و دوگانگی و تعارض وجود دارد.

ح - پیشینه ی قضایی :

منظور از پیشینه ی قضایی یا قاعده ی سابقه در حقوق نانوشته آن است که دادرسان در رسیدگی به دعاوی باید از تصمیمات دادگاههای بالاتر در یافتن استدلال و به کارگیری آن در پرونده ها استفاده کنند. سهم این تصمیم، که الزام آور است، مبنای اصلی تصمیم خوانده می شود. اصلی که به عنوان مبنای ضروری راه حل پذیرفته شده است و منطق رای به شمار می آید و دادگاه بهیچ رو نمی تواند این تصمیم را نادیده بگیرد. در برابر معنای اصلی تصمیم، قواعد فرعی قرار دارد که توجیهاات و مستندات کما بیش زاید رای است.

ط - انتشار آراء قضایی:

هر کشوری می‌کوشد تا آراء قضایی خود را منتشر سازد . اهمیت این کار بر کسی پوشیده نیست . در ایران اصول حقوقی دیوان عالی تمییز تا سال ۱۳۱۰ برای نخستین بار به وسیله شادروان محمد بروجردی عبده ، گرد اوری شد . از آن پس ، کسانی مانند احمد متین ، روزنامه کیهان و اداره ی فنی وزارت دادگستری به انتشار رویه ی قضایی یا آراء دیوان عالی کشور پرداختند .

ی - رویه ی قضایی در حقوق اسلام:

اگر چه به دلایل خاصی و از آن میان پدید آمدن جنگها و تجزیه طلبیهای روز افزون و نبودن یک سازمان منظم اداری در کشورهای اسلامی مجموعه یا گردآمده ای از آراء قضایی در دست نیست و این پدیده ی نو خاسته شکوفایی نیافت ولی با نگاهی به نگاشته های حقوقی اهل سنت به مدارکی می‌رسیم که وجود رویه ی قضایی را اثبات می‌کند.

۷- عقاید دانشمندان حقوق (نظریه ی حقوقی)

الف - واژه شناسی:

عقاید علمای حقوق یا نظریه ی حقوقی را به فرانسسه "دکترین" می‌گویند..به عبارت دیگر قاعده ، اصل نظریه و عقیده ی حقوقی دکترین خوانده می‌شود.

ب - تعریف نظریه ی حقوقی:

منظور از عقاید دانشمندان حقوق یا نظریه ی حقوقی ، عقایدی است که پیرامون حقوق از سوی اشخاصی که دست اندر کار پژوهش و آموزش این رشته اند اند ارائه می‌شود . این عقاید در کتابها ، مقالات مجله ها ، تفسیرهای تصمیمهای قضایی ، آموزشها و مشورتهای

حقوقی یافت می شود. بدین سان، نظریه‌ی حقوقی آثار حقوقدانان و دانشمندان حقوقی است که در نگاشته‌های خود قانون را تفسیر می‌کنند.

ج - نظریه‌ی حقوقی در حقوق رم و حقوق اسلام:

در رم به مجموعه‌ی آثار و نگاشته‌های تفسیری قانون نام رویه‌ی قضایی می‌دادند که پیوسته به تفسیر قاعده‌ی حقوقی به وسیله‌ی دادگاهها دلالت می‌داشت. در رم باستان، به دستور امپراتور آدریانوس (۷۶ م) دادرس ناگزیر بود از عقاید علمای حقوق و اجماع دانشمندان در آراء قضایی خود پیروی کند. تئودوسیوس جوان امپراتور دیگر رم که از ۴۰۸ تا ۴۵۰ م فرمانروا بود و مجموعه‌ی قوانین تئودوسیوس را تدوین کرد، عقاید پنج تن از دانشمندان نامدار رم را در بر دیگران برتری داد و قاضی را به پیروی از آنها واداشت. بدین گونه، در حقوق رم عقاید علمای حقوق از منابع حقوق به شمار می‌آید و شاید ریشه‌ی آن به فرمانهای این دو امپراتور باز گردد.

در حقوق اسلام، تا آن جا که پژوهشهای کنونی نشان می‌دهد، رویه‌ی حقوقی یا عقاید علمای حقوق در قالب اجماع که یکی از منابع حقوق بوده است تجلی کرده است.

د - نظریه‌ی حقوقی در حقوق بین‌المللی:

نقش برجسته‌ی نظریه‌ی حقوقی در حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی بسیار چشمگیر است زیرا در حقوق بین‌الملل، بر خلاف قانون داخلی قانون ثابت و فراگیری وجود ندارد تا همگی هنجارهای حقوقی را زیر پوشش و الزام در آورد. عقاید دانشمندان حقوق در حقوق بین‌الملل چاره‌ساز و زمینه‌پرداز بسیاری از دشواریهایی است که در مسائل وابسته به پیوندهای جهانی پیش می‌آید. تفسیر و برداشت و نقد و ارزیابی معاهده‌ها و نیز هنجارهای بین‌المللی به نظریه‌ی حقوقی تاب و توان تازه‌ای بخشیده است.

۸ - دیگر منابع غیر رسمی حقوق

پاره ای از نویسندگان برای حقوق منابع غیر رسمی دیگری نیز بر شمرده اند . مهمترین این منابع عبارت است از (۱) اعمال حقوقی ، (۲) قواعد صنفی ، (۳) اصول کلی حقوق و (۴) انصاف.

(۱) اعمال حقوقی:

اعمال حقوقی رویدادهایی است که اثر آن با خواسته ی انجام دهنده هماهنگ است . در اعمال حقوقی ، آثار کار هر شخص برابر اراده ی او تعیین می گردد و حقوق این اراده را در ردیف تصمیم گذار می شناسد . به گفته ی "دموگ" عمل حقوقی کاری است که درباره ی آن هدف اجتماعی با اراده ی فردی منطبق است.

(۲) قواعد صنفی:

قواعد صنفی ساخته ی گروههای اجتماعی است . در واقع ، حقوق صنفی در برابر حقوق دولتی است . حقوق صنفی حقوق گروههایی است که اعضای آن هدف و سود مشترک دارند و می خواهند مصالح خود را بر دیگر لایه های اجتماعی حفظ نند . حقوق صنفی به شرط در جرگه ی حقوق موضوعه در می آید که دولت از آن پشتیبانی کند.

ایجاد کانونهای ویژه برای مهندسان ، بازرگانان ، وکلای دادگستری ، سردفتران ، نمونه ای از سازمان یابی هیمن گروههاست . حقوق می کوشد روابط شغلی گروهها را تنظیم کند . برای همین است که بسیاری از دانشمندان حقوق ، قواعد صنفی را از کانونهای سازنده ی حقوق دانسته اند .

(۳) اصول حقوقی:

در اصطلاح حقوقی ، اصل یعنی قاعده . قاعده به یک حکم کلی می گویند که احکام جزئی از آن گرفته یم شود . منظور از اصول حقوقی همین است یعنی ، قواعدی کلی که نه تنها شالوده ی بسیاری از قوانین قرار گرفته است بلکه به خاطر پیشینه ی دراز و گذرایی و نفوذ

اعتبار ویژه ای یافته است. این اصول با روح جامعه، آداب، عرف و مذهب همبستگی دارد و رفته رفته در جرگه ی زندگی حقوق در می آید. اصول حقوقی معیار خوب و بد قانون است و در منابع حقوق مقام شایان نگرشی پیدا کرده است. برای نمونه، اصل احترام به جان و مال دیگران و غیره از این دسته است.

(۴) انصاف:

انصاف در شیوه ی حقوقی نانوشته یکی از منابع مهم حقوق به شمار می رود. انصاف شیوه ی پا گرفته ای است از عدالت جبرانی مورد نظر در انگلستان و امریکا. انصاف را این گونه تعرف کرده اند تصحیح آنچه قانون با منطق کلی اش ناقص است. بدین گونه انصاف ابزار تلطیف و تعدیل خشکی و انجماد قانون است و در حقیقت قانون به یاری انصاف با چشمان بازتر و مهر و نرمی و گستردگی دید به حل دشواریها می پردازد.

۹ - طبقه بندی قوانین:

قوانین به سه دسته تقسیم می شوند:

الف - قانون اساسی ب- قانون عادی ج- احکام، آیین نامه ها و نظامنامه های دولتی

الف - قانون اساسی:

قانون اساسی عبارتست از مجموعه قواعد حقوقی خاص که یک گروه خاصی که یک گروه موسس برای تنظیم قدرت در دولت صادر می کنند تا هدف معینی را تامین کنند. بطور کلی قانون ساختاری و بنیادی آن کشور و ملت است و در آن اندیشه یک حکومت قانونمند و هدفمند قرار می گیرد. در بیشتر حکومت ها بخاطر نگهداری اساس حکومت و جلوگیری از تجاوز دولتها به پیمانی که رابطه بین آنها و ملت است برای قوانین اساسی احترام و حیثیت خاصی قائل هستند و آنها را ممتاز و برتر از سایر قوانین می دانند. در این رابطه قانون اساسی جمهوری اسلامی توضیح داده می شود:

تا سال ۱۲۸۵ حکومت بر ایران با روش ابتدایی اداره می شد و تمام اختیارات قضایی در دست شاه بود. در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ در نتیجه یک قیام ملی به یک تحول و دگردیسی در حکومت ایران به وجود آمد و در این رابطه حکومت ایران از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه مبدل می شود. در این تاریخ قانون اساسی با این اصل تشکیل و سال بعد ۱۰۷ اصل دیگر برای کامل کردن اصل مشروطیت به آن اضافه می شود که به عنوان متمم قانون اساسی شناخته و تا قبل از پیروزی انقلاب اجرا می شود. در سال ۱۳۵۷ در نتیجه وقوع انقلاب دگرگونی دیگری در شکل حکومت به وجود می آید و سلطنت سقوط می کند و در فروردین ۱۳۵۸ با رای ۹۸٫۲ درصد واجدین شرایط جمهوری اسلامی به وجود می آید. در نهایت در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با ۹۹ درصد آرا به تصویب ملت می رسد. در سال ۱۳۶۸ در یک همه پرسی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب می شود. به گونه ای که قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل وجود دارد و معیار و ضابطه اعتبار یا عدم اعتبار قوانین عادلانه و آیین نامه ها و مصوبات دولتی است.

ب - قانون عادی:

در مرحله پایین تر از قانون اساسی قرار گرفته است و اعتبار یا عدم اعتبار با تک قانون اساسی سنجیده می شود. شامل :

(۱) مصوبه های مجلس شورای اسلامی:

مصوبه های مجلس پس از تایید شورای نگهبان مطابق قانون اساسی و احکام شرعی و امضا رییس جمهور بر طبق اصول ۵۸ ، ۹۴ ، ۱۲۳ قانون اساسی

(۲) همه پرسی یا مراجعه به آراء عمومی:

مواردی که از ره گذر همه پرسی یا مراجعه به آراء عمومی به تصویب می رسند و نهایتاً امضا رییس جمهور طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی

(۳) مصوبه های مجمع تشخیص مصلحت نظام:

که به عنوان یک قانون عادی بکار می رود برابر اصل ۱۱۲ قانون اساسی

ج - مقررات دولتی (احکام ، آیین نامه ها و نظامنامه های دولتی):

مجموع قواعدی است که به حکم صریح یا ضمنی قانونگذار و یا به اعتبار اختیار ناشی از مسئولیت

اداری توسط مقامات (به غیر از قوه مقننه) وضع می شود.

۱۰ - وضع قانون عادی:

(۱) تهیه ، تنظیم و انشاء قانون:

در این رابطه قانون پیشنهادی بر اساس الگوی قانون نویسی شامل کلیات ، متن اصلی ،.... در قالب مواد جداگانه ، بند و تبصره و پیش بینی جرایم و مجازات ها و محدودیت ها، تشویق ها و پاداش ها ، مکانیسم های حقوقی ، نحوه و زمان تهیه آیین نامه اجرایی وتهیه ، تنظیم و انشاء می شود .

(۲) پیشنهاد قانون:

پیشنهاد قانون توسط حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس (طرح قانونی) و یا توسط دولت (لایحه قانونی) انجام می گیرد.

(۳) تصویب قانون:

تصویب قانون در صحن مجلس و با اکثریت نسبی نمایندگان انجام می گیرد.

(۴) تایید قانون:

تایید قانون توسط شورای نگهبان قانون اساسی انجام می شود. شورای نگهبان مرکب از ۱۲ نفر می باشد که ۶ نفر آنها فقیه بوده و توسط رهبری انتخاب می شوند و ۶ نفر حقوقدان که به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و تایید مجلس شورای اسلامی انتخاب می شوند. شورای نگهبان مصوبات مجلس را با احکام شرع و اصول قانون اساسی تطبیق می دهد، تطابق مصوبات مجلس با احکام شرع با فقهای شورای نگهبان و تطابق با اصول قانون اساسی با فقها و حقوقدانان خواهد بود.

در صورت عدم انطباق با هر یک از احکام شرع و یا اصول قانون اساسی ، مصوبه جهت تامین نظر شورای نگهبان به مجلس بازگشت داده خواهد شد. مجلس شورای اسلامی در صورت اعمال اصلاحات و تغییرات مورد نظر شورای نگهبان ، مصوبه تغییر یافته را مجدداً به شورای نگهبان می فرستد اما در صورت اصرار مجلس بر مصوبه و عدم پذیرش و اعمال تغییرات مورد نظر شورای نگهبان ، مصوبه از طرف مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده خواهد شد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام بین مجلس و شورای نگهبان حکمیت خواهد کرد. تصمیم مجمع تشخیص مصلحت نظام قاطع بوده و از دو طرف لازم الاتباع می باشد.

(۵) امضا قانون :

بر طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی رئیس جمهور باید قانون تصویبی مجلس شورای اسلامی و نتیجه بررسی را امضا کند. در واقع مصوبه های مجلس و نتیجه همه پرسی پس از امضا رئیس جمهور نام قانون را به خود می گیرد. رئیس جمهور پس از امضا قانون آن را برای اجرا به دولت ابلاغ می کند. در صورت استتکاف رئیس جمهور از امضاء قانون، معاون اول ایشان بایستی مبادرت به امضاء قانون نماید و در غیر این صورت، رئیس مجلس شورای اسلامی قانون را امضاء خواهد کرد.

(۶) انتشار رسمی قانون:

قانون باید انتشار یابد و به آگاهی همگان برسد تا هر کسی وظیفه و تکلیف خود را بداند. تصویب قانون به وسیله مجلس هیچ گونه الزام برای افراد به وجود نمی آورد، پس از آنکه قانون انتشار یافت اطاعت از آن بر همگان الزام می شود. انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید. قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد. روزنامه رسمی در آغاز از سازمانهای وابسته به مجلس شورای ملی بود ولی در قانون بودجه ۱۳۳۸ چاپ و نشر آن به وزارت دادگستری واگذار گردیده است.

۱۱ - مقررات دولتی:

مجموع قواعدی است که به حکم صریح یا ضمنی قانونگذار و یا به اعتبار اختیار ناشی از مسئولیت اداری توسط مقامات (به غیر از قوه مقننه) وضع می شود.

حق قانونگذاری در جمیع مسائل داخلی و خارجی، طبق اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اختیارات قوه مقننه میباشد اما قانونگذار در موارد بخشی از حق قانونگذاری خویش را به قوه مجریه تفویض کرده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً حق وضع مقررات دولتی اعم از آیین نامه های اجرایی، آیین نامه های مستقل، تصویب نامه و غیره را برای قوه مجریه شناخته است. (اصل ۱۳۸)

دلایل چنین روند به شرح زیر است:

(۱) در اختیار داشتن ابزار حقوقی لازم:

تحقق بخشیدن به حجم عظیم وظایف و تکالیف اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و نظامی ... یکی از دلایل مهم تفویض حق قانونگذاری به قوه مجریه است . به منظور تامین مصالح و نیازمندی های عمومی کشور قوه مجریه موظف است در تمام امور کشوری مانند صنعتی بازرگانی بهداشتی درمانی مسکن و عمران ... مداخله کند. برای جلوگیری از هرج و مرج و بی نظمی قطعا وضع مقررات دولتی ضروری خواهد بود این مقررات الزام آور پشتوانه سیاست های دولت محسوب می شوند.

(۲۱) کثرت مقررات دولتی:

از آنجا که تعداد آیین نامه ها و تصویب نامه های دولت از رقم بسیار بالایی برخوردار است وضع چنین مقرراتی نمیتواند توسط قوه مقننه صورت گیرد . مجلس قانونگذار هیچگاه فرصت کافی برای وضع کلیه آیین نامه ها و تصویب نامه های دولتی نخواهد داشت.

(۳) کم اهمیت بودن برخی مقررات:

بسیاری از مسائلی که مورد توجه قوه مجریه است از اهمیت چندانی برخوردار نیستند تا موضوع مجلس قانونگذاری قرار گیرند ، لذا قوه مجریه خود اقدام به تصویب آیین نامه در آن زمینه می نماید.

(۴) صلاحیت خنثی قوه مجریه:

با توجه به اینکه قوه مجریه در تماس دایمی با مسایل اجرایی کشور است و از کارشناسان متعددی که در ارگان های مختلف آن انجام وظیفه می کنند برخوردار است می تواند تصمیمات دقیق تر و مناسب تر را اتخاذ کند. وضع آیین نامه های مختلف در امور شهری

حمل و نقل بهداشت مسکن و غیره توسط قوه مجریه بهتر و سریع تر از قوه مقننه خواهد بود.

(۵) وضع مقررات محلی:

هدف قانون عادی وضع مقررات ملی است ولی برخی نیازهای محلی مانند حمل و نقل شهری ، بهداشت محلی و غیره ایجاب می کند که مقامات محلی حق وضع مقررات را در این زمینه داشته باشند. بدون اختیار وضع مقررات ، مقامات محلی مانند استاندار ، فرماندار ، شهردار و غیره نمی توانند به امور مختلفی که به آنها واگذار شده است بپردازند.

(۶) اجرای آزمایشی قانون توسط آیین نامه :

در برخی موارد قبل از قطعیت یافتن مقررات بهتر است آن مقررات بطور آزمایشی در قالب آیین نامه ها به اجرا گذاشته شوند و پس از رفع نواقص و اشکالات به شکل قانون در آیند.

۱۲ - انواع مقررات دولتی :

الف - آیین نامه :

منظور مقرراتی است که مقامات صلاحیت دار مانند وزیر یا شهردار و غیره وضع و در معرض اجرا می گذارند خواه هدف تسهیل اجرا و تشریح قانونی از قوانین موضوعه باشد خواه در مواردی باشد که اساساً قانونی وضع نشده است.

بطور کلی آیین نامه ها به ۳ دسته تقسیم میشوند :

(۱) آیین نامه های اجرایی:

مقرراتی هستند که به حکم صریح یا حتمی قانونگذار برای تکمیل قانون در ارتباط با آن وضع میشوند. به دلیل عدم استقلال ذاتی آنها، این آیین نامه ها " آیین نامه های غیر مستقل " نیز نامیده می شوند. از آنجا که قانونگذار از امکانات مادی و معنوی دستگاه اجرایی اطلاع کافی ندارد با سپردن قسمتی از اختیارات قانونگذاری خود به قوه مجریه، مقررات مربوط به کیفیت و نحوه اجرای قانون را از حیطة صلاحیت خود خارج می سازد.

با توجه به موارد ذکر شده در وضع آیین نامه های اجرایی دو حالت وجود دارد:

حالت اول: قانونگذار وضع آیین نامه اجرایی را به قوه مجریه تکلیف نکرده است. برای رفع نواقص و کاستی های قوانین عام و کلی مجلس، قوه مجریه به ابتکار مقررات اجرایی لازم را تدوین می نماید که به این دسته از مقررات، آیین نامه های تکمیلی خود جوش می گویند.

حالت دوم: قانونگذار وضع آیین نامه اجرایی را به قوه مجریه تکلیف کرده است. در این صورت اجرای قانون منوط به وضع مقررات اجرایی لازم خواهد بود. این مقررات را اصطلاحاً " آیین نامه های تکمیلی اجرای قوانین " می گویند.

(۲) آیین نامه های جایگزین قانون یا آیین نامه های تفویضی:

مقرراتی هستند که قانونگذار با اجازه صریح خود، تدوین آنها را به قوه مجریه واگذار کرده است. بر خلاف آیین نامه های اجرایی قانون که صرفاً برای اجرای قوانینی که قوه مقننه وضع کرده است، تصویب میشوند. این دسته از آیین نامه ها ماهیتاً با قانون فرقی ندارند.

(۳) آیین نامه مستقل:

مقامات اجرایی میتوانند به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی در حدود اختیارات خود اقدام به وضع آیین نامه های مستقل کنند. این دسته از آیین نامه ها روش های اجرایی قانون را تبیین نمی کنند بلکه بطور مستقل از قوانین، روابط اجتماعی افراد را انتظام می بخشد.

آیین نامه های مستقل به سه نوع هستند :

(۱-۳) آیین نامه های مستقل سازمان دهنده خدمات عمومی :

به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی به منظور تسهیل و تسریع فعالیت های دولت در کلیه امور اجتماعی اقتصادی و ... اصل مذکور به دولت این اجازه را می دهد که آیین نامه های مختلفی در آن زمینه ها وضع کند.

(۲-۳) آیین نامه های مستقل انتظامی :

علاوه بر تأمین نیازمندیهای همگانی، دولت موظف به حفظ نظم و امنیت عمومی است بدین لحاظ اقدام به وضع آیین نامه های در ارتباط با راهنمایی و رانندگی شهر سازی بهداشت و غیره می کند.

(۳-۳) آیین نامه های مستقل اضطراری :

در شرایط اضطراری (جنگ، اغتشاش داخلی و حوادث طبیعی و ...) دولت ناچار به اتخاذ تصمیمات فوری و ضروری است. تصویب این گونه آیین نامه ها در برخی از کشورها از جمله ایران با اجازه مجلس قانونگذار صورت می گیرد. (اصل ۷۹).

ب- تصویب نامه ها :

واژه تصویب نامه عرفاً به کلیه مقررات و قواعدی که توسط هیات دولت به تصویب می رسد اطلاق می شود. در حالی که در حقوق اداری منظور از تصویب نامه مقرراتی است که مراجع

و مقامات دولتی در حدود صلاحیت در امور معیین و مشخصی که به دلایل گوناگون معمولاً مورد نظر قانونگذار نیست وضع می نمایند . مجوز حقوقی دولت در وضع تصویب نامه ، اختیار ناشی از مسولیت است. بر خلاف آیین نامه که نوعاً مشتمل بر قواعد عام و کلی متعدد و مرتبط بوده و مفاد آن مانند قانون به صورت مواد جداگانه تنظیم می شود ، تصویب نامه غالباً محتوی امر معیین و محدودی است که معمولاً به صورت متن واحد تدوین می گردد.

ج - سایر مقررات دولتی :

(۱)بخشنامه :

بخشنامه عبارت است از تعلیم یا تعلیمات کلی و یکنواخت به صورت کتبی که از طرف مقام اداری به مدیران برای ارشاد به مدلول و طرز تطبیق قانون با آیین نامه داده شود و نباید خلاف قانون یا آیین نامه باشد و مدام که مخالف صریح با آنها نباشد از حیث لزوم ، پیروی رؤس از رئیس ، لازم الاتباع است.

بخشنامه قابل استناد در دادگاه نیست. و ذاتاً منشأ حق و تکلیف جدیدی نمیباشد و در صورت تعارض با قانون و آیین نامه نباید به آن عمل کرد.

البته در برخی موارد بخشنامه الزاماً تعلیمات اداری از روسای ادارات به رؤس خود نسبت ، بلکه در برخی موارد ، تصمیماتی است که مقامات اجرایی در امر خاصی اتخاذ کرده و به اطلاع عموم می رسانند مانند بخشنامه دولت در زمینه تغییر ساعات اداری.

(۲)دستورالعمل:

تعیین ضوابط و روش های دقیق اجرایی برای واحدها و کارمندان اداری در اموری که مستلزم در اختیار داشتن اطلاعات حتمی و عملی است توسط دستورالعمل های اجرایی صورت می

گیرد و در برخی موارد دستورالعمل با آیین نامه و بخشنامه شباهت های زیادی دارند ولی معمولاً مرجع وضع دستورالعمل شوراهای و کمیسیون ها هستند و برخی اوقات نیز تنظیم دستورالعمل به دستور آیین نامه یا تصویب نامه صورت می گیرد.

(۳) مصوبه:

به مفهوم عام کلمه مصوبه به کلیه آیین نامه ها تصویب نامه ها و قوانین ویژه به جز تصمیمات قضایی گفته میشود. لیکن به مفهوم خاص کلمه منظور از مصوبه تصمیمات شوراهای هیات ها و کمیسیون ها است.

(۴) ابلاغیه یا ابلاغ وزارتی:

هدایت ادارات و ماموران وزارتخانه و مراقبت کارهای آنان در اختیار وزیر است و بلکه تکلیف او است. اگر این اختیار یا تکلیف مربوط به مورد خاصی باشد، دستور وزیر را ابلاغ وزارتی می نامند و اگر بطور کلی باشد، یعنی ناظر به خصوصی مورد نباشد آن را بخشنامه وزارتی می نامند.

۱۳ - سازمان های متمرکز و غیر متمرکز:

از آنجاکه تشکیل سازمانهای اداری دولتی بستگی به ثبات و انسجام دولتها دارد، دولت ایران ازدوران قبل ازاسلام خصوصاً در دوره سلسله ساسانیان از یک نظام پیشرفته اداری برخوردار شد. پس ازاسلام نیز دوره صفویه رامی توان شاخصترین دوران درزمینه تاسیس سازمانهای اداری وبه طور کلی سازماندهی امورکشوری از سوی دولت شناخت. دردوران گذشته، فعالیتهای سازماندهی دولتی به امور مشخصی محدود میشد. این امور عمدتاً در ۴ زمینه بودند:

جمع آوری مالیات ، برقراری نظم و امنیت ، اجرای احکام قضایی ، برقراری روابط با سایر

دولتها.

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و تغییر ساختار سیاسی و اقتصادی در جوامع اروپایی ، سایر کشورها از جمله ایران از الگوی غربی تاثیر پذیرفته و تغییراتی را در نظام اداری و اجتماعی خود ایجاد کردند .

این تغییرات در کشورما از طریق دعوت از کارشناسان و ماموران دولتهای غربی صورت گرفت . کارشناسان خارجی در زمینه های مختلف اقدام به تغییر ساختار اداری کشورها کردند.

سازمانهای اداری جدیدی که در ایران ایجاد شدند ، عنوان وزارتخانه به خود گرفتند . نخستین وزارتخانه ایران در دوره فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۳۹ ه ق با نام " وزارت دولتهای خارجی " تاسیس شد. پس از آن سه وزارتخانه دیگر به وجود آمدند : وزارت مالیه ، وزارت داخله ، وزارت فوائد عامه.

پس از چندی در دوره ناصرالدین قاجار در سال ۱۲۵۷ ه ق تعداد وزارتخانه ها به شش وزارتخانه افزایش یافت این وزارتخانه ها شامل :

وزارت داخله ، وزارت خارجه ، وزارت جنگ ، وزارت عدلیه ، وزارت مالیه ، وزارت وظایف

تعداد وزارت خانه ها اغلب بنا به تصمیم شاه و با ضرورت مقتضیات کشور متغییر بود ولی این تغییرات کلا روندی رو به افزایش داشت که حاکی از ورود فعالیت های جدیدی به حوزه تکالیف دولت ها بود.

با وقوع انقلاب مشروطه زمینه اصلاحات عمیقی در امور سازمان های دولتی ایجاد شد ، بطوری که تصمیمات این سازمان ها از این پس خارج از اداره افراد و دولتمردان قرار می گرفت و فعالیت آنها بر

اساس موازين قانونی خصوصاً نخستین قانون اساسی کشور تنظیم شد و اصول متعددی از قانون اساسی مشروطیت به امور سازمان های اداری اختصاصی یافت.

به منظور ضابطه مند کردن استخدام کارکنان دولت ، نخستین قانون استخدام کشوری در سال ۱۳۰۱ ه ش به تصویب می رسد و همچنین در سال ۱۳۰۵ قانون لزوم تنظیم لایحه قانونی وزارتخانه ها از تصویب مجلس می گذرد.

در چند دهه اخیر ، وزارتخانه ها و سازمان های اداری گسترش چشمگیری داشتند و عملاً عرصه های مختلف صنعتی ، تجاری ، عمرانی ، فرهنگی و ... را تحت پوشش خود در آورده‌اند.

۱۴ - روند ایجاد سازمان های اداری :

الف - مرحله قانونی :

این مرحله شامل تصویب و اجاره تاسیس سازمان دولتی است که می تواند یا به پیشنهاد خود قوه مجریه و تصویب قوه مقننه صورت گیرد و یا به اعتبار تصمیم قوه مقننه .

(۱) ایجاد سازمان دولتی به پیشنهاد قوه مجریه و با تصویب قوه مقننه :

ایجاد سازمان های دولتی معمولاً بر اساس پیشنهاد قوه مجریه به قوه مقننه صورت می گیرد . قوه مجریه به جهت تصدی امور اجرایی و آشنایی با مشکلات اداری بهتر از هر نهادی می تواند ضرورت ایجاد یک سازمان را تشخیص دهد و به همین دلیل می تواند پیشنهاد صدور مجوز قانونی تاسیس سازمان را به قوه مقننه بدهد. البته گاهی نیز قوه مجریه خود راساً اقدام می کند . پس از تصویب اساسنامه سازمان ، وزارتخانه ذیربط باید چارت سازمانی را طراحی

کند و برای تایید به سازمان امور اداری و استخدامی کشور ارجاع دهد و برای تامین بودجه این سازمان باید هماهنگی های لازم با سازمان برنامه و بودجه به عمل آید.

(۲) ایجاد سازمان توسط قوه مقننه :

از آنجا که وظایف اجرایی دولت به عهده قوه مجریه است ، مداخله قوه مقننه از طریق ایجاد و اداره سازمان های اداری و اجرایی منجر به نقض اصل تفکیک قوا خواهد شد . به همین منظور قوه مقننه هیچگاه اقدام به تاسیس سازمان های اداری نکرده است مگر در مواردی که در راستای وظایف قرار می گیرد مانند تاسیس دیوان محاسبات کشور.

البته قوه قضاییه سازمان های متعددی را زیر نظر دارد ولی این سازمان ها با اجازه قانونگذار تشکیل و فعالیت می کنند نظیر :

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری

انجمن حمایت از زندانیان

دیوان عدالت اداری

سازمان بازرسی کل کشور

شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور

بنگاه تعاون و حرفه آموزی و صنایع زندانیان

ب- مرحله کارشناسی :

شامل بررسی های زیر است:

(۱) بررسی و اظهار نظر کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی:

این کمیسیون به عنوان کمیسیون تخصصی ضرورت و نحوه ایجاد سازمان پیشنهادی را بررسی و پس از رفع نواقص موضوع را جهت شور و تصویب تقدیم نمایندگان مجلس می کند.

(۲) بررسی و اظهار نظر توسط معاونت مدیریت و برنامه ریزی دولت:

سازمان ذینفع الگوی واحدهای اجرایی، بدنه های معاونت، ادارات مختلف، پرسنل... را به معاونت مدیریت و برنامه ریزی دولت پیشنهاد می کند و سپس با انجام یک سری بررسی های کارشناسی به طراحی تشکیلات لازم برای به حرکت انداختن سازمان جدید تأسیس اقدام می نماید. پس از طراحی و تعیین تشکیلات تفصیلی، معاونت مدیریت و برنامه ریزی نسبت به تعیین روش های مناسب کار و ماهیت فعالیت ها و همچنین سیاست های جذب نیروی انسانی اقدام می کند.

سپس بودجه سازمان جدید تاسیس بر اساس برنامه، فعالیت و وظیفه بررسی شده و پس از رسیدگی مجدد در "واحد تلفیق" و از محل اعتبار هزینه های غیر قابل پیش بینی موقتاً بودجه لازم در اختیار سازمان جدید قرار می گیرد تا در سال مالی آینده با تعیین ردیف خاص و بودجه مشخص برای آن به عنوان یک سازمان مستقل در مجموعه نظام سازمانی دولت قرار گیرد.

(۳) رسیدگی در شورای عالی اداری:

شورای عالی اداری از جمله مراجعی است که نقش بسیار تعیین کننده ای در ایجاد سازمان های دولتی دارد. این شورا در سال ۱۳۶۹ با هدف تحقیق اهداف دولت در برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و همچنین اصلاح نظام اداری کشور تشکیل شده است.

رئیس شورا رییس جمهوری است و دبیرخانه آن در معاونت مدیریت و برنامه ریزی دولت واقع است. اختیارات شورا بسیار گسترده و شامل ادغام دستگاههای اداری با وظایف مشابه و متداخل انحلال سازمان های اقماری، محدود کردن تشکیلات دولت،... است.

۱۵ - طبقه بندی سازمان های دولتی :

سازمان های دولتی را می توان از جهات مختلف زیر طبقه بندی کرد:

الف - طبقه بندی سازمان ها از لحاظ منطقه جغرافیایی:

(۱) سازمان های ملی : این سازمان ها که در سطح کشور فعالیت می کنند دامنه فعالیت گسترده ای داشته و از تشکیلات سازمانی پیچیده تری برخوردارند.

(۲) سازمان های منطقه ای :

برخی از سازمان های دولتی در سطح منطقه ای فعالیت می کنند و هدف آنها رفع نیازهای یک منطقه جغرافیایی مشخص است مانند سازمان های آب منطقه ای،...

(۳) سازمان های محلی : این قبیل سازمان ها محدوده جغرافیایی نسبتاً کوچکی را تحت

پوشش دارند و اساساً به امور خاص محلی می پردازند مانند شهرداری ها

ب- طبقه بندی سازمان ها از لحاظ وضعیت حقوقی:

از این حیث سازمان های دولتی را به ۳ گروه تقسیم می نمایند:

(۱) سازمان های مشمول تبصره ۲ ماده ۸ قانون استخدام کشوری :

سازمان های عهده دار اعمال حاکمیت دولت شامل کلیه وزارت خانه ها و بسیاری سازمان

های وابسته در این قالب حقوقی قرار دارند.

(۲) سازمان های مشمول تبصره ماده ۱۲ قانون استخدام کشوری :

سازمان های عهده دار اعمال تصدی دولت بیشتر در این گروه قرار می گیرند (اعمال تصدی

اعمالی است که دولت از نقطه نظر حقوقی مشابه افراد انجام می دهد، مانند خرید و فروش یا

اجاره و غیره). در این گروه شرکت ها و سازمان های دولتی در سطح کشور ، منطقه و محل

قرار می گیرند که ضمن تبعیت از مقررات عمومی استخدامی بنا به جهاتی که به طبیعت کار

و نوع فعالیت آنها ارتباط دارد ، تفاوت هایی در میزان مزایای شغلی با سازمان های مشمول

تبصره ۲ ماده ۸ قانون استخدام کشوری دارا هستند. در عرف اداری این سازمان ها ، سازمان

های غیر مشمول نامیده می شوند.

(۳) سازمان های مشمول مقررات خاص :

برخی از سازمان ها از قوانین عمومی استخدام کشوری تبعیت نمیکنند بلکه تابع مقررات

خاصی می باشند مانند شرکت های وابسته به وزارت نفت و گاز.

ج- طبقه بندی سازمان ها به لحاظ ماهیت اجرایی و عملیاتی:

سازمان های دولتی را می توان از حیث ماهیت عملیاتی به دو دسته تقسیم نمود :

(۱) سازمان های صف :

این سازمان ها در صف مقدم فعالیت های دولتی قرار دارند و مجری اهداف و سیاست های در زمینه های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و غیره می باشند.

وزارت خانه ها کلا دارای نقش صفی می باشند که با برنامه ریزی و بودجه بندی سازمان دهی و بالاخره هماهنگی نظرت دولت ، یک یا چند وظیفه عمده مملکتی را به وحله اجرا در می آورند.

همچنین بسیاری از سازمان های تابعه و وابسته وزارت خانه نیز دارای ماهیت صفی هستند که سیاست کلان وزارتخانه متبوع را در چهارچوب جهت گیری عمومی دولت و اهداف خاص سازمان های دولتی در بخش های که قانون تعیین کرده است اجرا می کنند.

(۲) سازمان های ستادی:

سازمان های ستادی به آن دسته از سازمان ها گفته می شود که فعالیت آنها کمک و تسهیل امور سازمان های صف می باشد . واحد های ستادی در واقع کمک های پشتیبانی لازم در ارتباطات مختلف اداری تحقیقاتی و ... به سازمان های صف می کند.

سازمان های اخیر بدون کمک واحد های ستادی قادر به تحقق اهداف خود نخواهند بود .

د – طبقه بندی سازمان ها به لحاظ تمرکز اداری :

(۱) سازمان های متمرکز:

سازمان هایی هستند که پیکره اصلی مرکزی را شکل می دهند و شخصیت حقوقی مستقل از دولت ندارند مانند وزارتخانه ها

(۲) سازمان های غیر متمرکز:

سازمانهای هستند که به اجازه قانون گذار ایجاد و با برخورداری از شخصیت حقوقی مستقل اهداف و وظایف خاصی را دنبال می کنند.

سازمان های غیر متمرکز خود به دو گونه اند شامل:

(۲-۱) سازمان های غیر متمرکز جغرافیایی

(۲-۲) سازمان های غیر متمرکز خنثی و اداری.

سازمان های غیر متمرکز خنثی یا اداری که در جهت تمرکز زدایی اداری و تسهیل امور اجرایی کشور تشکیل می شوند عمدتاً به دو دسته تقسیم می شوند :

(۲-۲-۱) شرکت های دولتی :

بر اساس ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور ، شرکت دولتی واحد سازمانی مشخص است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰٪ سرمایه آن متعلق به دولت باشد . هر شرکتی که از طریق سرمایه گذاری شرکت های دولتی ایجاد شود

، مادام که بیش از ۵۰٪ سهام آن متعلق به شرکت های دولتی باشد شرکت دولتی تلقی می شود.

علل تاسیس شرکت های دولتی شامل :

الف - علت تاریخی : پیروزی انقلاب شوروی و استقرار نظام کمونیستی در بلوک شرق و رکورد اقتصاد سرمایه داری در ده ۱۹۳۰ باعث ترغیب کشورها در ایجاد شرکت های دولتی گردید.

ب - عامل اقتصاد داخلی: کمبود سرمایه بخش خصوصی باعث شد دولت خود در زمینه اقتصادی سرمایه گذار می کند.

ج - دلایل استراتژیک : برخی از بخش های اقتصادی مانند صنایع دفاع لزوما می بایستی تحت پوشش دولت قرار می گیرد.

د - مداخلات اجتماعی و سیاسی : غلبه بر نا برابری های اجتماعی ، تثبیت وجود کالاها و خدمات مشخص اعمال حاکمیت سیاسی از طریق کنترل امور اقتصادی.

ارکان شرکت های دولتی شامل ذیل می باشد:

الف - مجمع عمومی : بر اساس مقررات موجود مجمع عمومی شرکت های دولتی متشکل از ??? زی ربط به عنوان نمایندگان صاحبان سهام است.

ب - هیات مدیره اعضا اصلی هیات مدیره شرکت های دولتی متفاوت است ولی در اکثر موارد این تعداد بین ۳-۵ نفر است و در چند مورد خاصی نیز تعداد بیش از ۵ نفر است . در

مجموع تعداد اعضا هیات مدیره شرکت های دولتی وابسته به وزارت خانه ها در حدود ۵۰۸ نفر است.

ج - مدیر عامل : بالاترین مقام اجرایی در شرکت های دولتی است.

د - بازرس یا حساب رس به موجب قانون ،حساب رسی شرکت های دولتی بر عهده حساب رس است.

(۲-۲-۲) موسسات عمومی:

موسسه دولتی واحد سازمانی مشخص است که به موجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه گانه اداره می شود و عنوان وزارتخانه ندارد. این گونه موسسات به موجب قانون تشکیل می شوند و زیر نظر یکی از قوای سه گانه اداره می شوند در واقع مرجع تصویب و یا صدور اساسنامه موسسات دولتی مجلس شورای اسلامی است و مرجع دیگری حق ایجاد چنین موسساتی را ندارد. انواع موسسات عمومی به شرح ذیل می باشد:

الف - موسسات عمومی دولتی و موسسات عمومی غیر دولتی:

برخی از موسسات عمومی به عنوان بخشی از یک وزارتخانه یا سازمان دولتی عمل می کنند که به آنها موسسات عمومی دولتی می گویند، لیکن برخی دیگر از موسسات به موجب قانون استقلال عمل بیشتری یافته و تحت عنوان موسسات عمومی غیر دولتی فعالیت می کنند شامل :

۱- شهرداری ها و شرکت های تابعه ۲- بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی ۳- هلال

احمر ۴- کمیته امداد امام ۵- بنیاد شهید انقلاب اسلامی ۶- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

۷ - کمیته ملی المپیک ۸- بنیاد ۱۵ خرداد ۹- سازمان تبلیغات اسلامی ۱۰- سازمان تأمین

اجتماعی ۱۱- بنیاد امور بیماری های خاص

ب - موسسات عمومی غیر انتفاعی و موسسات عمومی انتفاعی:

موسسات عمومی غیر انتفاعی معمولاً با عناوینی همراه هستند که بیانگر نوع آنهاست مانند انجمن (انجمن توانبخشی ایران) ، انستیتو (انستیتو پاستور ایران) ، صندوق (صندوق کارآموزی) ، بنیاد (بنیاد شاهنامه) ، بنگاه (بنگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی) ، سازمان (سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی) و ... دارند.

- موسسات عمومی انتفاعی مانند بانکها ، سازمان بنادر و دریانوردی ، شرکت ذوب آهن ایران

۱۶ - منابع طبیعی:

مجموعه امکانات و توانمندی ها و ظرفیت های بالفعل و بالقوه را "منابع" می گویند، حال به مجموعه امکانات بالفعل و بالقوه که انسان در به وجود آوردن آن نقش نداشته باشد "منابع طبیعی" می گویند.

منابع طبیعی به دو دسته تقسیم می شود:

(۱) منابع طبیعی تجدید پذیر:

منابعی که وقتی در معرض بهره برداری عاقلانه قرار گیرند قابلیت ترمیم و بازسازی خود را دارند مانند جنگل ، حیات وحش و ابریزان ، پوشش گیاهی.

(۲) منابع طبیعی تجدید ناپذیر :

منابعی که حتی اگر در معرض یک بهره برداری منطقی قرار گیرند قابلیت ترمیم و بازسازی خود را ندارند (به عبارت دیگر با توجه به اینکه زمان بازسازی آنها بسیار طولانی و چند میلیون ساله بوده و این انتظار از حد حوصله انسان فراتر می

باشد ، لذا آنها را پس از بهره برداری ، از دست رفته تلقی می کنند) مانند منابع فسیلی (نفت و گاز) و منابع کانی (معادن) و غیره.

منابع طبیعی تجدید پذیر به دو دسته تقسیم می شوند:

(۲-۱) منابع طبیعی تجزیه پذیر مهار شده (اهلی) :

منابعی هستند که حضور انسان در مراحل رشد آنها کلیدی است و در صورتی که انسان از کنار آنها حذف شود، این منابع یا از بین می روند و یا به خواستگاه وحشی خود باز می گردند. گونه های اهلی جانوری و گیاهی و فعالیتهایی از قبیل زراعت و باغبانی و آبیاری پروری و دام پروری را می توان نام برد.

(۲-۲) منابع طبیعی تجدید پذیر مهار نشده (وحشی) :

عبارت است از منابعی که چه انسان وجود داشته باشند و چه وجود نداشته باشد حیات خود ادامه می دهند و مستقل از انسان توسعه پیدا می کنند مانند جنگل و مرتع و مجموعه فون و فلور ، انرژی زمین گرمایی ، انرژی خورشیدی، انرژی موج و جریان هوا و نیروی آب جاری... و در این رابطه فعالیت های مثل جنگلداری و مرتع داری و آبخیز داری و آبخوان داری و بهره داری و مدیریت حیات وحش ، صیادی و شیلات و عملیات احداث سد بر روی رودخانه ها و توربین های بادی و توربین های موج و الکترودهای انتقال دهنده انرژی گرمایی زمین و سلول های فتوالکتریک...

در این رابطه با توجه به ماهیت منابع مورد مطالعه دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی ، ویژگی های منابع طبیعی تجدید شونده مهار نشده به شرح ذیل معرفی می گردد:

(۱) این دسته از منابع بدون دخالت انسان قادر به ادامه حیات هستند: این منابع بدون دخالت انسان به صورت مستقل تمامی مراحل رشد و توسعه خودشان را طی می کند و اما بر عکس، منابع تجدید شونده اهلی از این ویژگی برخوردار نیستند و بدون حضور انسان قادر به ادامه حیات نمی باشند.

(۲) در این دسته از منابع دوره بهره برداری تابع قانون مندی های طبیعت است: انسان به منظور تامین مصرف نیاز بازار از طبیعت استفاده می کند و لذا دوره های رشد طبیعت را کشف می نماید و متناسب با این موضوع، عملیات بهره برداری را انجام می دهد، اما در منابع طبیعی اهلی بهره برداری به مقدار بسیار زیادی درست انسان است و از طریق اعمال مدیریت نیاز بازار را تامین می کند، مانند گونه های گلخانه ای.

(۳) در این دسته از منابع دخالت انسان در روند تولید حداقل است: در منابع طبیعی تجدید شونده، طور کلی مراحل رشد به عهده طبیعت است ولی بعضا برای کمک به طبیعت و ترمیم ظرفیت های تخریب و تضعیف شده، انسان مبادرت به دخالت های محدود می کند، به عنوان مثال ریختن بچه ماهی در دریاچه و دریا به منظور کمک به ترمیم جمعیت ابریان، زنده گیری و رها سازی حیوانات وحشی به منظور ترمیم جمعیت آنها، عملیات پرورشی و مراقبتی در جنگل مانند واکاری، تنک کردن، هرس کردن و قطع بهداشتی، عملیات احیایی در مرتع مانند مالچ پاشی، شیار کنی، بذر پاشی.

(۴) این دسته از منابع در صورت تخریب بازسازی شان مشکل و یا غیر ممکن است: یک جنگل، مرتع و یا دریاچه در طول سالها زیادی ساخته شده است اگر قرار باشد بدون برنامه ریزی مورد بهره برداری و تخریب قرار گیرد دیگر قابل برگشت نیست زیرا جبران و تولید مجدد آنها سالهای زیادی طول می کشد و در بعضا وقتی یک گونه از موجودات زنده بر اثر بهره برداری بی رویه منقرض می شود، از کارگاه خلقت حذف شده و در نتیجه احیاء و بازسازی آن غیر ممکن می باشد.

(۵) در این دسته از منابع اصل بر بازده مستمر است:

منظور از باره مستمر استمرار در تولید می باشد. رویکردی که نسبت به این منابع بایستی اتخاذ کرد این است که عملیات برداشت و بهره برداری به گونه ای باشد که پتانسیل تولید کماکان محفوظ بماند یعنی به عبارت دیگر رشد و تولید ادامه دار باشد. به عنوان مثال:

وضعیت جنگلهای شمال کشور:

- وسعت جنگل های شمال کشور:
- ۱/۹ میلیون هکتار
- وسعت جنگل های مرغوب:
- ۱/۳ میلیون هکتار
- وسعت جنگل های مخروبه:
- ۰/۶ میلیون هکتار
- موجودی جنگل های مرغوب:

- ۸۰۰ متر مکعب در هکتار و در سال

- موجودی جنگل های مخروطه:

- ۵۰ متر مکعب در هکتار و در سال

- موجودی متوسط جنگل های شمال کشور:

- ۲۰۰ متر مکعب در هکتار و در سال

- رشد متوسط جنگل های شمال کشور:

۴ متر مکعب در هکتار و در سال

اگر ما در جنگل های شمال کشور در هر سال به اندازه رشد آن یعنی ۴ متر مکعب در هکتار و در سال برداشت کنیم اصل سرمایه جنگل محفوظ می ماند.

(۶) در این دسته از منابع سرمایه گذاری تابع تعادل اکولوژیک است:

یعنی ساختار جامعه به گونه ای است که جامعه به بالندگی و نهایتاً به کلیماکس می رسد.

هر چه یک جامعه از تعادل اکولوژیک فاصله بیشتری داشته باشد در واقع نابسامان تر است. تعادل اکولوژیک را میتوان پایداری جامعه و عدم اکولوژیک را ناپایداری جامعه تعریف کرد. در این رابطه دو دیدگاه وجود دارد:

(۱) انتفاعی (سود جویانه و اقتصادی)

(۲) غیر انتفاعی (مدیریتی)

در این رابطه از نقطه نظر انتفاعی (سود جویانه و اقتصادی) نیز در منابع ناپایدار صرف سرمایه گذاری بیشتر به منظور به دست آوردن محصول لازم است و از نقطه نظر غیر انتفاعی (مدیریتی) نیز در منابع ناپایدار ابتدا مقداری سرمایه گذاری جهت ترمیم جامعه و رساندن آن به پایداری انجام می گیرد و سپس سرمایه گذاری جهت برداشت محصول انجام خواهد شد.

(۷) در این دسته از منابع واحد مدیریت حوضه آبخیز است: پیشتر لازم است اصطلاحاتی چون حوضه آبخیز و حوضه

آبریز تعریف شود. حوضه آبخیز به شرح ذیل تعریف می شود:

منطقه ای ناودانی شکل که کلیه آبهای که بر روی آن جاری می شوند به یک رودخانه منتقل شده و در جهت شیب

غالب منطقه از منطقه بالادست به میان دست و سپس پایین دست جاری شده و به یک حوضه آبخیز می ریزد.

حوضه آبریز نیز به شرح ذیل تعریف می گردد:

منطقه پست و کم ارتفاعی است که آخرین مرحله جریان آب از حوضه آبخیز و در واقع سکون آب می باشد.

در این منابع حوضه آبخیز با قابلیت های آن بصورت جنگل و مرتع و حیات وحش و پوشش گیاهی آن بطور یکپارچه و هماهنگ مدیریت می شود در حالی که واحد مدیریت در منابع اهلی مزرعه ، باغ یا استخر پرورش ماهی در مساحت های محدود و بدون هماهنگی با سایر فعالیت های پیرامونی است.

(۸) در این دسته از منابع مالکیت متناسب با ساختار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه است:

مالکیت به سه صورت وجود دارد:

(۱) دولتی

(۲) خصوصی

(۳) تعاونی

در کشور ایران مالکیت از نوعی دولتی است که این موضوع بر می گردد به قبل از انقلاب با قانون ملی کردن جنگل ها شروع شده و بعد از پیروزی انقلاب طبق اصل ۴۵ قانون اساسی که منابع طبیعی به عنوان انفال معرفی شده و ملی محسوب می شود

(۹) در این دسته از منابع حفاظت و توسعه بایستی به صورت توأمان باشد:

هیچیک از موضوعات حفاظت مطلق و توسعه مطلق امکان پذیر نیستند بلکه بایستی به گونه ای از طبیعت بهره برداری کرد که ساختار طبیعت محفوظ بماند به همین خاطر حفاظت و توسعه دو روی یک سکه هستند و بایستی در کنار هم استفاده شوند.

(۱۰) این دسته از منابع به عنوان بستر حیات انسان محسوب می شوند:

انسان در طبیعت زندگی می کند و تنها یک کره مسکون در منظومه شمسی وجود دارد و به همین دلیل تخریب طبیعت به عنوان تخریب آشیانه انسان نیز محسوب می شود.

۱۷ - منابع طبیعی ایران:

الف - جاذبه های طبیعی ایران:

ایران به عنوان دهمین کشور دارای جاذبه های طبیعی است اما بر اساس آمار سازمان جهانی در سال ۱۹۹۷ سهم کشور ما از نظر تعداد گردشگر ۰/۹ درصد و از نظر درآمد گردشگری دنیا ۰/۶ درصد است. هم اکنون در حدود ۵ درصد مساحت کشور در قالب مناطق حفاظت شده، پارک های ملی، آثار طبیعی ملی و پناه گاه های حیات وحش قرار دارد و عرصه قابل توجهی از کشور نیز تحت پوشش پارک های جنگلی و مدیریت منابع طبیعی است که با توجه به جاذبه های طبیعی، این گونه مناطق می توانند در صورت استفاده خلاقانه و همراه با مدیریت و برنامه ریزی اثربخش نقش مهمی در جذب توریسم از سراسر دنیا داشته باشند.

ایران سرزمین اقلیم های مختلف است، این امر به دلیل وجود سلسله جبال البرز و زاگرس در شمال و غرب، کویرهای مرکزی، ارتفاعات محلی در مرکز و جنوب غرب و همچنین ورود جبهه های هوای مختلف از قسمت های گوناگون کشور است. بر این اساس ایران از نظر طبیعت جزو چند کشور اول جهان بوده و همچنین به لحاظ تنوع زیست محیطی حائز رتبه پنجم در جهان است.

برخی از جاذبه های طبیعی ایران همچون جنگل های شمال به دلیل مصون ماندن از تأثیر دوره های یخچالی دارای گونه های مختلفی از پهن برگان می باشند و از این نظر به عنوان یکی از ذخایر ژنتیکی دنیا محسوب می شود. نواحی مرکزی ایران که دارای رخساره های منحصر به فردی همچون اشکال مختلف کویر (کفه های نمکی و رخساره های چند ضلعی)، شن های روان و تپه های ماسه ای که گاهی ارتفاع آنها به ۵۰۰ متر نیز می رسد و از این نظر در دنیا کم نظیر است. در نهایت جنگل ها، آبشارها و چشمه های آهکی موجود در غرب، دریاچه ها و آبگیرها و ... می توانند نظر هر بیننده ای را به خود جلب کنند.

مکمل این جاذبه های طبیعی گسترده و متنوع، فرهنگ غنی و آثار با ارزش تاریخی است که بسیاری از آنها به عنوان میراث بشری شناخته شده اند.

ب - حوضه های آبخیز ایران:

حوضه آبخیز عرصه ای است که روان آب ناشی از بارش بر روی آن توسط آبراهه ها جمع آوری و به یک خروجی نظیر رودخانه، آب انباشت، تالاب، دریاچه و دریا هدایت می شود. به عبارتی دیگر حوضه آبخیز تمامی سطحی را در بر می گیرد که آب های سطحی در آن منطقه به سمت نقطه یا محل مشخصی جریان می یابد.

آبخیزداری (Watershed Management)، علم و هنر برنامه ریزی مستمر و اجرای اقدامات لازم برای مدیریت منابع حوضه های آبخیز اعم از طبیعی، کشاورزی، اقتصادی و انسانی بدون ایجاد اثرات منفی در منابع آب و خاک می باشد. به عبارت دیگر آبخیزداری طراحی و مدیریت حوضه به منظور حفاظت و استفاده صحیح و پایدار از منابع طبیعی با توجه ویژه به منابع آب و خاک است.

عرصه حوضه های آبخیز کشور شامل ۶ ابرحوضه (بر اساس تقسیمات تمآب، وزارت نیرو) برابر با مساحت کل کشور می باشد، که هر یک از این حوضه ها خود به حوضه های کوچک و تا چندین رده نیز کوچکتر تقسیم می شوند.

این شش ابر حوضه عبارتند از: ۱- حوضه آبخیز دریای خزر با ۷ حوضه کوچکتر، ۲- حوضه آبخیز خلیج فارس و دریای عمان با ۹ حوضه کوچکتر، ۳- حوضه آبخیز دریاچه ارومیه، ۴- حوضه آبخیز فلات مرکزی با ۹ حوضه کوچکتر، ۵- حوضه آبخیز مرزی شرق با ۳ حوضه کوچکتر، ۶- حوضه آبخیز قره‌قوم.

ج - جنگلهای ایران:

جنگل (Forest) منطقه وسیعی پوشیده از درختان، درختچه‌ها و گونه‌های علفی است که همراه با جانوران وحشی نوعی اشتراک حیاتی گیاهی و جانوری را تشکیل داده و تحت تأثیر عوامل اقلیمی و خاکی قادر است تعادل طبیعی خود را حفظ کند. به عبارتی دیگر، زمینی (اعم از خشکی و آبی) است که عمدتاً از درخت و درختچه همراه با سایر رستنی‌های خشبی و علفی خودرو پوشیده شده باشد مشروط به آن که مساحت آن کمتر از نیم هکتار و تاج پوشش درختی آن به طور طبیعی کمتر از پنج درصد نباشد. برخی از فواید درختان عبارتند از: تولید اکسیژن، جذب گرد و غبار، گاز کربنیک و دیگر گازهای شیمیایی موجود در هوا، جلوگیری از نفوذ سر و صدا و تشدید آلودگی‌های صوتی در شهرها. جنگلداری (Forestry) هنر یا علم مربوط به مدیریت جنگل‌ها که شامل ایجاد جنگل از طریق کشت درختان و مراقبت از آنها، حفظ و نگهداری جنگل‌های موجود، کاربرد روش‌های فنی در اصلاح یا احیای جنگل‌های مخروبه، بهره‌برداری صحیح از درختان موجود، حفاظت از حیوانات جنگلی، مهندسی جنگل و اقتصاد جنگل می‌شود.

جنگل‌های ایران که نزدیک به ۹ درصد از مساحت کشور را تشکیل می‌دهند، از نظر مدیریتی به دو گروه جنگل‌های شمال و جنگل‌های خارج از شمال تقسیم می‌شوند. جنگل‌های شمال به تمام ناحیه رویشی هیرکانی و خزری اطلاق می‌شود؛ و جنگل‌های خارج از شمال نیز در ۴ ناحیه رویشی دیگر قرار دارند. آمار طبقات جنگل به تفکیک استانهای کشور به شرح ذیل است:

آمار طبقات جنگل به تفکیک استانی (هکتار)

ردیف	نام استان	جنگل انبوه	جنگل نیمه انبوه	جنگل تنگ	بیشه زار	جنگل دست گنشت	جنگلهای ماندابی	سطح کل جنگل های استان	سطح جنگل بدون بیشه زار
۱	آذربایجان شرقی	۶۹,۰۵۰	۳۰,۳۲۳	۴۴,۰۹۴	۱۳,۹۳۵	-	-	۱۵۶,۴۰۲	۱۴۳,۴۶۷
۲	آذربایجان غربی	۱۷,۶۸۷	۲۰,۹۸۶	۶۳,۳۸۶	۱۶۱	-	-	۱۰۱,۹۵۸	۱۰۰,۹۵۸
۳	اردبیل	۳,۱۷۸	۲,۳۰۵	۴۵,۸۱۵	۱۱,۴۸۸	۴۶۷	-	۶۳,۱۵۳	۵۱,۶۶۵
۴	اصفهان	-	۴۱۹	۶۴,۳۹۷	-	۳۴۷,۰۳۱	-	۴۱۱,۸۴۷	۴۱۱,۸۴۷
۵	ایلام	۲,۵۹۴	۲۱۱,۰۸۴	۴۱۶,۷۹۵	۷,۲۰۶	۳,۹۸۸	-	۶۴۱,۶۶۷	۶۳۴,۴۶۱
۶	بوشهر	-	-	۱۹,۵۱۰	۲,۰۵۰	۱۳,۱۳۶	۶۶۰	۲۳,۰۸۱	۲۰,۴۰۶
۷	تهران	-	-	۱۶,۷۳۸	۲,۰۵۰	۹,۳۸۶	-	۲۸,۱۷۴	۲۶,۱۲۴
۸	کرمان (جبروت و کهنوج)	۴,۰۲۲	۲۷,۲۸۵	۱۲۹,۵۶۵	-	-	-	۱۶۰,۸۷۲	۱۶۰,۸۷۲
۹	چهارمحال و بختیاری	۱۳,۵۷۰	۱۰۵,۱۸۲	۲۱۷,۸۱۰	۷۸۴	۹۲	-	۳۳۶,۲۳۸	۳۳۵,۶۵۴
۱۰	خراسان رضوی	۳,۸۴۲	۳۹,۱۵۲	۴۶۵,۳۶۷	۳۲۷,۵۴۶	۱۶۸,۹۸۰	-	۹۹۴,۸۸۷	۶۶۷,۳۴۱
۱۱	خراسان شمالی	۱۹,۲۱۱	۱۶,۵۷۱	۲۸۵,۲۴۰	۹,۸۱۰	۳,۷۱۹	-	۳۳۴,۵۵۱	۳۳۴,۵۵۱
۱۲	خراسان جنوبی	-	۳,۰۵۰	۵۸۸,۰۹۵	۷۵۹,۵۷۸	۱۳۰,۸۸۸	-	۱,۴۷۱,۶۱۱	۷۱۲,۰۳۳
۱۳	خوزستان	۲۹۳,۳۴۵	۲۹۹,۴۴۱	۳۹۶,۸۴۸	۸۱,۷۳۹	۵۰,۶۹۳	-	۱,۰۴۱,۰۶۵	۹۳۸,۳۴۶
۱۴	زبجان	۲۷	۳,۳۴۸	۵۷,۷۳۸	۳۶,۴۴۰	-	-	۹۷,۵۵۳	۶۱,۱۱۳
۱۵	مازندران (ساری)	۴۵۱,۳۵۸	۳۱۵,۰۰۱	۳۶,۳۰۱	۱۰۰,۷۳۷	۸۱۸	-	۷۹۴,۰۱۴	۶۹۳,۳۷۷
۱۶	سمنان	۶۳,۹۸۴	۶۴,۰۰۵	۱۶۸,۶۳۵	۱۲۸,۵۸۰	۴۳,۵۴۴	-	۴۰۸,۷۴۸	۳۴۰,۱۶۸
۱۷	سیستان و بلوچستان	-	۲۱,۷۳۹	۳۳۸,۹۴۶	۸۴۹,۳۶۶	۵,۱۱۹	۴,۸۸۱	۱,۳۲۰,۵۵۲	۳۷۰,۷۸۶
۱۸	فارس	۵۹,۶۹۶	۵۴,۶۸۰	۱,۶۱۷,۱۶۸	۱۰,۶۱۳	۱,۳۸۱	-	۲,۲۲۹,۵۳۸	۲,۲۲۸,۹۲۵
۱۹	فروین	۲,۳۶۱	۱۵,۰۶۹	۸,۸۴۸	۱,۳۸۷	۵۹۴	-	۲۸,۱۵۸	۲۶,۸۷۱
۲۰	قم	-	-	-	۹,۱۲۶	۴,۱۴۹	-	۱۳,۲۷۵	۴,۱۴۹
۲۱	کردستان	۸۵,۷۰۴	۱۸۸,۸۹۱	۹۵,۶۱۱	۱,۰۳۱	۲,۱۰۰	-	۳۷۳,۳۳۸	۳۷۲,۳۰۷
۲۲	کرمان (کرمان)	۸۵	۱۹,۰۲۴	۳۸۳,۱۶۷	۸۱,۰۳۰	۲۸,۶۷۴	-	۵۱۱,۹۸۱	۴۳۰,۸۵۱
۲۳	کردانسانه	۱۱,۵۳۹	۲۰۹,۶۲۷	۳۰۷,۱۲۲	-	۱۹۰	-	۵۲۸,۵۰۷	۵۲۸,۵۰۷
۲۴	کهگیلویه و بویر احمد	۶۳,۸۷۶	۲۵۱,۱۳۳	۴۷۸,۸۴۰	۷۸,۲۷۸	۱,۹۲۶	-	۸۷۴,۰۶۳	۷۹۵,۷۸۶
۲۵	کاستان	۱۶۳,۱۰۴	۱۴۷,۳۰۳	۹۳,۹۳۵	۱۱,۳۵۵	۱۰,۷۸۱	-	۴۲۶,۳۷۶	۴۱۵,۳۲۱
۲۶	گیلان	۳۰,۸۰۳	۱۶۱,۰۹۹	۲۵,۹۰۹	۱۱,۵۰۱	۹,۷۶۶	-	۵۵۷,۰۷۸	۵۴۵,۵۷۶
۲۷	لرستان	۴۳,۹۰۶	۶۰۸,۱۵۹	۵۷۵,۳۰۲	۶۷	-	-	۱,۲۲۶,۶۳۴	۱,۲۲۶,۳۶۷
۲۸	مرکزی	-	-	-	۱۱,۷۸۳	۱,۵۲۸	-	۱۳,۳۱۳	۱,۵۲۸
۲۹	مازندران (نوشهر)	۱۰۱,۳۴۲	۱۳۷,۴۵۰	۷۰,۸۴۹	-	۳,۵۹۹	-	۳۱۳,۲۴۱	۳۱۳,۲۴۱
۳۰	هرمزگان	-	۲۸,۹۲۶	۹۶۴,۳۴۲	۱۹,۹۳۷	۴۰,۳۴۸	۳,۰۱۱۹	۱,۰۷۳,۶۸۲	۱,۰۵۳,۷۴۵
۳۱	همدان	۱۱۶	-	-	۳,۳۸۲	۱,۳۴۵	-	۴,۸۱۳	۱,۴۴۱
۳۲	یزد	-	۱۱۰,۳۲	۲۶,۴۰۲	۷۶,۸۲۷	۲۹,۶۶۲	-	۱۸۳,۹۲۳	۱۰۷,۰۱۶
	جمع	۱,۷۸۰,۲۴۰	۳,۴۶۸,۴۱۲	۸,۱۰۰,۵۶۶	۲,۶۶۵,۰۶۷	۹۴۳,۹۱۴	۴۵,۱۶۰	۱۶,۹۸۳,۹۳۹	۱۴,۳۱۸,۸۷۲

د - مراتع ایران:

مرتع (Range) زمینی با پوشش طبیعی که مستعد زراعت یا تولید چوب نیست در عوض می توان از آن برای چرای دام، آبخیزداری، توسعه حیات وحش یا تفرجگاه استفاده کرد. به عبارتی دیگر مرتع زمینی است با پوشش نباتات طبیعی خودرو که پوشش گیاهی آن غالباً علفی چندساله، بوته ای، بعضاً درختچه ای و به ندرت دارای درختان پراکنده بوده و در فصل چرا عرفاً مورد تعلیف دام قرار می گیرد و همچنین دارای کارکردهای متعددی از قبیل حفظ آب و خاک، ارزش های زیست محیطی و در صورت فراهم بودن شرایط یکی از منابع تأمین غذای دام اهلی و وحوش می باشد. مرتعداری (Range management) عبارت است از اداره اکوسیستم مرتع به منظور استفاده بهینه از منابع و تولیدات و سرویس های آن با تأکید بر حفاظت آب و

خاک و سرانجام محیط زیست.

بیش از ۵۲ درصد از سطح کشور را مراتع تشکیل می‌دهند. مراتع در حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش، تنظیم گردش آب در طبیعت، تأمین علوفه مورد نیاز دام، تولید محصولات دارویی و صنعتی، حفظ ذخایر ژنتیک گیاهی و جانوری نقش اساسی دارند. در حال حاضر سرانه مرتع در کشور ۱/۳ هکتار و سرانه جهانی آن ۰/۸۲ هکتار است. ۲۵ درصد ارزش هر هکتار مرتع مربوط به تولید علوفه و ۷۵ درصد آن مربوط به ارزش‌های زیست‌محیطی است. بنابراین حفظ، احیاء و توسعه و بهره‌برداری از مراتع بیش از آنکه از دیدگاه تعلیف دام دارای اهمیت باشد از نظر زیست محیطی ارزشمند است.

بر اساس آخرین آمار معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی، جمعیت دامی کشور حدود ۱۲۴ میلیون واحد دامی اعلام شده که حدود ۸۳ میلیون واحد دامی آن وابسته به مرتع هستند. این در صورتی است که مراتع موجود کشور تنها می‌تواند خوراک ۲۷ میلیون واحد دامی در مدت ۷ ماه یا ۲۴/۶ میلیون واحد دامی در مدت یکسال را تأمین نماید. مطابق این آمار در حال حاضر بیش از ۲/۲ برابر ظرفیت مجاز از مراتع کشور بهره‌برداری می‌شود و معیشت بیش از ۹۰۰ هزار خانوار روستایی و عشایری به بهره‌برداری از مراتع وابسته است. آمار طبقات مراتع به تفکیک استانهای کشور:

امار طبقات موانع به تفکیک استانی (هکتار)

ردیف	نام استان	موانع متراکم	موانع نیمه متراکم	موانع کم تراکم	سطح موانع استان
۱	آذربایجان شرقی	۷۰۳,۷۲۹	۱,۳۵۹,۷۰۷	۴۱۰,۰۰۵	۲,۴۷۳,۴۴۱
۲	آذربایجان غربی	۵۵۳,۷۹۲	۱,۰۶۳,۳۷۶	۸۵۵,۳۴۰	۲,۴۷۲,۵۰۸
۳	اردبیل	۴۲۷,۹۰۶	۴۵۷,۶۴۲	۱۸,۳۴۹	۹۰۳,۸۹۶
۴	اصفهان	۲۸۰,۰۷۰	۴۰۳,۹۸۸	۵,۶۴۴,۵۹۷	۶,۳۲۸,۶۵۵
۵	ایلام	۲۷,۸۳۵	۴۷۹,۷۸۸	۶۰۴,۷۳۵	۱,۱۱۲,۳۵۷
۶	بوشهر	۸,۷۷۷	۴۰۹,۲۰۸	۸۴۵,۰۱۰	۱,۲۶۲,۹۹۵
۷	تهران	۴۰۱,۳۱۹	۴۷۸,۳۲۰	۳۳۸,۸۰۸	۱,۲۱۸,۴۴۷
۸	کرمان (جیرفت و کهنوج)	۵۸,۰۷۵	۹۲۳,۶۴۴	۹۳۶,۶۵۶	۱,۹۱۸,۳۷۵
۹	چهارمحال و بختیاری	۱۸۲,۳۱۵	۳۹۰,۸۲۳	۳۳۵,۰۱۳	۹۰۸,۱۵۲
۱۰	خراسان رضوی	۳۰۴,۵۳۰	۲,۱۴۷,۰۴۶	۴,۱۰۶,۷۸۰	۶,۵۵۸,۳۵۶
۱۱	خراسان شمالی	۱۱۲,۶۱۵	۶۲۷,۲۴۴	۸۱۵,۳۴۸	۱,۵۵۵,۲۰۶
۱۲	خراسان جنوبی	۶,۱۸۴	۶۳۲,۲۲۶	۵,۶۴۹,۶۸۲	۶,۲۸۸,۰۹۲
۱۳	خوزستان	۵۷۱,۰۷۳	۱,۳۵۳,۰۹۶	۵۵۳,۵۲۲	۲,۴۷۷,۶۹۱
۱۴	زنجان	۲۴۰,۴۴۲	۴۲۵,۳۰۱	۴۷۱,۳۱۷	۱,۱۳۷,۰۶۰
۱۵	مازندران (ساری)	۲۵۶,۲۸۱	۱۱۸,۶۲۴	۱۲,۶۵۵	۳۸۷,۵۵۹
۱۶	سمنان	۲۱۰,۸۰۷	۵۸۵,۰۹۳	۲,۹۳۵,۱۸۳	۳,۷۳۱,۰۸۳
۱۷	سیستان و بلوچستان	۲۱۷,۰۹۶	۹۰۸,۱۲۹	۹,۵۲۳,۲۷۴	۱۰,۶۴۸,۴۹۹
۱۸	فارس	۵۷,۷۰۶	۱,۷۳۵,۲۷۶	۵,۵۲۷,۰۰۵	۷,۳۱۹,۹۸۷
۱۹	فروین	۲۵۲,۵۵۰	۴۳۰,۱۲۲	۱۷۰,۸۱۳	۸۵۳,۴۸۵
۲۰	قم	۲,۴۹۸	۳۴,۸۳۰	۶۸۵,۶۹۱	۷۲۳,۰۱۹
۲۱	کردستان	۴۳۷,۸۵۵	۴۹۴,۲۱۲	۳۶۲,۳۳۰	۱,۲۹۴,۳۹۷
۲۲	کرمان (کرمان)	۲۳,۲۴۸	۱,۲۹۰,۴۰۲	۴,۹۵۴,۲۷۵	۶,۲۶۷,۹۲۵
۲۳	کرمانشاه	۱۶۴,۳۵۲	۴۷۶,۱۶۶	۵۴۷,۹۲۰	۱,۱۸۸,۴۳۸
۲۴	کهگیلویه و بویر احمد	۶۳,۹۶۶	۱۴۴,۴۱۸	۲۷۰,۴۲۸	۴۷۸,۸۱۲
۲۵	گلستان	۳۸۱,۳۱۷	۴۰۱,۸۸۷	۷۹,۶۲۱	۸۶۲,۸۲۵
۲۶	گیلان	۹۸,۸۴۳	۱۳۱,۶۸۴	۱۴,۴۵۹	۲۴۴,۹۸۶
۲۷	لرستان	۱۴۶,۸۵۷	۶۷۲,۲۰۹	۶۴,۴۳۹	۸۸۳,۵۰۵
۲۸	مرکزی	۴۶۵,۸۰۴	۱,۱۴۰,۳۶۶	۱۶۶,۷۸۱	۱,۷۷۲,۹۵۱
۲۹	مازندران (نوشهر)	۱۰۱,۳۹۰	۸۶,۴۴۴	۹,۳۱۸	۱۹۷,۱۵۲
۳۰	هرمزگان	۷۱۲	۲۱۰,۹۰۷	۳,۸۸۱,۷۲۴	۴,۰۹۳,۳۴۲
۳۱	همدان	۳۲۳,۵۰۵	۲۸۳,۹۷۷	۵۸,۲۸۵	۶۶۵,۷۶۷
۳۲	یزد	۹۱,۶۲۳	۱,۱۲۶,۷۹۵	۵,۲۹۹,۵۸۹	۶,۵۱۸,۰۰۷
	جمع	۲,۱۷۵,۰۷۱	۲۱,۴۲۲,۹۵۰	۵۶,۱۴۸,۹۵۱	۸۴,۷۴۶,۹۷۱

بیابان (Desert) به مناطق دارای اقلیم فراخشک و خشک که میزان متوسط بارندگی سالیانه آن کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر و درصد پوشش گیاهی چندساله آن کمتر از ده درصد باشد اطلاق می‌گردد. ویژگی‌های بیابان عبارتند از: الف- بارش کم، دامنه نوسان دمای شدید، دمای بالا و تبخیر زیاد. تبخیر تقریباً بیش از دو برابر بارش است و باد عامل اصلی تخریب و فرسایش محسوب می‌شود. ب- پوشش گیاهی بسیار فقیر و پراکنده. بیابان‌ها اغلب بین ۱۵ تا ۳۰ درجه شمالی و جنوبی قرار گرفته‌اند و به دلیل نزول جریان‌های هوای خشک از بالای تروپوسفر به پایین، بخار آب در این مناطق کم شده و هوا بیش از حد خشک می‌گردد. ج- خاک‌های این مناطق دارای مواد آلی کم و اغلب جوان و کم تحول‌یافته هستند.

بیابان‌زایی (Desertification) عبارت است از ویرانی زمین در مناطق خشک، نیمه خشک تا نیمه مرطوب بر اثر عوامل گوناگون شامل تغییرات آب و هوایی و فعالیت‌های انسان. (مصوبه گردهمایی محیط و توسعه سازمان ملل متحد در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو- برزیل). به عبارت دیگر بیابان‌زایی به فرایند تخریب سرزمین، زوال زیست بوم‌های طبیعی یا کاهش توان تولید زیستی اراضی در مناطق خشک، نیمه‌خشک و خشک نیمه مرطوب ناشی از عوامل انسانی و محیطی اطلاق می‌گردد. مقابله با بیابان‌زایی (Combat desertification) به مجموعه فعالیت‌هایی که سبب توقف یا کاهش روند بیابان‌زایی شده و یا در جهت احیاء اراضی بیابانی باشد اطلاق می‌گردد.

شرایط خشک حاکم بر جغرافیای ایران باعث شده که بیش از ۲۰ درصد مساحت کشور را بیابان‌ها تشکیل دهند. در حال حاضر سرانه بیابان در کشور ۰/۵ هکتار است، در حالی‌که سرانه جهانی آن ۰/۲۲ هکتار می‌باشد. بیابان‌های ایران در ۱۷ استان و ۹۷ شهرستان گسترده شده و بسیاری از شهرهای بزرگ کشور را احاطه کرده است. از ۳۲/۵ میلیون هکتار اراضی بیابانی کشور، ۱۹/۵ میلیون هکتار تحت فرسایش بادی و حدود ۶ میلیون هکتار را کانون‌های بحرانی فرسایش بادی و اراضی تحت تأثیر از آن تشکیل می‌دهند. در مناطق خشک و فراخشک ایران با توجه به شرایط اقلیمی و همچنین عوامل انسانی بیابان‌زایی از قبیل افزایش جمعیت، چرای مفرط، برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی، توسعه صنعتی و تغییر کاربری اراضی، پدیده بیابان‌زایی رشد فزاینده‌ای دارد. با توجه به اهمیت موضوع سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور طرح تثبیت شن‌های روان و بیابان‌زدایی را اجرا کرده است که حاصل آن حفاظت از شهرها و روستاها، مراکز اقتصادی و تولیدی، مراکز نظامی و خطوط مواصلاتی بوده است.

عملیات تثبیت شن‌های روان در ایران از سال ۱۳۳۸ آغاز شده، اقدامات اجرایی لازم برای تثبیت ۴۰ هکتار از ماسه‌زارهای الباجی اهواز با هدف حفاظت از شهر اهواز و اراضی کشاورزی حاشیه شهر شروع شد. بررسی سوابق نشان می‌دهد که در سال ۱۳۴۴ به منظور حفاظت از مناطق روستایی، ۱۰۰ هکتار از اراضی حارث‌آباد سبزواری تاغ کاری شده است. اما عملیات تثبیت شن در سال ۱۳۴۷ در ۸ منطقه پیگیری شد تا اینکه تا شروع برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴) در ۱۷ استان این عملیات به اجرا در آمد که کماکان ادامه دارد.

آمار طبقات بیابانها به تفکیک استانهای کشور به شرح ذیل می باشد:

آمار طبقات بیابان ها به تفکیک استانی (هکتار)

ردیف	نام استان	کوبیر	تپه های ماسه ای	پهنه های ماسه ای	دق رسی	اراضی شور	اراضی بدون پوشش	سطح طبقات بیابانی
۱	آذربایجان شرقی	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۰۰,۱۳۱	۱۲,۲۳۹	۱۱۲,۳۷۰
۲	آذربایجان غربی	۰.۰۰	۱۶۹۹,۲۳	۰.۰۰	۰.۰۰	۶۳,۵۳۸	۱۱۵,۸۶۶	۱۸۱,۱۰۳
۳	اردبیل	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰	۱,۳۳۷	۱,۳۳۷
۴	اصفهان	۲۱۷۱۷۴.۸۱	۳۵۵۳۹۸.۲۵	۷۷۱۱.۹۹	۵۴۷۷۶.۵۲	۴۸۹,۵۸۶	۱,۸۶۱,۱۷۹	۲,۹۸۵,۸۲۷
۵	ایلام	۰.۰۰	۳۴۴۲.۲۸	۱۸۴۵.۷۴	۰.۰۰	۱,۳۰۹	۲۷,۴۴۶	۲۳,۹۲۳
۶	بوشهر	۰.۰۰	۰.۰۰	۲۳۰۹.۷۷	۰.۰۰	۸۹,۰۲۱	۲۴۰,۳۵۱	۳۳۱,۶۸۲
۷	تهران	۷۴.۷۲	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۶۰,۰۱۴	۹۶,۵۳۴	۱۵۶,۶۲۳
	کرمان(جیرفت وکهنوج)	۵۶.۰۰	۵۲۴۹۷.۰۰	۶۹۳۴.۰۰	۶۶۸۷.۰۰	۱۹,۸۵۳	۱,۱۸۳,۷۰۸	۱,۲۶۹,۷۳۵
۸	چهارمحال و بختیاری	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۶۵	۱۱۸,۸۲۸	۱۱۸,۸۹۳
۹	خراسان رضوی	۲۸۳۹۱۷.۹۶	۱۰۳۷۸.۰۰	۰.۰۰	۷۰۱۹۰.۴۸	۱۲۸,۷۵۶	۱۰۰,۳۷۸	۵۹۳,۶۲۰
۱۰	خراسان شمالی	۱۸۲۰۷.۴۷	۰.۰۰	۰.۰۰	۴۶۷۰.۳۴	۷,۳۴۹	۱۳,۰۵۲	۴۳,۲۷۹
۱۱	خراسان جنوبی	۱۶۰۱۹۴.۳۲	۲۱۷۶۳۱.۰۰	۶۵.۷۰	۷۸۶۷۴.۰۳	۱۱۱,۱۸۹	۵۶۱,۶۰۹	۱,۱۲۹,۳۶۴
۱۲	خوزستان	۰.۰۰	۴۱۶۰۶.۱۱	۲۲۱۴۷.۶۱	۰.۰۰	۳۵۶,۳۳۱	۱۰۱,۳۵۶	۵۲۱,۳۴۱
۱۳	زنجان	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰	۷۹,۹۳۱	۷۹,۹۳۱
۱۴	مازندران(ساری)	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰	۳۱۱	۳۱۱
۱۵	سمنان	۸۲۵۳۳۸.۱۷	۱۳۶۰۴۲.۹۲	۱۱۶۱۴۰.۶۹	۴۱۶۹.۵۳	۳,۰۰۶,۳۸۶	۱,۰۱۴,۳۱۶	۵,۱۱۲,۲۹۴
۱۶	سیستان و بلوچستان	۵۱۵۷۶.۸۶	۳۳۴۵۰۹.۹۸	۷۴۷۲۶.۹۴	۷۶۴۷.۴۶	۹۸,۷۹۱	۴,۲۳۷,۷۰۴	۴,۸۰۴,۹۵۶
۱۷	فارس	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۸۲,۳۱۷	۴۸۶,۳۰۸	۶۶۹,۷۲۵
۱۸	فزوین	۰.۰۰	۶۷۹.۵۱	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۲,۱۳۶	۱۶,۳۳۵	۲۹,۱۵۱
۱۹	قم	۵۷۲۸۲.۱۲	۹۳۴۹.۶۱	۷۶۱۱.۵۴	۹۵۱.۳۴	۲۶,۶۷۶	۷۴,۵۱۲	۱۷۶,۳۸۳
۲۰	کردستان	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰	۳,۳۵۴	۳,۳۵۴
۲۱	کرمان(کرمان)	۲۵۶۶۱۵۳.۸۸	۴۲۸۶۹۶.۰۲	۱۶۹۴۷۷.۰۷	۲۰۸۰۳۵.۸۱	۲۵۰۵۵۸.۱۰	۲۹۶۷۸۹۲.۳۲	۶,۵۹۰,۸۱۳
۲۲	کرمانشاه	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰	۲۵,۹۱۶	۲۵,۹۱۶
۲۳	کهگیلویه و بویر احمد	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰	۴۰,۴۲۷	۴۰,۴۲۷
۲۴	گلستان	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۲۶	۰	۲۶
۲۵	گیلان	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۳۵۵.۰۰	۰.۰۰	۰	۴۲۴	۱,۷۷۹
۲۶	لرستان	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰	۱۱,۷۴۱	۱۱,۷۴۱
۲۷	مرکزی	۱۱۲۹۲.۸۹	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۲,۷۲۶	۳۹,۱۱۱	۷۲,۱۴۳
۲۸	مازندران(نوشهر)	۰.۰۰	۰.۰۰	۲.۷۵	۰.۰۰	۰	۷۷۲	۷۷۵
۲۹	هرمزگان	۰.۰۰	۰.۰۰	۶۱۴۶۶.۹۴	۰.۰۰	۱۸۳,۱۴۶	۱,۳۷۰,۶۰۰	۱,۵۱۵,۰۱۳
۳۰	همدان	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۵,۴۳۰	۱۰,۹۴۲	۲۶,۳۷۲
۳۱	یزد	۱۶۳۷۱۲۲.۱۳	۱۷۰۳۱۶.۵۶	۱۴۲۲۴۵.۴۸	۰.۰۰	۱,۳۴۱,۵۲۰	۲,۶۴۳,۵۲۰	۵,۹۳۵,۷۲۵
	جمع	۵۸۳۸۳۹۶.۳۳	۱۷۶۲۱۴۶.۴۷	۶۱۵۰۴۲.۲۲	۴۳۵۸۰۲.۵۱	۶,۵۵۷,۶۶۷	۱۲,۳۶۷,۸۸۷	۳۲,۵۷۶,۳۲۹

و - حیات وحش ایران:

ایران به خاطر تنوع جغرافیایی و اقلیمی خود دارای تنوع گونه‌ای بسیار ارزشمندی است و براساس آخرین بررسی و گزارش‌های کارشناسان محیط‌زیست حدود ۱۱۰۰ گونه جانوری اعم از پستاندار، پرنده، خزنده و دوزیستان در اکوسیستم‌های خشکی و آب‌های داخلی ایران زیست می‌کنند.

رده پستانداران با ۱۹۴ گونه شناسایی شده طیف وسیعی از جانوران را از نظر جثه در بر می‌گیرد؛ به طوری که پستاندار بسیار کوچکی که حشره‌خوار کوتوله نامیده می‌شود و فقط حدود ۲ گرم وزن دارد و نهنگ‌های بزرگی که طول بیش از ۳۰ متر و ۱۳۰ تن وزن دارند در آب‌های دریای جنوب را می‌توان در این رده مشاهده کرد. از میان گونه‌های شناخته شده گونه‌های زیادی وجود دارند که فقط در ایران زیست می‌کنند و در سایر نقاط دنیا یا وجود ندارند یا با مهاجرت و دستکاری‌های بشر و روش‌های دیگر انتقال یافته‌اند. از جمله این گونه‌ها می‌توان به یوزپلنگ، گوزن زرد و گورخر ایرانی اشاره کرد.

از میان پستانداران کشورمان، راسته جوندگان با ۶۹ گونه (بیش از یک سوم کل پستانداران ایران) به علت اهمیت در انتشار بیماری‌ها، خسارات وارده بر محصولات زراعی، سهولت جمع‌آوری و نگهداری، بیشتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته‌اند؛ البته عمده این مطالعات بر پایه ریخت‌شناسی صورت پذیرفته اما ضرورت مطالعات نوین نظیر مطالعات کروموزومی، بیوشیمیایی، مولکولی و رفتارشناسی نیز به شدت احساس می‌شود.

غناي گونه‌ای پستانداران ایران نباید موجب غرور شود؛ چرا که از گونه‌هایی همچون شیر ایرانی و ببر مازندران امروز جز نامی باقی نمانده است و اگر برنامه مدون و جامعی برای حفظ و صیانت از گونه‌های ارزشمند دیگری از پستانداران همچون گور ایرانی، یوزپلنگ ایرانی، خرس سیاه و گوزن زرد وجود نداشته باشد در آینده نه‌چندان دور نیز شاهد نابودی این گونه‌های نادر کشورمان خواهیم بود.

ماهیان آب‌های داخلی ایران شامل ۱۸۰ گونه است که در ۲۷ خانواده جای گرفته‌اند. در گروه ماهیان آب‌های داخلی، خانواده کپور ماهیان فون غالب ماهیان را تشکیل می‌دهد که به تنهایی دارای ۳۱ جنس و ۷۴ گونه است و ماهی کورغار، قزل‌آلای خال قرمز و ماهی آفینیوس از جمله گونه‌های منحصر به ایران به‌شمار می‌روند و دارای ارزش زیستی بالایی هستند. متأسفانه به دلیل بی‌توجهی به حفظ و مدیریت آبزیان آب‌های داخلی طی ۲ دهه اخیر مطالعات جامعی برای شناخت ماهیان در اکوسیستم‌های آبی مختلف صورت نگرفته و از فراوانی و پراکنش بسیاری از گونه‌ها اطلاعات و آمار دقیقی در دسترس نیست یا جمعیت برخی گونه‌ها نظیر ماهی کورغار در معرض تهدید است. از رده خزندگان در ۵ راسته لاک‌پشت‌ها، کروکودیل‌سانان، سوسمارها، کرم سوسمارها و مارها تاکنون ۲۰۴ گونه مورد شناسایی قرار گرفته است اما اطلاعات مفید و قابل دسترس در مورد این جانوران بسیار اندک است. کمبود مطالعات جامع و عمیق در مورد بیولوژی و حفاظت این جانوران از یک طرف و جمعیت رو به زوال با توجه به تخریب زیستگاه‌های آنها در سال‌های اخیر موجب نگرانی نسبتاً زیادی در مورد تعدادی از گونه‌های ارزشمند خزنده کشورمان شده است.

متأسفانه شکار و صید بی‌رویه صدها و هزاران مار سمی، بسیاری از گونه‌های مار سمی از جمله افعی شاخدار و افعی دماوندی را در معرض خطر انقراض قرار داده است. خشکسالی‌های چند ساله در استان سیستان و بلوچستان که زیستگاه تنها گونه تمساح تالابی ایران است، نگرانی را در مورد کاهش جمعیت این گونه به‌وجود آورده است. از رده دوزیستان نیز (وزغ‌ها،

قورباغه‌ها و سمندرها) در کشورمان ۲۰ گونه تاکنون گزارش شده که در بین آنها سمندرها از درجه اهمیت بیشتری برخوردار هستند و اطلاعات بسیار کم و جزئی از بیولوژی و اکولوژی آنها در دست است و گونه‌هایی نظیر سمندر لرستان، سمندر کردستان، سمندر غارزی ایرانی و سمندر آذربایجان در وضعیت بحرانی یا در معرض خطر انقراض قرار دارند.

عوامل تهدید کننده :

- ۱- تخریب و جزیره‌ای شدن زیستگاه‌ها
- ۲- عدم رعایت حقایق ضروری برای حفظ تعادل محیط زیست در رودخانه‌های کشور
- ۳- ورود انواع آلودگی‌های صنعتی، کشاورزی و شهری به اکوسیستم‌های آبی و خشکی کشور
- ۴- ورود و معرفی غیراصولی و مهارنشده گونه‌های غیربومی به کشور
- ۵- شکار غیرقانونی و وجود سلاح‌های غیرمجاز
- ۶- حضور دام بیش از ظرفیت در زیستگاه‌های حیات وحش
- ۷- عدم وجود قوانین و مقررات کافی
- ۸- بی‌توجهی به ارزش‌های گوناگون حیات وحش در برنامه‌ریزی‌های توسعه
- ۹- کمبود آمار و اطلاعات در زمینه حیات وحش
- ۱۰- زنده‌گیری و تجارت غیرقانونی گونه‌های جانوری
- ۱۱- بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آبی و تهدید تالاب‌ها
- ۱۲- عدم امکانات، تجهیزات و نیروی کمی و کیفی لازم و کافی
- ۱۳- خشکسالی‌های متوالی

راهکارها

- ۱- تهیه، تدوین و اجرای برنامه‌های جامع مدیریت گونه‌های جانوری در معرض خطر و تهدید
- ۲- رفع تعارضات و تهدیدات موجود در زیستگاه‌های حیات وحش
- ۳- جلوگیری از بروز انواع آلودگی‌ها در زیستگاه جانوران
- ۴- توسعه و به‌کارگیری تکنولوژی‌های نوین برای مدیریت و حفاظت گونه‌های جانوری
- ۵- جمع‌آوری سلاح‌های غیرمجاز و صدور پروانه حمل سلاح شکاری متناسب با جمعیت حیات وحش قابل برداشت
- ۶- سرشماری و پایش مداوم حیات وحش کشور
- ۷- پیشگیری از بیماری‌های حیات وحش
- ۸- جلوگیری از ورود گونه‌های جانوری غیربومی مهاجم به کشور
- ۹- وضعیت قوانین و مقررات جدید و متناسب
- ۱۰- ایجاد زمینه مشارکت فعال بخش خصوصی در مدیریت و حفاظت حیات وحش
- ۱۱- لحاظ کردن ارزش‌های متنوع گونه‌های جانوری در برنامه‌های توسعه و فعالیت‌های عمرانی کشور
- ۱۲- حفظ یکپارچگی زیستگاه‌ها و جلوگیری از جزیره‌ای شدن آنها
- ۱۳- ارتقای سطح دانش کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست
- ۱۴- ملحوظ کردن ارزش‌های تنوع زیستی، توان طبیعی و ظرفیت تحمل زیستبوم‌ها در طرح‌های توسعه

۱۵- استقرار مدیریت زیستبومی

۱۶- بازسازی و احیای گونه‌های آسیب‌دیده

۱۷- احیای زیستگاه‌های خسارت‌دیده ناشی از اثرات تخریب و خشکسالی

۱۸ - سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور:

الف - تاریخچه:

به طور کلی تا زمان حکومت قاجار منابع طبیعی تجدید شونده کشور به هیچوجه مورد توجه دولت نبود و هیچگونه مدیریتی از نظر بهره‌برداری علمی و فنی صورت نمی‌گرفت و تشکیلاتی برای امور مربوط به جنگل، مرتع، شیلات، و محیط‌زیست وجود نداشت. سال ۱۲۰۲ شمسی که سال تشکیل وزارت فواید عامه در زمان حکومت فتحعلی شاه است را می‌توان سرآغاز توجه دولت به منابع طبیعی دانست. اما شکل‌گیری رسمی ادارات برای مدیریت منابع طبیعی عملاً از سال‌ها بعد آغاز شد.

اولین نامی که از منابع طبیعی در تشکیلات اداری کشور به چشم می‌خورد در نخستین کابینه قانونی پس از اعلام مشروطیت در زمان محمد علی شاه قاجار است که در ۲۹ اسفند ۱۲۸۴ شمسی به مجلس معرفی شد. در این تشکیلات اداره‌ای تحت عنوان «اداره شوسه و راه‌آهن و جنگل‌ها» در وزارت فواید عامه تشکیل گردید. در کابینه دوم که پس از به توپ بستن مجلس و موافقت مجدد محمدعلی شاه با مشروطه در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸ تشکیل شد، وزارت «طرق و شوارع و معادن و جنگل‌ها» آغاز به کار کرد.

در دوره اول قانونگذاری در قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام مصوب ۱۲۸۴ شمسی در ماده ۳۰ تصریح شده است «حکام باید سعی نمایند که همیشه اطلاعات صحیحه کافیه از وضع ولایتی که قلمرو ماموریت آنهاست

داشته باشند یعنی از عده نفوس و وسعت خاک ولایت و ثروت طبیعی آن و مقدار زراعت و چمن‌ها و جنگل‌ها و از چگونگی شغل و ... و کلیه اطلاعاتی که اوضاع و احوال ولایت و اهالی را نشان می‌دهد». در ماده ۵۶ تصریح شده است که: «حکام باید مراقبت مخصوص نسبت به جنگل‌های دولتی داشته و آنها را حفظ نمایند و هر گاه بر خلاف قواعدی که برای حفظ جنگل‌ها ایجاد شده است اقدامی ملاحظه نمایند باید بدون فوت وقت ممانعت نموده و به وزارت مالیه اطلاع دهند».

به طور کلی می‌توان گفت که تا سال ۱۲۹۷ دولت اساساً توجه خاصی به جنگل‌ها نداشت. طی سال‌های ۱۲۹۹-۱۲۸۸ تعدادی از بازرگانان و شرکت‌های خارجی به شکل فزاینده‌ای شروع به بهره برداری از درختان شمشاد، گردو و بلوط جنگل‌های شمال نموده و مواد مستحصله را با پرداخت عوارض ناچیز به گمرک از کشور خارج می‌کردند. ملاحظه آمار گمرکی، دولت را به اهمیت جنگل‌ها و لزوم حراست از آن متوجه ساخت. به دلیل مشخص نبودن حدود اغلب جنگل‌های اربابی از جنگل‌های دولتی، صاحبان جنگل‌های خصوصی اکثراً بهره مالکانه دولتی را تملک کرده و از این راه به درآمد دولت لطمه وارد می‌آوردند. لذا مقارن سال ۱۲۹۷ شمسی وزارت فلاحت و فواید عامه مأموری را که اطلاعاتی در امر نقشه‌برداری و مساحی داشت به همراه دو نفر به شمال اعزام داشت تا حدود جنگل‌های دولتی را از جنگل‌های خصوصی معلوم نماید. عملیات این گروه با وجود مشکلات فراوان مدتی ادامه داشت تا این که با قیام میرزا کوچک خان مصادف و بدون اخذ نتیجه قطعی به اتمام رسید.

در سال ۱۲۹۶ به موجب تصویبنامه هیأت وزیران «شعبه جنگل‌ها» در تشکیلات وزارت فواید عامه و تجارت و فلاحت دایر گردید. تشکیلات وزارتخانه به شرح زیر بود:

۱- دایره وزارتی، وزیر و معاون

۲- اداره کابینه و پرسنل

۳- اداره کل فلاحت (شامل مدیریت کل ۱- شعبه فلاحت ۲- شعبه تجارت ۳- شعبه جنگل‌ها)

۲- اداره فواید عامه، امور طرق و شوارع و فنی

بدین ترتیب هسته‌های اولیه تشکیلات جنگل شکل گرفت و در سال ۱۲۹۹ شمسی وزارت فلاحت و تجارت، اداره‌ای هر چند ابتدایی در جنگل‌های شمال کشور تشکیل داد. وظیفه این اداره، نقشه‌برداری از جنگل‌ها، تفکیک جنگل‌های خصوصی از دولتی، تعیین جنگل‌های بکر و صنعتی از جنگل‌های مخروبه و بوته‌زار بود. برای انجام این امر هیأتی بنام هیأت جنگل انتخاب گردید که اعضاء آن عبارت بودند از:

۱- هانس شریکر (اتریش)، رئیس هیأت

۲- سرکارات، معاون هیأت

۳- سید علی زاهدی، مستحفظ جنگل

۴- حسن علی گلشاهی، مستحفظ جنگل

این سازمان در ابتدا جایگاه ثابتی نداشت اما اعضاء هیأت در سال ۱۳۰۲ به مازندران رفتند و در شهر مشهدسر (بابلسر فعلی) مستقر شدند.

در اسفند ۱۳۰۲ تصویبنامه شماره ۹۱۵۵ به تصویب هیأت وزیران رسید که به موجب آن نظامنامه جنگلبان‌های ایران تنظیم شد. همزمان با استقرار هیأت جنگل در مازندران یک کارشناس آلمانی به نام (فندم هاگن) به عنوان متخصص جنگل برای مدت شش سال استخدام شد. نخستین اقدام فن هاگن این بود که موافقت دولت را با تعیین ردیف بودجه مخصوص جهت جنگل‌ها جلب کند. پس از این اقدام عده‌ای بنام مستحفظ و قراول جنگل استخدام و با لباس متحدالشکل و علائم مخصوص به شمال اعزام شدند. تشکیلات جنگلبانی در سال ۱۳۰۳ دارای تشکیلاتی به شرح زیر بود:

۱- تشکیلات مرکزی مرکب از یک کارشناس (فندم هاگن)، یک رئیس اداره، یک مترجم و یک کارمند

۲- تشکیلات مازندران و گرگان مرکب از سه مستحفظ و یک قراول جنگل تحت ریاست هانس شریکر در بابلسر

۳- تشکیلات گیلان مرکب از سه مستحفظ و یک نفر قراول جنگل به ریاست شخصی بنام سرکارات در رشت

مستحفظین جنگل هر یک مسئول حوزه‌ای معین بودند که حوزه استحفاظیه نامیده می‌شد. این مستحفظین به طور مرتب جنگل‌های حوزه استحفاظیه خود را بازدید می‌کردند و ضمن تهیه نقشه جنگل‌های حوزه خود، مشاهدات خود را با نظام نقشه‌های تقریبی (کروکی) به رؤسای ناحیه تسلیم می‌نمودند. همچنین برای جنگل‌های جنوب و نظارت بر نگهداری مقدار ی نهال چنند که از زنگبار آورده شده بود یک نفر قراول به جنوب اعزام شد ولی به علت تأخیر در پرداخت توفیقی بدست نیامد. در ۸ اسفند ۱۳۰۳ تصویب‌نامه‌ای از هیأت وزیران گذشت مشتمل بر هشت قسمت مبنی بر اینکه: اولاً- کلیه جنگل‌ها متعلق به دولت است مگر اینکه تعلق آنها به مالکین خصوصی بموجب اسناد و مدارک معتبره ثابت شده باشد. ثانیاً- دولت اساساً برای حفظ جنگل‌ها نظارت در تمام آنها را اعم از دولتی و اربابی داشته و این نظارت فنی که مرتبط به حفظ و ازدیاد جنگل‌ها می‌باشد به عهده وزارت فلاحت است. ثالثاً- اجاره دادن جنگل‌های دولتی و اجازه قطع اشجار صنعتی و غیر صنعتی و استفاده از محصولات جنگلی جنگل‌های مزبور با رعایت نظارت فنی وزارت فلاحت، با تصویب وزارت مالیه بوده و در هر موقع مطابق قانون محاسبات عمومی و مزایده صورت خواهد گرفت.

موارد ۴ تا ۸ تصویب‌نامه در ممنوعیت قطع اشجار جنگل‌های اربابی بدون اجازه مخصوص و تشریفات صدور اجازه‌نامه قطع درخت و نیز صادرات چوب است. به موجب این تصویب‌نامه متقاضیان اجازه قطع، تکالیفی را باید به عهده می‌گرفتند که از آن جمله است: «تقبل غرس پنج درخت تازه در عوض هر یک درخت قطع شده، یا آن که سرشاخه‌ها و مواد حاصله در ظرف مدت معین طوری تخلیه و از جنگل خارج نمایند که وسایل نمو جوانه‌ها و نهال‌ها سهل شود». تصویب‌نامه مذکور یک تحول اساسی و نقطه عطف برای اداره صحیح جنگل‌ها به شمار می‌رفت ولی به علت کاهش بودجه و کاهش تعداد مستحفظین نتیجه مورد انتظار عاید نشد. تشکیلات یاد شده تا سال ۱۳۰۷ شمسی (تاریخ انتقضای قرار داد هاگن) به علت کمبود اعتبار گسترش نیافت. پس از عزیمت هاگن به کشور خود در سال ۱۳۰۷ هانس شریکر رئیس جنگلبانی شمال شد در این زمان مرکز کار شریکر از بابلسر به شیرگاه انتقال یافت و ساختمانی تحت نظارت وی در این محل بنا شد که بعدها مرکز جنگلداری سوادکوه گردید.

در اواخر سال ۱۳۰۹ لوئی نیکه، مستشار فرانسوی جنگل که در اداره کل فلاحت استخدام شده بود بازدید از جنگل‌های شمال کشور نمود و در سال ۱۳۱۰ به پیشنهاد وی سازمانی بدین شرح بوجود آمد: ۱- اداره مرکزی با یک نفر رئیس ۲- اداره جنگلبانی گیلان و آستارا با بیست نفر جنگلبان (مرکز این اداره در رشت بود) ۳- اداره جنگلبانی منطقه گرگان و مازندران با بیست نفر جنگلبان (مرکز این اداره در شیرگاه بود).

پس از اعزام پاسبان‌های جنگل دولت درصدد برآمد که قطع درخت و بهره‌برداری از جنگل‌ها را برای تهیه تخته و الوار و غیره موکول به دریافت پروانه نماید. پروانه از مرکز صادر و رونوشتی از آن به منطقه جنگلبانی جهت نظارت در قطع ابلاغ می‌شد. منطقه جنگلبانی نیز علاوه بر صدور دستور نظارت بر قطع به مأمورین مربوط، جریان امر را به اطلاع دارائی محل جهت دریافت عوارض دولتی می‌رساند. پس از صدور پروانه اگر جنگل دولتی بود، متقاضی می‌بایست قبلاً با دارائی محل پیمانی منعقد نموده و چوب را خریداری نماید و بعداً تحت نظارت پاسبان جنگل مبادرت به قطع نماید و در مورد جنگل‌های شخصی می‌بایست موافقت مالک را جلب نماید.

در اوایل سال ۱۳۱۱ به پیشنهاد لوئی نیکه (کارشناس فرانسوی) طرح زیر به شماره ۱۲۹۳ مورخ ۱۳۱۱/۳/۸ از تصویب هیأت دولت گذشت و چندی بعد کارشناس مذکور به کشور خود بازگشت: ۱- اداره کل فلاحت مکلف است در جنگل‌های سواحل بحر خزر، مناطق جنگل‌های صنعتی و مناطق جنگل‌های غیر صنعتی را، اعم از جنگل‌های دولتی یا شخصی، از هم تفکیک نموده و برای اطلاع عامه اعلام نمایند. ۲- تبدیل قطعات جنگلی به اراضی زراعتی ممنوع بوده و مرتکب تعقیب و مجازات خواهد شد. ۳- در هیچ قطعه از جنگل‌های صنعتی اعم از شخصی یا دولتی در یک سال اجازه قطع بیش از یک چهلیم جنگل داده نخواهد شد، ولی نظر به اینکه جنگل‌های فعلی دارای اشجار قابل قطع بیشتری می‌باشد، مع‌هذا با تشخیص اداره فلاحت و با اجازه مخصوص می‌توان بیش از صدی دو و نیم قطع نمود. ۴- اداره کل فلاحت مکلف است که

برای هر نوع درختی از اشجار صنعتی شرایطی را از حیث سن و قطر و سایر شرایط معین نماید. فقط می‌توان اجازه قطع اینگونه اشجار را صادر نمود. ۵- قطع کنندگان اشجار علاوه بر سایر شرایط مقرر مکلف خواهند بود که در تحت مراقبت اداره کل فلاح در عوض اشجار صنعتی قطع شده، اشجار صنعتی غرس نمایند و آنها را حفظ کنند. ۶- قطع اشجار غیر صنعتی از مقررات فوق مستثنی بوده و در حدود تعلیمات اداره کل فلاح هر کس در ملک خود در قطع آنها آزاد می‌باشد. ولی برای آنکه سوء تفاهمی حاصل نشود اداره کل فلاح اسامی اشجاری را که جزء اشجار صنعتی محسوب می‌شود برای اطلاع عامه در محل اعلام خواهد نمود. ۷- ذغال‌سازی بدون کسب اجازه قبلی اداره کل فلاح و در خارج از مناطقی که از طرف اداره مزبور معین می‌شود اکیداً ممنوع بوده و متخلفین مورد تعقیب واقع خواهند شد. اجازه ذغال‌سازی در مناطق جنگل‌های صنعتی نباید به هیچوجه داده شود.

چون اقدامات پاسبانان جنگل‌ها راجع به جلوگیری از احداث کوره باعث کمبود ذغال در تهران و سایر شهرستان‌ها شد و از طرفی به درآمد مالکین جنگل‌های شخصی لطمه زد، شکایاتی از سوی مالکین شد که در نتیجه آن، سازمان جنگلبانی به دستور رضاشاه در سال ۱۳۱۳ منحل و اعتبار آن از بودجه کل کشور حذف گردید و به استانداران و ادارت دارائی ابلاغ شد که قطع درخت به کلی ممنوع است و منحصراً ذغال باید از سرشاخه تهیه شود (دستوری که از لحاظ فنی غلط است) و این دستور در حوزه گیلان شدیدتر از سایر نقاط اجرا شد (به این علت که همه مجبور شوند از جنگل‌های املاک خصوصی چوب و ذغال تهیه کنند). چون در اثر ممنوعیت قطع درخت، جنگل‌نشینان و روستائیان حوزه گیلان از لحاظ تامین مصارف خود در مضیقه بوده و شکایات متعددی نمودند، دولت ناگزیر دستور قبلی را لغو و موافقت نمود مردم برای تامین حوائج خود با اجازه دارائی و نظارت مامورین آن از سرشاخه درختان جنگلی استفاده نمایند (دستور غلط فنی جدید). اما استفاده از سرشاخه‌ها نیاز روستائیان را برآورده نمی‌کرد و به همین دلیل سوء استفاده‌های زیادی به عمل آمد و به نام سرشاخه درخت قطع شد.

تا سال ۱۳۲۰ در مازندران و گرگان اساساً سازمان مستقلی برای نگهداری جنگل‌ها و نظارت در بهره‌برداری از آنها تشکیل نشد و امور مربوطه را مامورین املاک اختصاصی اداره می‌کردند. لکن چون احواله و وظایف مربوطه در گیلان به ادارات دارائی که مامورین کافی نداشتند، مشکلاتی را بوجود آورد، در سال ۱۳۱۴ موافقت شد که اداره کشاورزی گیلان و آستارا از بودجه «دفع آفات نباتی» سازمان کوچکی برای استخدام مامور جهت نظارت بر قطع اشجار تشکیل دهد و در اجرای این تصمیم ۲۴ نفر بنام پاسبان جنگل استخدام شدند. از طرفی به علت افزایش روز افزون مصرف چوب ساختمانی در شهرها (بخصوص در تهران و آذربایجان) و بالا بودن هزینه حمل و نقل به علت دوری راه جنگل‌های اختصاصی گرگان و مازندران، موافقت شد که از درختان افتاده جنگل‌های گیلان و آستارا استفاده شود که البته سوءاستفاده‌هایی نیز به نام این درختان شد. بدین ترتیب برای رسیدگی به گزارش‌های واصله از جنگل‌های گیلان و آستارا و صدور دستورات لازم، تشکیل

سازمان کوچکی در مرکز ضروری می‌نمود. لذا در سال ۱۳۱۷ در اداره امور کشاورزی، دایره‌ای بنام دایره جنگل در اداره کل فلاح تأسیس و تصدی آن در سال ۱۳۱۸ به آقای مهندس کریم ساعی واگذار گردید. در اثر اقدامات مجدانه مرحوم ساعی توجه اداره کل کشاورزی بیش از پیش به موضوع جنگل‌ها معطوف و در پی آن در سال ۱۳۱۹ اداره جداگانه‌ای بنام "اداره جنگلبانی" به ریاست خود ایشان تشکیل گردید. پس از تشکیل اداره جنگلبانی، آقای مهندس ساعی گزارش جامعی در باب لزوم تشکیل سازمان جنگلبانی تهیه نمود که توسط رئیس کل کشاورزی وقت به اطلاع رضاشاه رسید و مقرر گردید که این سازمان در محل کوچکی آزمایش شود تا در صورت حصول نتیجه مساعد در سراسر شمال تعمیم داده شود. برای این منظور ناحیه "کجور" (از شمال به دریای خزر، از جنوب به ارتفاعات البرز، از مغرب به دره چالوس و از شرق به رودخانه گلندرد و علمده محدود است) انتخاب و متعاقباً در اواخر ۱۳۱۹ به تأسیس چهار خزانه جنگلی در دشت نظیر، چالوس، علمده و ولی‌آباد اقدام گردید. ولی به مناسبت وقایع بین‌المللی و بدلیل مشکلات نظامی و سیاسی روز با ادامه این عملیات نظر مساعدی نشان داده نشد و در نتیجه تکمیل آن میسر نگردید تا اینکه در اثر حوادث شهریور سال ۱۳۲۰ موضوع کلاً به بوته فراموشی سپرده شد.

در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ اداره کل کشاورزی به وزارت کشاورزی و در سال ۱۳۲۱ اداره جنگلبانی به اداره کل جنگل‌ها تبدیل گردید و در هر یک از مناطق شمال (گیلان - شهسوار - مازندران - گرگان) سازمان منطقه‌ای جنگلبانی که تحت نظر رؤسای

ادارات کشاورزی انجام وظیفه می‌نمودند تشکیل شد و در بخش‌ها نیز شعب جنگلبانی تشکیل گردید که مستقیماً زیر نظر رئیس جنگلبانی فعالیت می‌کردند.

در سال ۱۳۲۱ نخستین قانون راجع به جنگل‌ها مشتمل بر ۱۸ ماده و ۷ تبصره به تصویب رسید و آئین‌نامه آن در اوایل سال ۱۳۲۲ از تصویب هیئت وزیران گذشت. در اواخر سال ۱۳۲۲ اداره کل جنگل‌ها به منظور ترتیب و تجهیز کادر فنی طبق مصوبه هیئت دولت و اساسنامه شورایی عالی فرهنگ دو دوره کلاس کمک مهندسی جنگل و یک دوره کلاس جنگلبانی برگزار کرد و فارغ التحصیلان آن را برای تقویت کادر مناطق جنگلبانی به شمال اعزام داشت. ضمناً برای تشخیص درختان و چوب‌های مجاز از غیر مجاز چکش‌هایی به شکل مثلث، مربع و دایره تعبیه گردید که هنوز هم معمول است. تصدی اداره کل جنگل‌ها تا اواسط سال ۱۳۲۴ با آقای مهندس کریم ساعی بود و از این تاریخ تا تاریخ ۱۳۲۶/۴/۱۰ با آقای مهندس غلامعلی بنان و در حدود دو ماه بعد از آن با آقای صفایی بود و سپس تا اواخر سال ۱۳۲۷ که به موجب تصویب‌نامه شماره ۲۰۵۲۳ مورخ ۱۳۲۷/۱۲/۲۴ هیئت وزیران اداره کل جنگل‌ها به بنگاه جنگل‌ها تبدیل شد با آقای مهندس کاظم مشیر فاطمی بود.

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۲۷/۱۲/۲۴ بنا به پیشنهاد ۱۴ اسفند ۱۳۲۷ وزارت کشاورزی، مراتب زیر را تصویب نمودند:

۱. به منظور حفظ و حراست جنگل‌ها بنگاهی به نام «بنگاه جنگل‌ها» تشکیل می‌شود.
۲. وزارت دارایی کلیه جنگل‌های دولتی و مراتع واقع در حوزه آن جنگل را به بنگاه جنگل‌ها منتقل خواهد نمود.
۳. بنگاه جنگل‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل و روی اصول بازرگانی بهره‌برداری اداره شده و تحت نظر وزارت کشاورزی خواهد بود.

در این تصویب‌نامه وظایف، سرمایه، هیئت مدیره، هیئت بازرسی و امور استخدامی منظور گردیده بود. وظایف بنگاه علاوه بر حفظ، احیاء توسعه و بهره‌برداری جنگل‌های دولتی و ایجاد صنایع مختلف چوب و نقشه‌برداری از آنها، نظارت و مراقبت در بهره‌برداری جنگل‌های غیر دولتی و همچنین مشارکت با صاحبان جنگل‌های غیر دولتی در امر بهره‌برداری و ایجاد صنایع بود.

در تشکیلات بنگاه در نواحی «خارج از مرکز» قسمتی از جنگل که نگهبانی آن به عهده یک مامور جنگلبانی واگذار می‌شد اساس کار قرار گرفته و نام آن «حوزه جنگلبانی» گذارده شد. مرکز مشترک دو الی ۴ جنگلبانی که در حوزه‌های جنگلبانی مجاور پاسبانی می‌کردند «پاسگاه جنگل» نامیده می‌شد و ارشد جنگلبان هر پاسگاه علاوه بر مسئولیت حوزه خود بر تمام حوزه پاسگاه نظارت داشت. این مامور جنگلبان ارشد نامیده می‌شد. دو الی چهار پاسگاه تحت نظر یک سرجنگلبانی و دو الی ۶ سرجنگلبانی تحت نظر یک جنگلدار اداره می‌شد و چند جنگلدار تحت نظر یک سر جنگلدار بودند. سرجنگلدار مسئول یک منطقه جنگلی است مانند منطقه گیلان و آستارا، منطقه شهنسوار و نوشهر، منطقه مازندران و غیره. چند منطقه جنگل یک «ناحیه» جنگل را تشکیل می‌داد که تحت سرپرستی یک «سر بازرس فنی جنگل» بود.

بر اساس این رویه بنگاه جنگل‌ها در شمال چهار سرجنگل‌داری به شرح زیر تأسیس کرد:

(۱) سرجنگل‌داری گیلان و آستارا به مرکزیت رشت شامل چهار جنگل‌داری

(۲) سرجنگل‌داری شهنسوار و نوشهر به مرکزیت شهنسوار شامل سه جنگل‌داری

(۳) سرجنگل‌داری مازندران به مرکزیت شاهی (قائم شهر) شامل چهار جنگل‌داری

(۴) سرجنگل‌داری گرگان به مرکزیت گرگان شامل چهار جنگل‌داری

ضمناً سربازرس فنی جنگل‌های ناحیه شمال که مرکز آن در بابل‌سر قرار داشت با چهار بازرس که در چهار منطقه مزبور داشت بر امور مربوطه نظارت می‌نمود.

چون با اجرای تصویب‌نامه شماره ۲۰۵۲۳ مورخ ۱۳۲۷/۱۲/۲۴ جنگل‌های دولتی و مراتع واقع در حوزه آنها که عایداتی دارند تدریجاً به بنگاه جنگل‌ها واگذار می‌شد، لذا در بسیاری از مناطق کشور از جمله اردبیل، خلخال، رضائیه، بهاباد، کرمان، سردشت، شلدوز، آستارا، اهواز، دزفول، آبادان، بهبهان، شوشتر، مسجد سلیمان، هفتگل، دشت میشان، بیرجند، درگز، قوچان، دامغان، باجگیران، کاشمر، بجنورد، خرم‌آباد، بروجرد، اصطهبانات، جهرم، آباد و فیروزآباد و استان هشتم پاسگاه‌های

وصول عواید محصولات جنگلی دایر شده بود که در بعضی از آنها مامورین کشاورزی و در برخی از نقاط مامورین دارائی به علت عدم حضور مامورین بنگاه، درآمد را دریافت و به حساب بنگاه واریز می نمودند. در سال های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۴ جنگل های شمال کشور دستخوش بحرانی شبیه آنچه که در شهریور سال ۱۳۲۰ پیش آمده بود شد. درختان زیادی بدون ترتیب و اصول و با شدت زیاد قطع شدند و این بحران در تخریب جنگل به اضافه عوامل دیگر موجب شد که هیأت های نظامی وارد کار جنگل شدند. دو نفر سرتیپ، عده ای سرهنگ و سرگرد و نظامیان دیگر به استعداد یک لشکر در کلیه ادارات و واحدهای تابعه مستقر شدند. در کنار هر مدیر یک سرهنگ و در کنار هر جنگلبان یک سرباز حضور داشت این دوره که با مدیریت سرلشکر اخوی شروع شد با تحولاتی چند تا سال ۱۳۳۹ ادامه یافت.

در سال ۱۳۳۸ قانون جنگل ها و مراتع مشتمل بر ۲۸ ماده و ۲۲ تبصره به تصویب رسید و آئین نامه آن در ۱۳۳۹/۱۰/۳ به تصویب هیأت وزیران رسید. در سال ۱۳۳۸ پس از تصویب قانون جنگل ها و مراتع کشور، به موجب تصویب نامه شماره ۲۸۵۰۰ مورخ ۱۳۳۸/۱۱/۲۱ بنگاه جنگل ها به سازمان جنگلبانی ایران که در قانون مزبور پیش بینی شده بود مبدل گشت و سازمان جدید با اختیاراتی که در قانون فوق الذکر پیش بینی شده بود شروع بکار کرد.

سازمان در استان مرکزی دارای اداره کل جنگلبانی، در مناطق گیلان، نوشهر و شهسوار، مازندران و گرگان دارای سرجنگلداری و در سایر استان ها دارای اداره جنگلبانی بوده است. تشکیلات مذکور در سال ۱۳۴۶ در سازمان امور اداری و استخدامی کشور تأیید شد.

هدف و وظایف کلی سازمان جنگلبانی ایران که در تیر ماه سال ۱۳۴۶ به تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور رسید به شرح زیر بود:

۱- اجرای قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۱

۲- حفظ و حراست و بهره برداری صحیح از جنگل ها و مراتع

۳- ایجاد جنگل های مصنوعی و توسعه جنگل های موجود

۴- انجام بررسی های مربوط به فرسایش خاک و سایر وسایل مربوط به جنگل

۵- تعلیم و تربیت کادر لازم برای انجام وظایف محوله

قوانینی که از سال ۱۳۴۱ به تصویب رسید از جمله قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع مصوب دیماه ۱۳۴۱، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل و مراتع کشور مصوب مرداد ماه ۱۳۴۶، قانون اراضی مستحذنه و ساحلی مصوب مرداد ۱۳۴۶، قانون تشکیل شرکت های سهامی زراعی، قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستأجر، قانون بیمه های اجتماعی روستائیان و سایر قوانینی که از قبل به تصویب رسیده و مجری کلیه آنها وزارت کشاورزی بود در سال ۱۳۴۶ حجم کاری زیادی را در وزارت کشاورزی ایجاد نمود که منجر به تشکیل چهار وزارتخانه گردید و بدلیل اهمیتی که برای بخش های مختلف منابع طبیعی ذکر می گردید یکی از این وزارتخانه ها وزارت منابع طبیعی بود.

پس از تصویب قانون تأسیس وزارت منابع طبیعی در سال ۱۳۴۶، تشکیلات وزارت مزبور در اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ به تصویب رسید. به موجب ماده دو قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی، سازمان جنگلبانی و موسسات تابعه آن با دارائی و بودجه و کارکنان مربوط به وزارت منابع طبیعی منتقل گردید و شرکت سهامی شیلات ایران و همچنین شرکت بهره برداری و صنایع چوب گیلان به این وزارت وابسته شدند. همچنین برابر ماده ۵ قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی به دولت اجازه داده شد سازمان های دیگری را که در سایر تشکیلات دولت وجود دارد و وظایف آنها با وظایف وزارت منابع طبیعی مربوط می شود پس از تصویب کمیسیون های استخدام و دارائی مجلسین با بودجه و دارائی و کارکنان به وزارت منابع طبیعی واگذار نماید. سپس موسسه تحقیقات منابع طبیعی، بمنظور تحقیق و مطالعه و تمرکز کلیه تحقیقات مربوط به منابع طبیعی در سال ۱۳۴۸ و صندوق عمران مراتع برای کمک به عمران و اصلاح مراتع و تهیه و تدارک و توزیع علوفه برای تأمین خوراک دام و فراهم آوردن موجبات تلفیق زراعت و دامپروری و تسهیل اسکان تدریجی عشایر و تأمین تسهیلات لازم برای اجرای طرح های مرتعداری وابسته به وزارت منابع طبیعی در سال ۱۳۴۹ تشکیل شد.

در این رابطه اهداف وزارت منابع طبیعی به شرح ذیل بوده است:
حفظ و حمایت و اصلاح خاک‌های کشور و فراهم آوردن موجبات بهره‌برداری از آنها و همچنین حفظ و حمایت و توسعه و تکثیر و بهره‌برداری از سایر منابع طبیعی (جنگل‌ها، مراتع، حیوانات وحشی و آبزیان دریاها و همچنین آب‌های داخلی) و از طرف دیگر وظایف اساسی وزارت منابع طبیعی نیز این چنین بوده است:

- ۱- حفظ و حراست و بهره‌برداری صحیح از جنگل‌ها و مراتع و توسعه
- ۲- حفظ و حمایت و تکثیر و توسعه بهره‌برداری صحیح از ماهی و سایر آبزیان موجود در خلیج فارس و بحر عمان و دریای مازندران و آب‌های داخلی
- ۳- فراهم کردن موجبات پرورش و تکثیر و بهره‌برداری از ماهی آب‌های داخلی
- ۴- حفظ و حمایت و تکثیر حیوانات وحشی و پرندگان شکاری
- ۵- ایجاد مراتع و جنگل‌های مصنوعی و تعلیم و تربیت کادر لازم برای انجام وظایف محوله
- ۶- اجرای قوانین مربوط به جنگل‌ها و مراتع، آبزیان و حیوانات وحشی و پرندگان شکاری و فرسایش و حفاظت خاک و آبخیزها و تثبیت شن‌های روان

وزارت منابع طبیعی در اجرای قانون جدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و انحلال وزارت منابع طبیعی مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۱۲ منحل گردید. برابر موادی از قوانین مزبور که به شرح زیر ذکر می‌گردد سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به صورت یک سازمان مستقل که رئیس آن تحت معاونت وزارت کشاورزی و منابع طبیعی قرار داشت تشکیل گردید. بخش‌هایی از مفاد قانون انحلال وزارت منابع طبیعی به شرح ذیل بوده است:

ماده ۱) از تاریخ تصویب این قانون وزارت منابع طبیعی منحل و کلیه کارکنان و تشکیلات و وظایف و اختیارات و اعتبارات و دارائی آن وزارت و شرکت‌ها و موسسات و واحدهای وابسته به آن و صندوق عمران مراتع به وزارت کشاورزی که از این به بعد وزارت کشاورزی و منابع طبیعی نامیده می‌شود منتقل و یا وابسته می‌گردد و کلیه وظایف و اختیارات وزیر و وزارت منابع طبیعی ناشی از قوانین و مقررات مربوط به منابع طبیعی یا سایر قوانین به وزیر و وزارت کشاورزی و منابع طبیعی واگذار می‌شود.

ماده ۲) بمنظور انجام وظایف و مقررات مربوط به حفظ، حمایت و احیاء و توسعه و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و اراضی جنگلی و بیشه‌های طبیعی و اراضی مستحده ساحلی و حفاظت آبخیزها، سازمانی بنام «سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور» تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- آن قسمت از تشکیلات و اعتبارات لازم برای اجرای قوانین مربوط و دارائی وزارت منحل شده منابع طبیعی که به تشخیص وزارت کشاورزی و منابع طبیعی ضروری باشد به سازمان مذکور منتقل و محول می‌شود. سازمان مزبور دارای شخصیت حقوقی و ذی‌حسابی مستقل می‌باشد و رئیس سازمان سمت معاونت وزارت کشاورزی و منابع طبیعی را خواهد داشت.

تبصره ۲- وزیر کشاورزی و منابع طبیعی می‌تواند هر جزء از وظایف دیگر پیش بینی شده در ماده ۱۷ این قوانین را که مربوط به وظایف مندرج در این ماده باشد در صورت ضرورت به این سازمان محول نماید.

ماده ۳- وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مکلف است در زمینه حفظ منابع طبیعی و جلوگیری از انهدام آنها و بهبود محیط زیست گیاهان و جانوران و پیشگیری از هر اقدامی که زیان بخش و موجب برهم خوردن تناسب و تعادل محیط زیست بشود طبق آئین‌نامه‌های لازم اقدام و بر حسن اجرای مقررات مربوط نظارت نماید.

تشکیلات ستاد سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور پس از بررسی‌های لازم در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱ و تشکیلات تفصیلی واحدهای خارج از مرکز در اسفند ماه سال ۱۳۵۱ به تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور رسید.

در سال ۱۳۶۶ عنوان سرچنگلداری کل در استان‌ها به اداره کل منابع طبیعی تغییر یافت. همچنین اولین شماره مجله جنگل و مرتع در سال ۱۳۶۷ توسط سازمان انتشار یافت.

بر اساس ماده واحده قانون تفکیک وظایف وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی مصوب ۶۹/۶/۱۱ کلیه امور مربوط به حفظ، احیاء، گسترش و بهره‌برداری از منابع طبیعی (جنگل، مرتع و شیلات، آبخیزداری)، کلیه امور دام و طیور و عمران روستایی، بهسازی، صنایع روستائی و آبرسانی روستاها بر عهده جهاد سازندگی قرار گرفته و بر اساس تبصره ۱ ماده واحده مذکور، موسسات و شرکت‌های تابعه و وابسته نیز بر اساس تفکیک وظایف فوق وابسته و تابع وزارتخانه‌های مزبور شدند. بدین ترتیب سازمان جنگل‌ها و مراتع در زیر مجموعه وزارت جهاد سازندگی قرار گرفت. این سازمان دارای شخصیت حقوقی و ذی‌حسابی مستقل و رئیس سازمان سمت معاونت وزارت جهاد سازندگی را دارا بود.

در سال ۱۳۷۹ وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی ادغام و وزارت جهاد کشاورزی را تشکیل دادند. بدین ترتیب رییس سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور سمت معاون وزیر جهاد کشاورزی را عهده‌دار شد. همچنین طی مصوبه شورایی عالی اداری در ۳ تیر ۱۳۸۱ وظایف مربوط به آبخیزداری از وزارت جهاد کشاورزی منفک و به سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور واگذار شد و عنوان این سازمان به سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری تغییر یافت.

سازمان در سال ۱۳۸۴ شاهد شروع بکار دو واحد مهم بود. یکی آغاز فعالیت یگان حفاظت که مجوز تأسیس آن در سال ۱۳۸۲ صادر شده بود و دیگری تأسیس "حوزه نمایندگی ولی فقیه" که تحت نظر دفتر نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی فعالیت خود را شروع کرد.

ب - اهداف سازمان جنگل‌ها ، مراتع و آبخیزداری کشور:

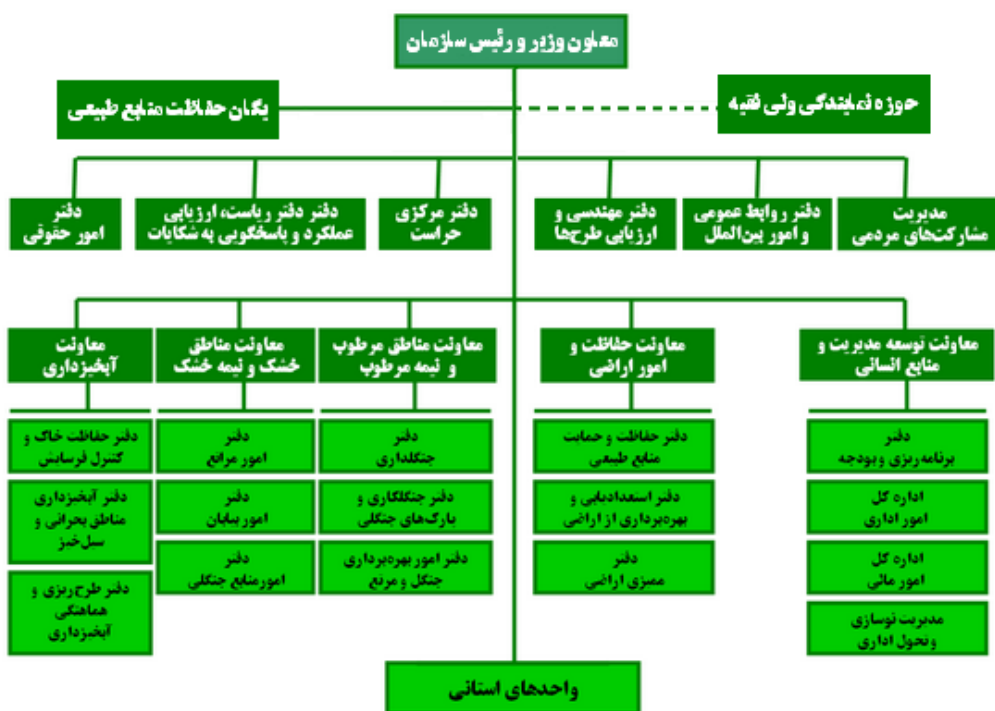
حفظ و حمایت، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی از جنگل‌ها، مراتع، اراضی جنگلی، بیشه‌های طبیعی، اراضی مستحده ساحلی، حفاظت و حمایت از آب و خاک کشور از طریق مدیریت علمی بر حوزه‌های آبخیز و رعایت اصول توسعه پایدار

ج - وظایف سازمان جنگل‌ها ، مراتع و آبخیزداری کشور:

۱. تدوین سیاست‌ها و راهبردهای بخش منابع طبیعی و آبخیزداری و تنظیم و اجرای برنامه‌های توسعه منابع طبیعی و آبخیزداری در چهارچوب سیاست‌های توسعه پایدار
۲. حفظ، حمایت، حراست و بهره‌برداری اصولی از جنگل‌ها، مراتع و بیابان‌ها و حوزه‌های آبخیز کشور
۳. تشخیص و تفکیک حریم قانونی اراضی ملی از مستثنیات اشخاص حقیقی و حقوقی و تثبیت حاکمیت دولت بر منابع ملی کشور
۴. بررسی و مطالعه حوزه‌های آبخیز کشور به منظور برنامه‌ریزی و تهیه طرح‌های جامع و اجرای فعالیت‌های منابع طبیعی و آبخیزداری در حوزه‌های آبخیز کشور
۵. توسعه جنگل‌ها و مراتع دست کاشت، پارک‌های جنگلی، اصلاح و احیاء جنگل‌ها و مراتع مخروبه و ترویج زراعت چوب با تأکید بر حفظ ذخایر ژنتیکی و تنوع زیستی گیاهی
۶. مطالعه و برنامه‌ریزی مناسب جهت افزایش بهره‌وری در فعالیت‌های اجرایی
۷. مطالعه، طراحی و بهینه‌سازی الگوها و نظام‌های تولید و بهره‌برداری در زمینه منابع طبیعی و آبخیزداری با استفاده از دانش بومی و تجربیات جهانی
۸. جلب مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در اجرای فعالیت‌های منابع طبیعی و آبخیزداری

۹. تدوین، اجرا و به هنگام سازی نظام اطلاع رسانی منابع طبیعی و آبخیزداری کشور جهت ارتقاء دانش عمومی و ترویج فرهنگ منابع طبیعی
۱۰. مطالعه و برنامه ریزی جهت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان به منظور ارتقاء بهره‌وری و اثربخشی

د - نمودار تشکیلاتی سازمان جنگلها ، مراتع و آبخیزداری کشور:



ه - لگوی سازمان جنگلها ، مراتع و آبخیزداری کشور:



و - قوانین و مقررات سازمان جنگل‌ها ، مراتع و آبخیزداری کشور:

در حقیقت مسئولیت اولیه حفاظت و حراست از جنگل‌ها و مراتع کشور به عهده این سازمان است که بر طبق قوانین با متخلفان برخورد می کند . تا قبل از تصویب قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع در ۱۳۴۶/۵/۲۵ ، حفاظت از جنگل‌ها و مراتع کشور به عهده سازمان جنگلبانی ایران بود که بر طبق لایحه قانونی جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۳۸ که در آن به برخی از جرایم و تخلفات مربوط به جنگل اشاره شده بود مواد ۱۳ تا ۲۰ انجام وظیفه می کرد اما پس از به وجود آمدن سازمان جنگل‌ها و مراتع با تصویب قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۶ و اصلاحیه های بعدی آن که فصل مستقلی را به جرایم و مجازاتهای ناشی از تخطی و تجاوز از این قانون ، اختصاص داده است ، این قانون از قوانین اصلی سازمان جنگل‌ها و مراتع در برخورد با متجاوزان به جنگل‌ها و مراتع محسوب می شود. با عنایت به قانون مذکور ، سازمان دو وظیفه دارد :

(۱) جلوگیری از تخریب جنگل‌ها و مراتع:

مهمترین عوامل تخریب جنگل‌ها و مراتع عبارتند از :

- بریدن و ریشه کن کردن و سوزاندن نهال و درخت (ماده ۴۲)
- بریدن و ریشه کن کردن بوته ها و خارها و درختچه های بیابانی و کویری و کوهستانی (ماده ۴۳)
- چرانیدن بز در جنگل‌ها و مراتع و مناطق دیگر به تعیین سازمان (ماده ۴۴)

- چرانیدن دام در منابع ملی مذکور در قانون (ماده ۴۴ مکرر)
- آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل و مجاور جنگل (ماده ۴۵)
- کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت (ماده ۴۶)
- آتش زدن عمدی جنگل (ماده ۴۷)

علاوه بر این ، عوامل دیگری نیز وجود دارد که باعث تخریب جنگلها و مراتع می شود مانند برداشت بی رویه و بهره برداری نامعقول از جنگل و مرتع ، آفات و امراض نباتی و گیاهی ، سیل و طوفان و زلزله و آتش سوزی غیر عمدی.

به طور کلی ، تخریب جنگلها و مراتع دو نوع است :

(۱-۱) عوامل طبیعی :

تخریب جنگلها و مراتع عواملی هستند که دست بشر هیچ دخالتی در ایجاد آنها ندارد از قبیل آفات و امراض نباتی و گیاهی ، سیل ، طوفان ، صاعقه ، زلزله و آتشفشان . انسان در برابر این عوامل تا حد زیادی ناتوان است و تنها کاری که می تواند انجام دهد این است که تا حد امکان سعی کند از آثار مخرب آنها بکاهد . در این باره سازمان جنگلها و مراتع می تواند با اجرای طرح احیای جنگلها و مراتع تا حدی از گسترش آثار تخریب جلوگیری کند . همچنین اداره جنگلداری می تواند با اجرای طرح دفع آفات با آفات و امراض نباتی مقابله کند و در نتیجه از تخریب درختان به وسیله این امراض ممانعت به عمل آورد.

(۱-۲) عوامل انسانی:

عواملی هستند که یا به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به وسیله بشر ایجاد می شود مانند بریدن و ریشه کن کردن و سوزاندن نهال درخت و بوته چرانیدن بز و دام در جنگلها و مراتع و منابع ملی آتش زدن نباتات ، کت زدن و روشن کردن آتش در تنه درخت ، آتش زدن عمدی یا غیر عمدی جنگل ، و برداشت بی رویه و بیش از حد از جنگل و مرتع .

در برابر این دسته از عوامل سازمان جنگلها و مراتع به دو نحو اقدام می کند :

(۱-۲-۱) اقدامات پیشگیرانه :

برای پیشگیری از تخریب جنگل و مرتع ، سازمان گارد مخصوصی به نام گارد جنگل تشکیل داده است . این گارد که از ماموران افتحاری (قرق بانان) و مامورین رسمی (جنگلبانان) ترکیب یافته است وظیفه حفظ و حراست از مناطق جنگلی و مرتعی کشور را به عهده دارد . البته ، صرف حضور این افراد ، مانع فعالیت کسانی که قصد تخریب جنگل و مرتع را دارند ، نیست . همچنین باید به اقدامات دفتر فنی جنگلداری نیز اشاره کرد زیرا از جمله وظایف این دفتر دفع آفات و اطفای حریف و پیشگیری از آتش سوزی در جنگل است.

از جمله اقدامات پیشگیرانه دیگر ، ممنوعیتی است که برای اشتغال به برخی از فعالیتها به وجود آمده است ، برای مثال ، طبق ماده ۴۹ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع استفاده از کوره زغال موجود یا احداث کوره زغال جدید در جنگل یا مجاور آن ، مستلزم داشتن پروانه از سازمان جنگلبانی است . بر طبق تبصره همین ماده سازمان جنگلها و مراتع می تواند کوره های زغال بدون پروانه را تخریب کند . در این باره قانونگذار برای کسانی که دست به اقدامات تخریبی در جنگلها و مراتع می زنند ، مجازاتهایی را در نظر گرفته است که می تواند عامل حفظ جنگلها و مراتع باشد.

(۲-۱) برخورد قانونی با متخلفان:

سازمان جنگلها و مراتع دارای واحدهایی حفاظتی است که به طور مرتب از مناطق مختلف تحت نظارت سازمان بازدید و در صورت مشاهده تجاوز ، اقدام به دستگیری متخلفان و تهیه گزارش می کنند.

واحدهای حفاظتی سازمان از قرق بانان افتخاری و جنگلبانان تشکیل شده است . قرق بانان افتخاری کسانی هستند که با توجه به وضعیت کاری خود در مناطق جنگلی و مرتعی ، به صورت افتخاری و بدون دریافت اجرت در خدمت سازمان هستند و به این سبب از طرف سازمان کارت شناسایی قرق بان افتخاری دریافت می دارند و جنگلبانان نیز کسانی هستند که به صورت رسمی در خدمت سازمان جنگلها و مراتع هستند .

این افراد به موجب ماده ۵۴ قانون جزء ضابطین دادگستری هستند و از این نظر تحت تعلیمات دادستان محل انجام وظیفه می کنند . این افراد مامور کشف و تعقیب جرایم مذکور در قانون جنگلها و مراتع هستند و در صورت مشاهده عمل خلاف این قانون ، گزارشی تهیه می کنند که به امضای مامور مربوط و مامورین انتظامی و نیز معتمدین محل می رسد . در این گزارش بعد از ذکر مشخصات کامل متخلف و محل سکونت او نوع جرم آتش زدن ، کت زدن و ... و منطقه وقوع آن تصریح می شود . در صورتی که جرم ، تخریب مرتع باشد ، در گزارش مذکور به پلاک زمین ، مقدر تخریب به هکتار و وضعیت فعلی مرتع مورد تخریب از قبیل ایجاد شیار ، کشت ، و احداث بنا هم اشاره می شود.

پس از تهیه گزارش ، سرجنگلبان از محل وقوع جرم بازدید و صورتمجلسی به نام صورتمجلس تخریب تهیه می کند که در آن وضعیت محل مورد تخریب به طور دقیق ذکر می شود مانند مشجر بودن یا نبودن محل ، مقدار هکتار ، ابعاد مرتع تخریب شده ، و مترژ و حدود اولیه آن همچنین به قصد متخلف از تخریب ، و میزان خسارات وارد به جنگل مانند تعداد درختان قطع شده یا آتش گرفته و مساحت مرتع آسیب دیده و مرتع مورد چرای غیر مجاز ، نوع علوفه بوته یا درختچه اشاره می شود و ارزیابی میزان خسارت وارد بر حسب پول نیز قید می شود و علاوه بر این موارد کروکی محل نیز توسط سرجنگلبان تهیه خواهد شد.

تعیین قصد متجاوز ، بویژه در مورد ایجاد آتش سوزی ، از نظر تعیین نوع مجازات بسیار مهم است.

پس از اجرای این تشریفات ، متهم در سازمان جنگلها و مراتع مورد بازجویی قرار گرفته صورتجلسه این بازجویی ضمیمه پرونده می شود و همراه آگهی هایی که منطقه مورد تجاوز را در زمره منابع طبیعی اعلام داشته برای رسیدگی به مراجع قانونی صالحیتدار ارسال می شود .

به موجب ماده ۵۳ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور دادسراها و دادگاهها موظفند پرونده های جزایی اعم از خلافی و غیره ارسال شده از طرف سازمان جنگلبانی و واحدهای تابع را خارج از نوبت رسیدگی نمایند . دادسرا پس از رسیدگی یا قرار منع تعقیب متهم را صادر می کند و یا بر علیه متهم کیفر خواست تنظیم کرده آن را برای رسیدگی نهایی و صدور حکم به دادگاه می فرستد.

مجازاتهای پیش بینی شده در صورتی که اتهام وارد به شخص ، بریدن و ریشه کن کردن و سوزاندن نهال درخت و تهیه چوب و هیزم و زغال از منابع ملی و توده های جنگلی ، بدون اخذ پروانه از سازمان باشد، مرتکب پس از اثبات مجرمیت به مجازات های مذکور در ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور محکوم خواهد شد .

طبق این ماده مرتکب در مورد بریدن و ریشه کن کردن و سوزاندن هر اصله نهال به پرداخت جریمه نقدی از ۲۰ تا ۵۰ ریال و در مورد بریدن و ریشه کن کردن درخت و تهیه چوب و هیزم و زغال به حبس تادیبی از ۱۱ روز تا شش ماه و پرداخت جریمه نقدی از یک صد تا یک هزار ریال نسبت به هر اصله درخت یا هر متر معب هیزم یا زغال محکوم می شود . در تمام موارد ، عین مال نیز ضبط و به ترتیب مقرر در ماده ۲۸ این قانون عمل خواهد شد .

طبق ماده ۴۳ بریدن و ریشه کن کردن بوته ها و خارها و درختچه های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی ممنوع است ، متخلف به حبس تعزیری تا ده روز یا پرداخت غرامت تا ۲۰۱ ریال و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم خواهد شد .

در صورتی که اتهام وارد چرانیدن بز در جنگلها و مراتع و مناطقی که از طرف سازمان جنگلبانی تعیین و آگهی شده است ، باشد متخلف به پرداخت غرامت از ده تا یک صد ریال برپا ره راس بز محکوم می شود (ماده ۴۴)

هر گاه اتهام وارد شده چرانیدن دام در مراتع مذکور در ماده ۱ قانون ملی شدن جنگلهای کشور ، بدون اخذ پروانه ، باشد سازمان می تواند دام این افراد را به نفع خود ضبط کند و بدن تشریفات مزایده به فروش برساند . چنانچه افرادی که

دارای پروانه هستند ، به چراندن دام اضافه بر تعداد مجاز در پروانه اقدام کنند ، نسبت به دام اضافه به ترتیب فوق رفتار خواهد شد (ماده ۴۴ مکرر) .

به موجب تبصره یک ماده ۴۴ مکرر : واگذاری حق استفاده از پروانه چرا ، به هر نحو از طرف صاحب پروانه به دیگری و یا دریافت وجه یا هر نوع مالی به عنوان واگذاری پروانه یا حق علفچر یا حق عبور یا به هر عنوان بابت استفاده از مرتع موضوع پروانه ، ممنوع است و مرتکب به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد . چنانچه موضوع اتهام ، آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجارو جنگل بدون اجازه و نظارت ماموران جنگلبانی باشد و در نتیجه آن حریف در جنگل ایجاد شود ، مرتکب به حبس تادیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد (ماده ۴۵) .

مطابق ماده ۴۷ هر کس در جنگل عمداً آتش سوزی ایجاد نماید ، به حبس مجرد از سه تا ده سال محکوم خواهد شد . مجازات آتش زدن عمدی جنگل از شدیدترین مجازاتهای پیش بینی شده در این قانون است . باید افزود که اگر ایجاد حریق عمدی به منظور مقابله با حکومت اسلامی باشد ، رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است .

بر طبق تبصره ۴ ماده ۵۳ قانون مذکور : در صورتی که مامورین جنگلبانی خود مرتکب جرایم مذکور در این قانون گردند یا شرکت و معاونت در آن نمایند ، به حدائث مجازات مقرر در این قانون محکوم می شوند و در صورتی که مسامحه در اجرای مقررات قانون یا آیین نامه های مربوط نمایند ، به حبس تادیبی از یک ماه تا سه ماه محکوم خواهند شد .

ملاحظه می شود که مجازاتهای وضع شده در قانون نسبت به متجاوزان به جنگلها و مراتع بسیار نازل و ناچیز است و با واقعیات اقتصادی زمان ما تطبیق نمی کند و به این علت نمی تواند درباره کسانی که قصد تجاوز به جنگلها و مراتع را دارند عامل بازدارند محسوب شود در حالی که یکی از اهداف وضع مجازات قانون توسط قانونگذار هشدار به کسانی است که قصد تجاوز دارند تا هم در آنها ترس و واهمه به وجود آورد و هم به آنان اخطار کند که در صورت ارتکاب جرم به چه مجازاتی محکوم خواهند شد و چه توانی باید بپردازند ، اما عدم انطباق میزان مجازات با نوع جرم این جنبه پیشگیرانه قوانین را از بین می برد .

به این دلیل باید قوانین متناسب با وضعیت اقتصادی اجتماعی روز وضع شود تا قوانین به مفهوم واقعی داریا ضمانت اجرا باشند . البته در این زمینه گامهایی نیز برداشته شده است برای مثال بر اساس قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ گونه های درختانی از قبیل شمشاد ، زربین ، سرخدار ، سر و خمره ای ، سفید پلت ، حرا و چنندل ، ارس ، فندق ، زیتون طبیعی ، بنه (پسته وحشی) ، گون ، ششم ، گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جزء ذخایر جنگلی محسوب و قطع آنها ممنوع می باشد (ماده ۱) و چنانچه کسی بر خلاف این قانون رفتار کرده

، ذخائر جنگلی یاد شده را قطع کند ، طبق تبصره ۳ ماده اخیر : برای بار اول ، علاوه بر پرداخت خسارتی که حسب مورد توسط کارشناسان مربوطه وزارت جهاد کشاورزی ارزیابی خواهد گردید ، به حبس از یک ماه تا شش ماه و پرداخت جزای نقدی برای هر اصله درخت معادل یک برابر و نیم قیمت آن روز و در صورت تکرار به اشد مجازات محکوم می شوند . برای تشویق مامورین سازمان و مامورین انتظامی و کسان دیگری که سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری را از وقوع اعمال خلاف قانون اخیر مطلع می کنند تبصره ۴ این قانون پیش بینی کرده است که هر سال معادله ۳۰ درصد از درآمد حاصل از دریافت جرایم و فروش مواد ضبط شده از متخلفان در اختیار سازمان قرار گیرد تا برابر آیین نامه نسبت به تقسیم و پرداخت آن بین افراد مذکور اقدام شود . از سوی دیگر اگر ماموران سازمان با متخلفان همکاری کنند به تناسب جرم به اشد مجازات مقرر در قوانین و مقررات مربوطه محکوم می شوند (تبصره ۵ ماده ۱)

اگر اتهام وارد تخریب مراتع باشد ، به موجب ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶/۵/۳۰ ، مرتکب به یک سال تا سه سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد .

در همین باره در سال ۱۳۶۲ قانونی به نام قانون تعزیرات اسلامی به تصویب رسید . بر اساس ماده ۱۳۴ این قانون ، هر کس به قصد تصرف به منابع ملی کشور تجاوز کند ، حداکثر به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود . به موجب تبصره همین ماده رسیدگی به جرایم فوق الذکر در دادسرا خارج از نوبت به عمل می آید و دادستان یا جانشین او با تنظیم صورتمجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی خواهند داد . طبق ماده ۱۳۶ همین قانون ، کسانی که به صحنه سازی برای تجاوز به منابع طبیعی می پردازند نیز به ۷۴ ضربه شلاق محکوم و دادستان دستور رفع تصرف را صادر می کند .

اگر چه در مجازاتهای پیش بینی شده به مجازات حبس و تازیان اشاره شده است ، در عمل دادگاهها با استناد به تبصره ۱۷ ماده ۱۰ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی که این گونه از مجازاتهای را در موارد خاص قابل تبدیل به جریمه نقدی می داند ، حکم می دهند.

(۲) احیای جنگلها و مراتع:

وظیفه دیگر سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری ، احیای جنگلها و مراتع مخروبه و توسعه و بهره برداری از جنگلها و مراتع است که به طور عمده بر عهده معاونت امور جنگل سازمان قرار دارد . دفتر فنی جنگلداری تحت نظارت این معاونت است و از جمله وظایف آن تهیه و ابلاغ دستورالعمل فنی در امور فنی مربوط به بهره برداری از جنگلهاست .

همچنین دفتر دیگری نیز به نام دفتر جنگلکاری و پارکها تحت نظر این معاونت قرار دارد که عهده دار احیای جنگلها و مراتع است. این دفتر به تهیه و تنظیم برنامه های جنگلکاری و ایجاد فضای سبز و احیای جنگلهای مخروطیه و ایجاد تفریحگاه و پارکهای جنگلی و ملی می پردازد.

در مورد احیا و اصلاح مراتع، معاونتی تحت عنوان معاونت امور مراتع در سازمان وجود دارد که دفتر فنی آن تهیه و تنظیم برنامه های مرتع داری و اصلاح مراتع کشور و نظارت بر اجرای برنامه های مرتع داری و مرتع کاری و اصلاح مراتع کشور را بر عهده دارد که در این باره به تهیه دستورالعملهای فنی و اجرایی لازم و صدور پروانه های چرای دام و هر گونه بهره برداری دیگر از مرتع اقدام می کند.

به موجب ماده ۲ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع، حفظ و احیاء و اصلاح و توسعه و بهره برداری از جنگلها و مراتع و بیشه های طبیعی و اراضی جنگلی ملی شده متعلق به دولت به عهده سازمان جنگلبانی ایران است.

و به موجب ماده ۳ همین قانون: بهره برداری از منابع مذکور در ماده ۲ توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی در هر مورد طبق طرحی به عمل خواهد آمد که به تصویب وزارت منابع طبیعی رسیده باشد و وزارت منابع طبیعی با رعایت مفاد طرحهای مصوب، قرار داد لازم را تنظیم و پروانه بهره برداری صادر خواهد نمود.

از محتوای این دو ماده چنین بر می آید که هیچ کس نمی تواند بدون اجازه سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری از این مناطق به هر شکل و تحت هر عنوان بهره برداری کند.

قبل از تصویب این قانون، قانونگذار در قوانین دیگری همچون لایحه قانونی جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۳۸/۶/۱۸ و قانون ملی شدن جنگلها مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۲۷ جنگلها و مراتع را ثروت عامه محسوب و دولت را یگانه ضامن و حافظ این ثروت خدادادی معرفی کرده است. مستنبط از ماده ۱۰ لایحه قانونی جنگلها و مراتع، اعیان و عرصه جنگلها و مراتع، ملی و متعلق به دولت است. ملی شدن جنگلها و مراتع به این مفهوم است که هیچ شخص حقیقی یا حقوقی دیگر جز دولت نمی تواند عرصه آن را تملک کند ولی در مورد اعیان، دولت می تواند تحت شرایطی اجازه بهره برداری از اشجار و مثمرات آن را به دیگران واگذار کند اما تشخیص اینکه چه مناطقی جزء منابع ملی محسوب می شوند بر طبق ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگلهای کشور (مصوب ۱۳۴۲/۷/۱۵) با اداره جنگلداری هر منطقه بوده که این وظیفه با تصویب قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور (مصوب ۱۳۷۱/۷/۱۲) با وزارت جهاد کشاورزی است (ماده ۲). حال اگر کسی نسبت به تشخیص منابع ملی از طرف این وزارت اعتراضی داشته باشد، طبق تبصره ۲ ماده ۲ قانون اخیر، این اعتراض باید توسط کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع رسیدگی شود.

حال به بررسی شرایط این رسیدگی پرداخته می شود. قبل از تصویب قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به تصمیمات اداره جنگلداری در کمیسیون مرکب از رئیس کشاورزی محل و سر جنگلدار و بازرس در محل جنگلداری به عمل می آمد و تشخیص این کمیسیون قطعی بود اما با تصویب قانون مذکور این اعتراضات در کمیسیون ماده ۵۶ مورد رسیدگی قرار می گرفت. تا قبل از انقلاب اعضای این کمیسیون سه نفر بودند: فرماندار، رئیس دادگاه شهرستان و سرپرست منابع طبیعی ولی بعد از انقلاب اسلامی ماده مذکور اصلاح شد و رسیدگی به اختلافات مربوط به اجرای ماده ۵۶ به یک هیات هفت نفره واگذار شد. به موجب ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲ اعضای هیات مذکور عبارتند از: (۱) مسئول اداره کشاورزی، (۲) مسئول اداره جنگلداری، (۳) عضو جهاد سازندگی، (۴) عضو هیات واگذاری زمین، (۵) یک نفر قاضی دادگستری، (۶) بر حسب مورد دو نفر از اعضای شورای اسلامی روستا یا عشایر محل مربوطه هیات مذکور در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی انجام وظیفه می کند و با حضور حداقل ۵ نفر از ۷ نفر رسمیت می یابد.

به موجب تبصره یک ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۵، کسانی که نسبت به تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگلها و مراتع اعتراض دارند، می توانند پس از اخطار یا آگهی وزارت جهاد سازندگی اعتراضات خود را با ارائه دلائل مثبت خود جهت رسیدگی به هیات مذکور در قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی تسلیم نمایند.

با توجه به اینکه بر طبق ماده ۲ قانون حفاظت و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۵ مبنی بر اینکه شش ماه پس از اخطار کتبی یا آگهی به وسیله روزنامه های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه های محلی و سایر وسایل معمول و مناسب محلی، ادارات ثبت موظفند پس از انقضای مهلت مقرر در صورت نبودن معترض، حسب اعلام وزارت جهاد سازندگی نسبت به صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند.

چنین به نظر می رسد که افراد معترض باید ظرف شش ماه پس از اخطار یا آگهی در مورد تشخیص وزارت جهاد سازندگی به هیات مذکور اعتراض کنند اما چون در تبصره یک ماده ۲ قانون فوق الذکر اشاره ای به مهلت خاص نشده است، می توان گفت که اعتراض معترضین محدود به زمان خاصی نیست و هر زمان که بخواهند می توانند نسبت به نظر وزارت جهاد سازندگی اعتراض کرده، اعتراض خود را به هیات مذکور تقدیم کند. تبصره یک ماده ۲ قانون مذکور نیز موید همین استدلال است. طبق این تبصره: «... صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران مانع مراجعه معترض به هیات مذکور نخواهد بود.» به عبارت دیگر اگر پس از گذشتن شش ماه مذکور وزارت جهاد سازندگی به موجب ماده ۲ از ادارات

ثبت تقاضای صدور سند مالکیت کند و آن را به دست آورد ، این امر مانع از اعتراض افراد نسبت به تشخیص وزارت جهاد سازندگی در مورد منابع ملی و مستثنیات مذکور در ماده ۲ قانون ملی شدن جنگلها و مراتع نیست .

پس از تقدیم اعتراض به هیات مذکور ، هیات نظر کارشناسی خود را اعلام و پس از آن تصمیم گیری می کند . به موجب ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ ، پس از اعلام نظر کارشناسی هیات ، رای قاضی لازم الاجرا خواهد بود . بنابراین ، نظری که قاضی هیات ابراز می کند ، یک اظهار نظر حقوقی تلقی می شود و به عنوان رای هیات ، لازم الاجراست . بر طبق همین ماده به رغم لازم الاجرا بودن رای قاضی ، در مواردسه گانه شرعی مذکور در مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر آیین دادرسی کیفری می توان از نظر هیات ، پژوهش خواست.

در مورد اینکه آیا می توان از آراء صادر شده توسط کمیسیون هفت نفره مذکور به دیوان عدالت اداری شکایت کرد باید گفت که بر طبق نص صریح تبصره ۲ قانون مذکور ، چنین امکانی وجود نداردو حتی این دیوان مکلف شده است کلیه پرونده های موجود در مورد ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع کشور و اصلاحیه های بعدی آن را که هنوز مختومه نشده است به کمیسیون مذکور ارجاع کند . بنابراین ، نظر هیات هفت نفره قطعی و لازم الاجرا و غیر قابل پژوهش است .

۱۹ - سازمان حفاظت محیط زیست:

الف - تاریخچه:

تخریب محیط زیست و بهره برداری بیش از حد منابع در کشور ما نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان در طی قرن گذشته، چشمگیر بوده و تسریع در این روند در سال ۱۳۳۵ منجر به تشکیل دستگاهی مستقل به نام کانون شکار ایران، با هدف حفظ نسل شکار و نظارت بر اجرای مقررات مربوط به آن شد .

در سال ۱۳۴۶ در پی تصویب قانون شکار و صید، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید جایگزین کانون فوق شد. بر اساس قانون اخیر، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، مرکب از وزیران کشاورزی، دارایی، جنگ و شش نفر از اشخاص با صلاحیت بود.

بر اساس ماده ۶ قانون فوق، وظایف سازمان شکاربانی و نظارت بر صید از محدوده نظارت و اجرای مقررات ناظر بر شکار فراتر رفته و امور تحقیقاتی و مطالعاتی مربوط به حیات وحش کشور، تکثیر و پرورش حیوانات وحشی و حفاظت از زیستگاه آنها و تعیین مناطقی به عنوان پارک وحش و موزه های جانورشناسی را نیز در بر گرفت .

در سال ۱۳۵۰ نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به "سازمان حفاظت محیط زیست" و نام شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید به "شورای عالی حفاظت محیط زیست" تبدیل شد و امور زیست‌محیطی از جمله پیشگیری از اقدامهای زیانبار برای تعادل و تناسب محیط زیست نیز به اختیارات قبلی آن افزوده شد.

در سال ۱۳۵۳ پس از برپایی کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم و با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در ۲۱ ماده، این سازمان از اختیارات قانونی تازه‌ای برخوردار شد و از نظر تشکیلاتی نیز تا اندازه‌ای از ابعاد و کیفیت سازگار با ضرورت‌های برنامه‌های رشد و توسعه برخوردار شد.

ب - اهداف سازمان حفاظت محیط زیست:

تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حفاظت از محیط زیست و تضمین بهره‌مندی صحیح و مستمر از محیط زیست بنحوی که ضمن حفظ تعادل مناسبات زیستی موجبات توسعه پایدار و بهبود، رشد و اعتلای کیفی انسان‌ها فراهم آید.

ب - وظایف سازمان حفاظت محیط زیست:

(۱) حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی کشور و ترمیم اثرات سوء گذشته در محیط زیست

(۲) پیشگیری و ممانعت از تخریب و آلودگی محیط زیست

(۳) ارزیابی ظرفیت قابل تحمل محیط در جهت بهره‌وری معقول و مستمر از منابع محیط زیست

(۴) نظارت مستمر بر بهره‌برداری از منابع محیط زیست

(۵) برخورد فعال با زمینه‌های بحرانی محیط زیست شامل آلودگی‌های بیش از ظرفیت قابل تحمل محیط

(۶) بررسی، مطالعه و تحقیق به منظور دستیابی یا حصول شناسائی در زمینه‌های زیر :

(۶-۱) عوامل آلوده‌کننده و مخرب محیط زیست در زمینه آب، هوا، خاک، مواد زائد، آفت‌کشها، کودهای شیمیائی، سرو صدا و نظایر آنها

(۶-۲) چگونگی استقرار پدیده‌های عمرانی و توسعه کشور مانند واحدهای صنعتی، نیروگاهها، سدها، مجتمع‌های کشاورزی و عمرانی و سکونت‌گاههای انسانی و نظایر آن

(۶-۳) استفاده از تکنولوژی سازگار با محیط

(۶-۴) مناطقی که دارای ویژگیهای خاص و منحصر به فرد اکولوژیک می باشند و تعیین حدود آنها گونه های با ارزش خاص و نادر در حال انقراض گیاهی و جانوری و زیستگاههای آنها و روابط اکولوژیک و تعیین پراکندگی آنها

(۶-۵) مسائل زیست محیطی منطقه ای با استفاده از همکاری کشورهای همجوار و همکاری بین المللی .

(۶-۶) تهیه و تدوین ضوابط و استانداردهای زیست محیطی در زمینه های زیر:

(۶-۶-۱) هوا شامل هوای آزاد ، حد مجاز تخلیه کننده ها ، طبقه بندی منابع و عوامل آلوده کننده آب و تغییر و تخریب مسیر رودخانه ها و انهدام تالابها و دگرگونی اکولوژیک دریاچه ها و دریاها

(۶-۶-۲) منابع خاک شامل آلوده کننده و فرساینده خاک

(۶-۶-۳) سروصدا شامل حد مجاز و تعیین ضوابط مکانی ، زمانی و نوعی

(۶-۶-۴) مواد زائد و جامد شامل جمع آوری، حمل، دفع یا تبدیل و بازیافت مواد زائد و جامد از منابع روستائی، شهری، معدنی ، کشاورزی و غیره در مناطق مختلف کشور

(۶-۶-۵) آفت کشتهای و کودهای شیمیائی شامل حد مجاز باقیمانده در محیط ، دفع یا معدوم نمودن و ممنوعیت مکانی، زمانی، نوعی، کمی و کیفی

(۶-۶-۶) پوشش گیاهی و جانوران وحشی آلودگی های مواد نفتی ، فلزات سنگین ، سموم کشاورزی ، فاضلاب انسانی و ... در محیط های دریایی (آب ، رسوب ، آبزیان)

(۶-۶-۷) آموزش زیست محیطی به منظور اشاعه و ارتقاء سطح دانش و بینش زیست محیطی افراد جامعه برای ایجاد علاقه ، حس مسئولیت و مشارکت عمومی مردم کشور در حفاظت از محیط زیست با همکاری مراکز آموزشی و پژوهشی و رسانه های گروهی، تشکل های غیردولتی و بهره گیری از کلیه امکانات داخل کشور و در سطح بین المللی

(۶-۶-۸) ارزیابی و نظارت به منظور حصول اطمینان از کاربرد و کارائی ضوابط و استانداردهای زیست محیطی

(۶-۶-۹) ایجاد موزه و نمایشگاه به منظور جمع آوری و نگهداری و نمایش نمونه ها و گونه های گیاهی و جانوران وحشی با توجه جنبه های آموزشی و تحقیقاتی آنها و تاکسیدرمی جانوران وحشی جهت استفاده در نمایشگاه و موزه ها

(۶-۶-۱۰) ایجاد توسعه و گسترش مراکز آموزش علمی و کاربردی زیست محیطی به منظور تامین و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز محیط زیست کشور با هماهنگی و همکاری وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سایر مراجع ذیربط

(۶-۶-۱۱) مطالعه و بررسی اکوبیولوژی دریا و آلودگی های دریایی و تالابهای ساحلی

(۶-۶-۱۲) مطالعه و ارزیابی وضعیت کمی و کیفی اجزای تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی کشور

(۶-۶-۱۳) تدوین طرح ها و پروژه های تحقیقاتی و پژوهشی منطقه ای ، ملی و بین المللی در زمینه مسایل زیست محیطی

(۶-۶-۱۴) ارزشگذاری اقتصادی منابع طبیعی و هزینه های زیست محیطی ناشی از توسعه

(۶-۶-۱۵) مطالعه و زمینه سازی جهت دستیابی به توسعه پایدار

ج - نمودار تشکیلاتی سازمان حفاظت محیط زیست:

سازمان حفاظت محیط زیست مهمترین سازمان در امور زیست محیطی است و در این مورد وظایف گسترده ای دارد که از آن جمله می توان به فعالیت برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و همچنین حفظ حیات وحش و آبریزان اشاره کرد که در این باره سازمان گامهای ارزشمندی برداشته است مانند ایجاد مناطقی چهار گانه که تحت کنترل سازمان قرار دارند . ویژگی این مناطق این است که یا از جانوران خاصی ترکیب یافته و یا دارای پوشش گیاهی ویژه ای است . مناطق مذکور عبارتند از :

(۱) پارکهای ملی ، (۲) مناطق حفاظت شده ، (۳) پناهگاههای حیات وحش ، (۴) آثار طبیعی ملی

برای اینکه منطقه ای تحت کنترل سازمان حفاظت محیط زیست در آید ، ابتدا سازمان از ارگانهای دیگری مثل سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور ، وزارت تجارت، صنایع ومعدان استعمال می کند تا روشن شود آیا توسط آنها برنامه ای برای آن منطقه در نظر گرفته شده است یا خیر . این برنامه ممکن است در زمینه مرتع داری و یا هر نوع بهره برداری یا اکتشاف باشد . چنانچه پاسخ منفی باشد و یا پاسخی داده نشود ، موضوع تحت کنترل و نظارت درآوردن آن منطقه توسط سازمان حفاظت محیط زیست ، در شورای عالی محیط زیست مطرح می شود و پس از تصویب و انتشار آن در روزنامه رسمی به مورد اجرا در می آید .

علاوه بر آن به موجب بند و ماده ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ، سازمان می تواند به طور موقت سه یا چهار سال مناطقی را به عنوان مناطق شکار ممنوع اعلام دارد برای مثال اعلام کند که از یک زمان معین ، شکار و تیر اندازی در آنها ممنوع است . این ممنوعیت ممکن است محدود و یا همیشگی باشد . همچنین امکان دارد که ممنوعیت مذکور فقط در مورد گونه های خاصی از حیوانات مودر حمایت اعمال شود.

اقدام به فعالیتهای مخرب محیط زیست نیز ممکن است مورد تعقیب سازمان واقع شود . این اقدامات بر اساس قانون شکار و صید ، مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ ، عبارتند از :

(۱) شکار و صید در فصول وساعات ممنوع (بند الف ماده ۱۰)

(۲) شکار و صید با وسایل و از طرق ممنوع (بند ب ماده ۱۰)

(۳) از بین بردن رستنیها در مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش (بند پ ماده ۱۰)

(۴) شکار و صید بدون پروانه (بند ت ماده ۱۰)

(۵) حمل یا عرضه یا فروش و صدور کشته حیوانات قابل شکار و اجزای آنها بدون پروانه (بند ث ماده ۱۰)

(۶) شکار و صید حیوانات حمایت شده بدون پروانه (بند ب ماده ۱۲)

(۷) شکار و صید بدون پروانه در مناطق حفاظت شده و قرقهای اختصاصی و پناهگاههای حیات وحش (بند پ ماده

(۱۲)

(۸) تعلیف و تخریب و از بین بردن رستنیها در پارکهای ملی و هر گونه تخریب آثار طبیعی ملی و تجاوز به این آثار

(بند ت ماده ۱۲)

(۹) بستن سد و کلهام شیل در مسیر رودخانه به منظور صید غیر مجاز (بند ث ماده ۱۲)

(۱۰) آلوده نمودن آب رودخانه ها و دریاچه ها و قنوات و برکه ها و مردابها به موادی که موجبات از بین بردن آبزیان

را فراهم نماید (بند ج ماده ۱۲)

(۱۱) شکار و صید و یا از بین بردن جانوران وحشی با استفاده از سموم یا ماد منفجره ماند دینامیت و غیره و

همچنین شکار با استفاده از وسایل نقلیه موتوری (بند الف ماده ۱۳)

(۱۲) شکار و صید بدون پروانه اهو ، جیبیر ، گورخر ، گوزن زرد ، ببر ، یوزپلنگ و تمساح (بند ب ماده ۱۳)

(۱۳) شکار و صید بدون پروانه پستانداران و آبزیان که از خارج به کشور وارد و حمایتش ده اعلام گردیده باشد (بند

پ ماده ۱۳)

(۱۴) شکار و صید در پارکهای ملی (بند ت ماده ۱۳)

(۱۵) ایجاد یا سبب ایجاد حریف در پارکهای ملی ، آثار طبیعی ملی ، مناطق حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش (بند

ث ماده ۱۳)

ملاحظه می شود که سازمان حفاظت محیط زیست در برخورد با تخریب محیط زیست از اختیارات گسترده ای

برخوردار است . این سازمان به منظور جلوگیری از اقدامات تخریبی افراد و شکار غیر مجاز ، در مناطق مختلف پاسگاههایی به

وجود آورده است ، مانند پاسگاه کاروانسرای شاه عباس ، پاسگاه سفید آب ، پاسگاه ملک آباد ، پاسگاه مبارکه ، پاسگاه شکر

آباد و پاسگاه مکریش .

در هر پاسگاه دو مامور انجام وظیفه می کنند: یکی به عنوان شکاربان و دیگری محیط بان رسمی. این افراد هر ده روز یک بار جابجا می شوند. قابل ذکر است که همه مناطقی که پاسگاههای مذکور در آنها واقعند تحت کنترل سازمان حفاظت محیط زیست است و بازدید از آنها نیاز به اجازه نامه دارد.

هر گاه یکی از تخلفات مذکور توسط ماموران یاد شده مشاهده شود، مامور متخلف را دستگیر و وسایل ارتکاب جرم را ضبط می کند و به همراه گزارشی برای رسیدگی به دادسرای محل وقوع جرم ارسال می کند و دادسرا نیز پس از تنظیم کیفرخواست، پرونده را برای رسیدگی و صدور رای به دادگاه کیفری ۲ محل می فرستد. اگر حکم دادگاه مورد اعتراض قرار گیرد، دادگاه کیفری ۱ به آن رسیدگی کرده، حکم نهایی را صادر می کند. در تمام این موارد سازمان می تواند به تبع دادستانی به دادگاه کیفری مسئول رسیدگی، دادخواست ضرر و زیان بدهد و یا آنکه این دادخواست را مستقلاً به دادگاه حقوقی تسلیم دارد.

مامور سازمان در گزارشی که از تخلف صورت گرفته تهیه می کند به این موارد اشاره می کند مشخصات کامل و محل سکونت مجرم، نوع تخریب انجام شده که جرم محسوب می شود و محل وقوع جرم.

صلاحیت سازمان در رسیدگی به موارد تخریب محیط زیست عام است، بدین معنی که هم صلاحیت دارد که با تخریب درختان و گیاهان در مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش و پارکهای ملی مقابله کند و هم صلاحیت دارد که از نابود کردن گونه های خاصی از حیوانات و آبزیان جلوگیری کند.

و - قوانین و مقررات سازمان حفاظت محیط زیست (محیط زیست انسانی):

(۱) آلوده کننده های محیط زیست:

سازمان حفاظت محیط زیست مهمترین سازمان موظف برای مقابله با عوامل آلودگی محسوب می شود اما آلودگی یعنی چه؟ طبق ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد با توجه به این تعریف آلودگیها چهار دسته اند:

(۱-۱) آلودگی آب:

طبق ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ، آلودگی آب یعنی آمیختن مواد خارجی به آب به میزانی که برای موجودات و گیاهان زیان آور باشد . در همین باره بند ۲ ماده ۱ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مقرر می دارد آلودگی آب عبارت است از تغییر مواد محلول و یا معلق و یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که برای آن مقرر است ، مضر یا غیر مفید سازد.

مقصود از منابع صنعتی آلوده کننده آب آن موادی است که در اثر فعالیتهای صنعتی به صورت زایدات و یا صورتهای دیگر وارد آب می شود و آن را آلوده می کند . آلوده کردن آب ممکن است عمدی و یا غیر عمدی باشد اما در هر صورت به موجب ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ : « ... مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب به سازمان حفاظت محیط زیست محول می شود . .. » که در هر مورد اقدام لازم را به عمل می آورد ، مگر اینکه این مسئولیت بر طبق قانون خاصی به عهده ، سازمان دیگری باشد.

سازمان حفاظت محیط زیست دارای مسئولیت اولیه در جلوگیری از آلودگی آب است . در اجرای این وظیفه سازمان از همکاری وزارتخانه نیرو ، جهاد کشاورزی ، بهداشت درمان و آموزش پزشکی ، و سایر وزارتخانه ها و سازمانهای ذی ربط بر حسب مورد استفاده می کند و نسبت به شناسایی کیفیت آبهای ایران از لحاظ آلودگی اقدام خواهد کرد .

سازمان می تواند با همکاری وزارتخانه های مذکور از ایجاد کنندگان منابع مولد آلودگی اعم از حقیقی یا حقوقی بخواهد اطلاعات و مدارک مورد نیاز را برای مطالعه و بررسی در اختیارش قرار دهند . این مسئولان موظفند در اسرع وقت اطلاعات و مدارک خواسته شده را به سازمان ارائه کنند . هر گاه پس از بررسی و نمونه برداری ، شدت آلودگی از استانداردهای موضوع ماده ۵ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب بیشتر باشد ، سازمان به طور کتبی به مسئول مربوط اخطار میکند تا به رفع آلودگی اقدام کند .

در این اخطار سازمان به صراحت نوع آلودگی و میزان آن و همچنین مهلتی را که در آن باید آلودگی بر طرف گردد ، قید می کند . البته در این باره قانون مهلت خاصی معین نکرده است ، زیرا با توجه به متفاوت بودن نوع آلودگی و زمان لازم برای رفع هر مورد، تعیین زمان خاصی از قبل امکانپذیر نیست و سازمان در هر مورد مهلت متناسبی را در اخطاریه تعیین می کند و مسئول آلودگی موظف است ظرف مهلت مقرر نسبت به رفع آلودگی و رساندن آن به حد استاندارد اقدام کند . اگر موضوع اخطاریه، تصفیه فاضلاب باشد ، مسئول آلودگی باید طرحهای خود را برای رفع آلودگی به سازمان ارائه دهد تا مورد بررسی و سرانجام تصویب قرار گیرد . هر گاه مسئول آلودگی با دلایل و مدارک کافی ثابت کند که مهلت تعیین شده کافی نیست ، سازمان مشروط بر اینکه فعالیت منبع آلودگی خطری جدی برای سلامت انسان و سایر موجودات زنده نداشته باشد

می تواند مهلت تعیین شده را تغییر دهد و مهلت متناسبی را تعیین کند اما اگر پس از انقضای این مهلت نیز آلودگی رفع نشود ، سازمان دسترو جلوگیری از فعالیت منبع آلودگی را صادر خواهد کرد .

اگر شخصی به عمد باعث آلودگی آب شود به مجازات مقرر در بند ۵ ماده ۶۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب تیر ۱۳۴۷ محکوم خواهد شد . بر طبق این ماده مجازات چنین شخصی جریمه از دو هزار تا پنج هزار ریال و یا حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا هر دو مجازات است و چنانچه آلوده کردن آب به قصد مقابله با جمهوری اسلامی ایران باشد ، متهم در دادگاه انقلاب محاکمه خواهد شد.

علاوه بر مواد فوق طبق ماده ۱۸ قانون حفاظت دریا و رودخانه های مرزی از آلودگی با مواد نفتی ، سازمان حفاظت محیط زیست مسئولیت تعقیب عاملان آلودگی ابهای دریا و رودخانه های مرزی و داخلی را در تمام موارد به جز مورد آلودگی نفتی و یا هر نوع مخلوط نفتی دارد.

چنانچه مواد آلوده کننده غیر نفتی موجب ورود خسارت به بنادر و پلاژها یا سایر تاسیسات ساحلی ایران شود و یا خساراتی به آبریان و منابع طبیعی وارد آورد ، سازمان حفاظت محیط زیست به آن رسیدگی و عامل آلودگی را به دادگاه هدایت می کند . در صورتی که اتهام متهم در دادگاه اثبات شود ، دادگاه او را به پرداخت خسارات وارد شده محکوم می کند (ماده ۱۳) در مورد آلودگی آبهای ایران به مواد نفتی سازمان بنادر و دریانوردی صلاحیت رسیدگی دارد(ماده ۱۱)

(۱-۲) آلودگی هوا:

هوا عنصری حیاتی در زندگی موجودات است . برای پی بردن به ارزش آن کافی است گفته شود که اگر انسان می تواند چند روز را بدون آب بگذراند و زنده بماند و یا چند هفته بدون غذا دوام آورد ، نبودن هوا را بیش از چند دقیقه نمی تواند تحمل کند . به عقیده برخی کارشناسان اگر سه دقیقه اکسیژن به بدن انسان نرسد ، خواهد مرد.

طبق بند ۲ ماده ۱ آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ آلودگی هوا عبارت است از وجود یک یا چند آلوده کننده در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که مضر به حال انسان و یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد ، تغییر دهد . همچنین طبق بند ۱ همین ماده ، آلوده کننده عبارت است از هر نوع ماده گازی ، بخار، مایع و جامد و یا مجموعه و ترکیبی از آنها که در هوای آزاد پخش و باعث آلودگی هوا شده و یا به آلودگی آن بیفزاید یا تولید بوهای نامطبوع کند ، از قبیل دود ، دوده ، ذرات معلق به موجب بند ۳ این ماده نیز هوای آزاد عبارت است از جو طبیعی زمین و شامل هوای داخل یک محیط سرپوشیده نمی باشد .

به عبارت دیگر فقط هوای خارج از این گونه محیطها آزاد تلقی می شود . البته حداستاندارد و یا میزان قابل قبول آلودگی هوا در هر محیطی متفاوت است و طبق بند ۷ ماده ۱ آیین نامه مذکور ، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری سازمانها و وزارتخانه های دیگر میزان مجاز و مشخصات ویژه ای را که برای آلوده کننده ها با توجه به اصول حفاظت و بهسازی محیط زیست لازم است ، تعیین می کند .

بند ۴ ماده ۱ آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴ منابع آلوده کننده را به سه دسته تقسیم کرده است که عبارتند از (۱) کارخانجات و کارگاهها ، (۲) وسایل نقلیه موتوری ، (۳) منابع متفرقه

(۱) کارخانجات و کارگاهها محل مشخصی است که در آن یک یا چند دستگاه و یا وسیله برای تولید فرآورده ها یا عرضه خدمات مورد استفاده قرار می گیرد و بهره برداری از آنها باعث ایجاد یک یا چند آلوده کننده می شود.

(۲) وسایل نقلیه موتوری هر نوع وسیله ای است که با موتورهای درون سوز و یا برون سوز حرکت می کند و برای حمل و نقل مورد استفاده قرار می گیرد و در صورت به کارانداختن ، منشا ایجاد یک یا چند نوع آلوده کننده می شود . طبق مطالعات به عمل آمده ۷۰ درصد از اکسید ازت و ۶۰ درصد از هیدروکربور و ۹۲ درصد از اکسید کربن موجود در هوا و به عبارت دیگر ۶۰ درصد از آلودگی هوای شهرها مربوط به اتومبیلها و سایر وسایل نقلیه موتوری است.

(۳) منابع متفرقه منابعی غیر از کارخانجات و کارگاهها و وسایل نقلیه موتوری و هر عمل یا ترک عملی است که موجب آلودگی هوا می شود . سازمان حفاظت محیط زیست این منابع را تعیین و طبقه بندی می کند.

مسئول آلودگی هر شخص حقیقی است که اداره یا تصدی کارخانه و یا کارگاهی را خواه برای خود و خواه به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص دیگر به عهده دارد و یا شخصا عامل ایجاد آلودگی از طریق وسایل نقلیه موتوری و یا منابع متفرقه است.

همچنان که گفته شد در هر مورد سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری سازمانهای ذی ربط و پس از تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست ، استانداردهای هوای آزاد و مشخصات آلوده کننده های هوای آزاد را تعیین می کند که البته این امر با توجه به کیفیت هوای هر منطقه و وضع حفظ مناسبات محیط زیست اکولوژیک آن فرق می کند . همچنین سازمان انواع سوخته های مجاز و ضوابط و شرایط مصرف آنها را با همکاری وزارت نفت و وزارت نیرو تعیین و پس از تصویب شورای عالی محیط زیست به مرحله اجرا می گذارد .

در مورد خطر منابع آلوده کننده هوا باید گفت که برخی از آنها در نهایت به بارانهای اسیدی تبدیل شده باعث صدمات جبران ناپذیر به جنگلها و موجودات و آلودگی شدید رودخانه ها و آبها و موجودات آبی و حتی خسارت به ساختمانها می شوند.

سازمان حفاظت محیط زیست برای رفع آلودگی به مسئول آلودگی مهلتی می دهد تا در این مدت اقدام به رفع آلودگی کند اما در مورد تعیین این مهلت ، طبق ماده ۵ و ذیل ماده ۶ آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا فقط سازمان حفاظت محیط زیست تصمیم می گیرد ، در حالیکه به موجب قسمت اول ماده ۶ ، سازمان با توافق وزارت تجارت ، صنایع و معادن به تعیین مهلت می پردازد . اختلاف مزبور اگر چه به ظاهر ساده می نماید ، در عمل می تواند بسیار مشکل ساز باشد.

طبق ماده ۵ : سازمان با توجه به اهمیت منابع به پرسشنامه ها و مدارک هر یک از این منابع رسیدگی و نوع و میزان آلودگی حاصل از مشخص و مراتب را کتبا به مسئول مربوط اخطار خواهد نمود . در این اخطاریه باید نوع آلودگی و میزان آن و راهنماییهای لازم برای جلوگیری از آلودگی هوا با توجه به استانداردهای تعیین شده و همچنین مهلت رفع آلودگی صریحا قید شود . بنابراین به موجب این ماده سازمان به طور مستقل و به تنهایی مهلت مذکور را تعیین می کند ولی بر اساس ماده ۶ : مهلت مذکور در ماده ۵ در مورد کارخانجات و کارگاهها باتوافق وزارت تجارت، صنایع و معادن تعیین خواهد شد . در صورتی که صاحب یا مسئول کارخانه و یا کارگاهی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می نماید با دلایل و مدارک قابل قبول به سازمان اثبات نماید که ظرف مهلت مقرر در اخطاریه سازمان رفع آلودگی عملی نمی باشد سازمان مجاز است فقط برای یک بار مهلت اضافی مناسب برای اینگونه کارخانجات و کارگاههای قائل شود .

قسمت ابتدای ماده ۶ علاوه بر آنکه با ماده ۵ اختلاف دارد ، با محتوای قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست که مسئولیت اولیه رفع آلودگی را به عهده سازمان حفاظت محیط زیست گذارده ، در تضاد است .

این اختلاف ، اختلاف ساده ای نیست و در عمل می تواند مشکلاتی به وجود آورد بدین نحو که اگر وزارت تجارت ، صنایع و معادن در تعیین مهلت با سازمان به توافق نرسد ، تعیین مهلت امکانپذیر نخواهد بود و این به معنای ادامه یافتن جریان آلودگی و هر چه بیشتر آسیب رسیدن به محیط زیست است که این حالت درحقیقت نقض هدفی است که قانون مذکور برای آن وضع و سازمان حفاظت محیط زیست برای اجرایش تاسیس شده است . از سوی دیگر قسمت دوم و ذیل ماده ۶ نیز با قسمت اول همین ماده تعارض دارد ، چرا که طبق قسمت اخیر ماده در صورتی که صاحب واحد صنعتی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم آورده با دلایل و مدارک قابل قبول به سازمان اثبات کند که ظرف مهلت مقرر در اخطاریه سازمان رفع آلودگی عملی نیست ، سازمان مجاز است فقط برای یک بار مهلت اضافی متناسب برای اینگونه کارخانجات

وکارگاهها قائل شود. به این ترتیب، فقط سازمان محیط زیست آن هم فقط یک بار می تواند مهلتی اضافی تعیین کند و نیازی نیست که در این باره با وزارت صنایع به توافق برسد. به نظر می رسد پدید آمدن این اختلاف فقط ناشی از بی دقتی قانونگذار است زیرا با توجه به وظیفه و هدف سازمان حفاظت محیط زیست درباره مسائل زیست محیطی، فقط نظریات این سازمان باید اجرا شود و اگر قرار باشد که این سازمان با سازمانهای دیگر همکاری کند، نوع همکاری، مشورتی است و تصمیم گیرنده نهایی سازمان محیط زیست است. با توجه به این امر و با عنایت به ماده ۵ و قسمت دوم ماده ۶ به نظر می رسد که قسمت اول ماده ۶ باید حذف شود و یا به صورتی تنظیم گردد که بصراحت گویای مشورتی بودن نظریه وزارت تجارت، صنایع و معادن باشد.

(۳-۱) آلودگی خاک:

خاک ماده ای زنده و دینامیک است که ادامه حیات گیاهان و حیوانات را ممکن می سازد و از ارکان تولید مواد اصلی تغذیه انسان و همچنین برخی وسایل مورد نیاز زندگی او محسوب می شود به گونه ای که آلودگی آن حیات انسان را به خطر خواهد انداخت.

آلودگی خاک ناشی از علل مختلفی است که از جمله آنها وجود زباله های سخت و تجزیه ناپذیر و یا کم تجزیه پذیر است که خطرناک بودنشان را نمی توان انکار کرد. در برخی موارد، آلودگی خاک ممکن است ناشی از به کار بردن سموم بویژه برخی از آنها مانند د. د. ت باشد که در کشاورزی موارد مصرف زیادی داشته است. بارانهای اسیدی که در برخی از مناطق به علت افزایش بیش از حد آلودگی هوا می بارد نیز از عوامل آلودگی خاک محسوب می شود.

خطر دیگری که خاک را تهدید می کند، فرسایش است که عوامل مختلفی مانند آب، باد، برف، تخریب گیاهان و درختان طبیعی محافظت کننده خاک و نیز برخی از فعالیتهای بشری از قبیل ساختن جاده و ساختمان باعث آن است.

نتیجه مستقیم فرسایش کم شدن حاصلخیزی خاک و یا بی حاصلی کامل آن تغییر محیط طبیعی و مناظر، جاری شدن سیل و بهمن و در مواردی لغزش زمین است. برای جلوگیری از بروز امور مذکور باید از سه منطقه مهم محافظت کرد:

کوهستان، سواحل دریا، و دشتهای رسوبی و دره ها. به این منظور راه حلهای گوناگونی اندیشیده شده که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) جلوگیری از نابودی گیاهان طبیعی

(۲) کمک به اصلاح خاک

(۳) ایجاد بادشکن از طریق کاشتن درخت به صورت انبوه در سواحل

(۴) تثبیت شنهای روان

(۵) کنترل ته نشینهای طبیعی یا مصنوعی بر روی سواحل

خطرهای گوناگونی خاک را تهدید می کند که برای مقابله با آنها تصویب قوانین و مقرراتی جامع ضروری است اما متأسفانه در کشور قوانین و مقررات اندکی در این باره وجود دارد که از جمله آنها می توان به بند ب ماده ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست اشاره کرد که در آن ارائه پیشنهادهایی درباره ضوابط لازم برای مراقبت و جلوگیری از آلودگی آب ، هوا ، خاک و غیره از جمله وظایف سازمان محیط زیست شمرده شده است اما با تأسف باید اظهار کرد که سازمان درباره آلودگی خاک و نیز آلودگی صدا آیین نامه ای اجرایی مانند آنچه در مورد آلودگی آب و هوا وجود دارد ، وضع نکرده است .

در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در تعریف جامعی که از انواع آلودگیها شده به آلودگی خاک نیز اشاره شده است : منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیکی آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد ، تغییر دهد.

از منابع عمده آلوده کننده خاک استفاده از سموم دفع آفات نباتی است که در نهایت ممکن است موجب مسمومیت عمومی یا عصبی افراد شود . به این دلیل از جمله وظایف سازمان حفاظت محیط زیست انجام دادن تحقیقات و بررسیهای علمی و اقتصادی در زمینه حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست شمرده شده که استفاده از سموم کشاورزی یا مواد مصرفی زیان آور به محیط زیست نیز در زمره آنهاست (بند الف ماده ۶).

البته اگر استفاده از این سموم که برای مبارزه با آفات نباتی و جانوران و حشرات موذی به کار می رود مطابق با ضوابط ، قوانین و مقررات وزارت جهاد کشاورزی باشد ، مشکلی به وجود نمی آید اما چنانچه استفاده از سموم یاد شده با بهسازی محیط زیست مغایر باشد سازمان حفاظت محیط زیست ضرورت تجدید نظر در مقررات موجود و جایگزین کردن مواد و طرق دیگری را برای دفع آفات توصیه خواهد کرد و چنانچه این توصیه ها رعایت نشود ، سازمان می تواند در حدود وظیفه کلی اش که حفاظت از محیط زیست است به رغم عدم وجود آیین نامه اجرایی ویژه خاک ، با مرتکبان آلودگی برخورد کند .

درباره آلودگی خاک هنوز مقررات جامعی وضع نشده و در حقوق محیط زیست خاک بصراحت مورد اشاره قرار نگرفته است . برای این اهمال قانونگذار، یک توجیه منطقی می توان یافت و آن اینکه آب و هوا به این علت مورد حمایت قرار گرفته

اند که از نظر حقوقی هم آب و هم هوا مورد استفاده عمومند در حالی که خاک موضوع مالکیت خصوصی است و محافظت از آن فقط به عهده مالک آن است اما این توجیه منطقی امروزه بیش از پیش ضعیف شده و فکر حفاظت از خاک که حیات بشر و سایر موجودات از نظر تغذیه و مواد کانی و معدنی بدان بستگی دارد . هر روز بیشتر قوت می گیرد.

(۴-۱) آلودگی صوتی:

محیط شهرها بسیار پر سر و صداست . صدای مزاحم از عوامل آلوده کننده محیط است و زیانهای جسمی و روانی فراوان دارد . خستگی بیش از حد ، بی حوصلگی و کاهش کارایی کسانی که در محیطهای پر سر و صدا کار می کند از آثار روانی آلودگی صوتی است و کاهش شنوایی و در نهایت ناشنوایی موقت یا دائم نیز از زیانهای جسمی آن است .

از نظر علمی صداهای بالاتر از ۷۰ دسی بل صدایی مضر بوده و عوارضی را به وجود می آورد. بنابراین می توان گفت که منظور از آلودگی صوتی ، سر و صدای بیش از ۷۰ سی بل است به گونه ای که برای حس شنوایی آزار دهنده باشد . در آزمایشهای صورت گرفته مشخص شده که در حال خواب نیز سر و صدا می تواند به اعصاب فرد آسیب برساند.

به رغم حاد بودن مشکل آلودگی صوتی ، هنوز هیچگونه مقررات خاصی تحت عنوان قانون جلوگیری از آلودگی صدا برای مقابله با آن وضع نگردیده است و به این علت برای مبارزه با این نوع آلودگی باید به مقررات پراکنده ای متوسل شد که در موارد مختلف به تصویب رسیده اند . از جمله این مقررات ماده ۱۰ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست است . طبق این ماده مقررات جلوگیری از آلودگی یا تخریب محیط زیست و جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان آور به محیط زیست و همچنین ضوابط تعیین معیار و میزان آلودگی به موجب آیین نامه هایی خواهد بود که به تصویب کمیسیونهای کشاورزی و بهداری و دادگستری مجلسین برسد .

طبق ماده ۲۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۷۴/۲/۱۳ ایجاد هر گونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می باشد همچنین مطابق ماده ۳۲ همین قانون کسانی که چنین آلودگیهایی به وجود آورند ، به جزای نقدی از ۳۰ هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد . در همین قانون پیش بینی شده است که آیین نامه جلوگیری از آلودگی صوتی توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه می شود و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید .

البته فقدان آیین نامه ای درباره آلودگی صوتی مانع نمی شود که سازمان در صورت برخورد با چنین مساله ای اقداماتی به عمل نیاورد. در این صورت، سازمان بنا بر هدف اصلی اش اقدام می کند. علاوه بر این، شهرداری نیز در حدود وظایفش می تواند در صدد رفع آلودگی صوتی برآید.

همچنین مردم نیز بر اساس ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی می توانند بر علیه اشخاص مزاحمی که در ملک خود ایجاد سر و صدای زیاد می کنند دعوی رفع مزاحمت اقامه کند. به موجب این ماده متصرف مال غیر منقول می تواند درخواست جلوگیری از مزاحمت کسی را تقاضا کند که نسبت به متصرفات او مزاحم است، بدون اینکه مال او را از تصرف مالک خارج کرده باشد، یعنی اینکه با تصرفاتی که در ملکش می کند از قبیل ایجاد تاسیسات، باعث سر و صدای زیاد و مزاحمت برای ملک یا املاک مجاور می شود. در این موارد مدعی برای طرح دعوی می تواند به دادرسی محل وقوع مال غیر منقول مراجعه کند که در این صورت برای اینکه دعوی او قابل طرح باشد نباید بیش از یک ماه از تاریخ شروع مزاحمت (ایجاد سر و صدا و آلودگی صوتی) گذشته باشد. این موضوع در مورد سایر آلودگیها که جنبه خصوصی و فردی دارد نیز صدق می کند. در این موارد در مقام رسیدگی، دادسرا در حکم دادگاه است زیرا به طور مستقل مرجع حل اختلاف محسوب می شود. بنابراین دادیار ملزم نیست در رسیدگی و اتخاذ تصمیم از عقیده دادستان پیروی کند و دادستان هم نمی تواند با حکم صادر شده از سوی دادیار مخالفت کند. به علاوه در رسیدگی، دادسرا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست. شاکی می تواند تقاضا کند که دادسرا دستور توقف عملیاتی را بدهد که خوانده پس از تجاوز در ملک یا حق او شروع کرده است که در این صورت دادسرا دستور جلوگیری از عملیات را صادر می کند و این دستور تا صدور حکم نسبت به اصل دعوی به قوت خود باقی خواهد ماند.

منابع آلودگی صوتی را به نحو اجمال می توان به گروههای زیر تقسیم کرد:

(۱) صداهای ناشی از حمل و نقل اتومبیل، کشتی، قطار، هواپیما و ...

(۲) صداهای ناشی از عملیات ساختمانی

(۳) صداهای ناشی از فعالیتهای صنعتی و تجاری

(۴) صداهای ناشی از فعالیتهای روزمره

(۲) مسئول آلودگی های زیست محیطی:

به موجب بند ۸ ماده ۱ آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مسئول عبارت از هر شخص حقیقی است که اداره یا تصدی کارخانه یا کارگاهی را خواه برای خود و خواه به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص دیگر به عهده دارد و یا شخصا عامل ایجاد آلودگی از طریق وسایل نقلیه موتوری و یا منابع متفرقه می باشد.

در مورد شناسایی مسئول باید گفت اگر در مورد تعقیب اشخاصی که به نحو مستقیم عامل ایجاد آلودگی هستند ، مشکلی وجود ندارد ، پیگرد اشخاص حقوقی ممکن است همراه با مشکل باشد .

در مورد این اشخاص معمولا خود کارخانه یا کارگاه شخصی را به عنوان مسئول معرفی می کند و در غیر این صورت ، مدیر عامل یا رئیس شخص حقوقی بر حسب مورد ممکن است مسئول شناخته شود . در کارخانه ها یا کارگاههایی که بدون رعایت مقررات قانون تجارت (در خصوص شرکتها) تشکیل می شوند ، چنانچه مسئولی از طرف خود کارخانه یا کارگاه معرفی نشود صاحب پروانه آن کارخانه یا کارگاه مسئول شناخته می شود . بر طبق قانون این مسئولان مکلفند در صورت تغییر محل یا نام کارخانه و یا کارگاه و همچنین تغییر محل اقامت قانونی خود بلافاصله مراتب را به صورت کتبی به سازمان حفاظت محیط زیست اعلام دارند در غیر این صورت آخرین مدارک موجود در سازمان ، مناط اعتبار خواهد بود.

بر اساس تصویبنامه شماره ۱۰۴ شورای عالی حفاظت محیط زیست ، سازندگان اتومبیلهای بنزینی مکلفند تا تاریخ لازم الاجرا شدن استانداردهای مذکور در ماده ۱ این تصویبنامه دستگاههای لازم برای اندازه گیری و کنترل گازهای خروجی اتومبیل را در کارخانجات خود نصب و آماده بهره برداری کنند وگرنه مسئول شناخته شده و طبق مقررات با آنها رفتار خواهد شد.

(۳) نحوه برخورد سازمان حفاظت محیط زیست:

مسئول یا مسئولان واحدهای صنعتی و تولیدی موظفند به پرسشنامه ای که توسط سازمان حفاظت محیط زیست برای آنها ارسال می شود پاسخ داده ، اطلاعات و مدارک مورد نیاز را در اختیار سازمان قراردهند . در اجرای این وظیفه ، سازمان می تواند از همکاری سایر وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی ذی ربط برخوردار شود.

پس از بررسی پرسشنامه و مدارک و اطلاعات داده شده ، سازمان نوع و میزان آلودگی را مشخص کرده چنانچه میزان آلودگی بیش از حد مجاز باشد به طور کتبی به مسئول آلودگی اخطار خواهد کرد . در این اخطار به باید نوع آلودگی و میزان آن درج و راهنماییهای لازم برای جلوگیری از آلودگی با توجه به استانداردهای تعیین شده ذکر شود . همچنین سازمان در هر مورد برای رفع آلودگی مهلتی را تعیین و به مسئول آلودگی اعلام می کند که البته در مورد کارخانجات و کارگاهها ، این مهلت با توافق وزارت تجارت ، صنایع و معادن تعیین خواهد شد .

اگر صاحب یا مسئول واحد صنعتی که موجب آلودگی شده است با دلایل و مدارک موجه ثابت کند که رفع آلودگی در مهلت مقرر ممکن نیست، سازمان می تواند فقط برای یک بار مهلت دیگری به او بدهد و هر گاه در مهلت تعیین شده موجبات رفع آلودگی فراهم نشود، از فعالیت واحد صنعتی مربوط تا رفع آلودگی ممانعت میشود. در مواردی که سازمان بر مبنای دلایل کافی تشخیص دهد که کاهش یا از بین بردن آلودگی هوا، ناشی از منابع موجود از طرق دیگر بجز انتقال برخی از آنها به نقاط مناسب امکانپذیر نمی باشد، طرحی در این مورد با همکاری و کسب نظر سازمانها و موسسات ذی ربط تهیه و با تایید شورای عالی حفاظت محیط زیست، پس از تصویب هیات وزیران، به مورد اجرا خواهد گذاشت (ماده ۹ ایین نامه جلوگیری از آلودگی هوا)

در تمام موارد، سازمان برای کاهش یا جلوگیری از آلودگی هوا، روشهای مناسبی را پس از کسب نظر سازمانهای ذی ربط و تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست الزامی خواهد کرد اما چنانچه مسئولان آلودگی اثبات کنند که با استفاده از راههای دیگر می توان آلودگی را رفع کرد نیازی به استفاده از روشهای سازمان برای کاهش یا جلوگیری از آلودگی نیست (ماده ۱۰) سازمان می تواند هر زمان که لازم بداند منابع آلوده کننده را برای حصول اطمینان از رعایت مفاد قانون و مقررات مربوط به حفاظت و بهسازی محیط زیست بازرسی کند و چنانچه بازرسی هر یک از منابع مذکور بر طبق قوانین دیگر مستلزم کسب اجازه از دادستانی باشد به اخذ نمایندگی اقدام خواهد کرد اما در موارد اضطراری که خطرهای ناشی از آلودگی برای موجودات زنده و انسان جدی است سازمان می تواند وارد عمل شود و مراتب را ظرف ۴۸ ساعت به طور کتبی به دادستان محل یا جانشین او اطلاع دهد (ماده ۱۱)

هنگام بازرسی از منابع مذکور، ماموران سازمان می توانند از موایید که مصرف یا پخش آنها در هوای آزاد و در محیط در آلودگی موثر است، نمونه برداری کند. (ماده ۱۲)

هر گاه هنگام بازرسی، مسئول و یا هر شخص دیگری به طور مستقیم یا غیر مستقیم مانع از انجام یافتن وظایف ماموران سازمان شود، طبق مقررات تعقیب خواهد شد (ماده ۱۳ ایین نامه جلوگیری از آلودگی هوا)

سازمان در اختطاریه خود به مسئول آلودگی، مهلتی را برای رفع آن تعیین می نماید، چنانچه در ظرف این مهلت مسئول مربوط، اقدام به رفع آلودگی نکند، به دستور سازمان از کار و فعالیت منبع آلودگی جلوگیری خواهد شد (ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست).

در اجرای این امر سازمان طی نامه ای از دادستانی محلی که واحد آلوده کننده در آن قرار دارد ، تقاضا می کند تا اقدامات لازم را برای جلوگیری از کار و فعالیت واحد آلوده کننده به عمل آورد و در اجرای این تقاضا ، دادستانی دستور ممانعت از کار و پلمب کردن واحد مذکور را صادر می کند .

مسئول آلودگی مکلف است فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل کند اما چنانچه مسئول آلودگی به این دستور توجه نکند و همچنان به فعالیتش ادامه دهد ، متخلف شناخته می شود و سازمان یا دادسرا علیه او به دادگاه کیفری ۲ محل وقوع کارخانه شکایت می کند و در صورت اثبات اتهام ، متخلف به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از پنج هزار و یک تا پنجاه هزار ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد (ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست).

کسانی که از مقررات و ضوابط مذکور در آیین نامه های موضوع ماده ۱۰ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورد جلوگیری از آلودگی یا تخریب محیط زیست تخلف کنند ، حسب مورد به جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم می شوند.

در تمام موارد یاد شده ، سازمان حسب مورد همچون شاکی یا مدعی خصوصی علیه مسئول اقدام می کند به این صورت که اگر به تبع دادستان تقاضای ضرر و زیان کند ، مدعی خصوصی است و تا زمانی که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده ، شاکی خصوصی محسوب می شود (ماده ۹ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری).

تشریفات ابلاغ اخطاریه سازمان تابع قانون آیین دادرسی مدنی است . البته باید توجه کرد که ابلاغ اخطاریه و دادن مهلت ، زمانی امکانپذیر است که نوع آلودگی سلامت انسان و سایر موجودات زنده را به طور جدی تهدید نکند و گرنه رئیس سازمان می توان بدون ابلاغ خطر قبلی ، دستور ممانعت از ادامه کار و فعالیت منع آلوده کننده را صادر کند(تبصره ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست).

اگر مسئول آلودگی به اخطار یا دستور سازمان معترض باشد می تواند به دادگاه حقوقی محل شکایت کند . دادگاه مذکور فوراً و خارج از نوبت به این شکایت رسیدگی می کند و اگر آن را وارد تشخیص دهد حکم ابطال اخطار یا رفع ممانعت از کار را صادر خواهد کرد . این رای قطعی است (ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست) ولی اگر تخلف مسئول در دادگاه ثابت شود بر حسب مورد به شرح زیر به جزای نقدی محکوم خواهد شد:

(۱) مسئولان کارخانجات و کارگاهها برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال (ماده ۲۹)

(۲) مسئولان الودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی و همچنین عاملان الودگی صوتی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال (ماده ۳۲)

(۳) صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی .. به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصد زهرا ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی (ماده ۳۱)

(۴) افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیر مجاز تردد می نمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد هزار ریال بنا بر تعداد سیلندر ، حجم موتور ، میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم محکوم خواهند شد ، ضمناً از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مذکور تا رفع موجبان الودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد (ماده ۲۸)

(۵) کسانی که از انجام بازرسی ماموران سازمان حفاظت محیط زیست برای نمونه برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و کارگاهها منابع تجاری بهداشتی و اماکن عمومی ممانعت به عمل آورده و یا اسناد و مدارک و اطلاعات مورد نیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع ارائه نمایند ، بر حسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا سه ماه و جزای نقدی مذکور (ماده ۳۰)

(۶) هر وسیله نقلیه موتوری که به کار گرفته می شود باید دارای گواهینامه مخصوص مبنی بر رعایت حد مجاز خروجی آلوده کننده های هوا باشد . دارندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیط زیست که توسط شهرداریها ایجاد می گردد ، تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهینامه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی را دریافت کنند . در غیر این صورت از تردد وسایل نقلیه فاقد گواهینامه مذکور به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می شود ، جلوگیری خواهد شد ... (ماده ۵)

(۴) نقش سازمان حفاظت محیط زیست در ایجاد واحدهای صنعتی:

صنایع از مهمترین عوامل پیشرفت اقتصادی است. واحدهای صنعتی علاوه بر اینکه سطح تولید را افزایش می دهند با جذب سرمایه های سرگردان باعث ایجاد اشتغال، کاهش بیکاری و تورم، و رونق اقتصادی می شوند اما این واحدهای صنعتی از منابع عمده آلودگی نیز به شمار می روند. دو ویژگی متضاد صنایع، قانونگذار را بر آن داشته تا قوانینی وضع کند که هم باعث رکود صنایع و از کار افتادن آنها نشود و هم آلوده شدن بی رویه محیط زیست توسط آنها را کنترل کند زیرا هر جامعه ای علاوه بر نیازش به تولید و اشتغال و پیشرفت اقتصادی، به محیطی پاکیزه و قابل زیست نیز احتیاج دارد و به این علت در کنار ایجاد واحدهای صنعتی، مسائل زیست محیطی نیز باید در نظر گرفته شود چرا که این دو امر در حقیقت لازم و ملزوم یکدیگرند. انسان پیشرفت اقتصادی را برای رسیدن به رفاه و آسایش می خواهد اما اگر بر اثر آلودگیهای ناشی از فعالیت واحدهای صنعتی سلامتی و در نتیجه آسایش و رفاهش به خطر افتد پیشرفت اقتصادی برای او سودمند نیست. از سوی دیگر عواقب ناشی از آلودگی بر پیشرفت اقتصادی نیز اثری زیانبار دارد به این معنا که هر چه برآلودگی افزوده می شود سلامت انسان بیشتر به خطر می افتد و در نتیجه بازدهی کاری و فکری او نیز کاهش می یابد. بنابراین در هر شرایط باید به امور زیست محیطی در کنار پیشرفت اقتصادی و تاسیس واحدهای صنعتی توجه خاصی شود. به این علت، قانونگذار وظایف حساس و مهمی را درباره ایجاد و تاسیس واحدهای صنعتی به عهده سازمان حفاظت محیط زیست قرار داده است تا با همکاری وزارت صنایع آنها را به انجام برساند.

(۱-۴) مراحل ایجاد یک واحد صنعتی:

پیش از تاریخ ۱۳۷۲/۶/۲ برای ایجاد یک واحد صنعتی بایست سه مرحله، تحت نظارت سازمان حفاظت محیط زیست طی می شد مرحله صدور موافقت اصولی مرحله صدور پروانه تاسیس و مرحله بهره برداری اما بر اساس مصوبه ۱۳۷۲/۶/۲ این مراحل به دو مرحله صدور جواز تاسیس و صدور پروانه بهره برداری کاهش یافت.

(۱-۱-۴) صدور جواز تاسیس:

در این مرحله متقاضی تاسیس واحد صنعتی طرح خود را برای بررسی به وزارت تجارت، صنایع و معادن می دهد. بر اساس مصوبه شورای عالی اداری کشور مراجع صادر کننده مجوزهای صنعتی موظفند ظرف ۷ روز اداری نسبت به طرح مذکور اظهار نظر کرده آن را بپذیرند یا رد کند. چنانچه نظر موافق نسبت به آن داشته باشند نسبت به صدور جواز تاسیس اقدام

کرده و یک نسخه از جواز مذکور را برای اطلاع و اقدامات مقتضی به سایر دستگاههای دولتی ذی ربط که از آن جمله سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت تعاون، کار و تامین اجتماعی است ارسال کنند.

سازمان حفاظت محیط زیست بررسی می کند که آیا در انتخاب محل استقرار واحد صنعتی و نحوه بهره برداری از صنعتی که قرار است ایجاد شود، ضوابط زیست محیطی مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست رعایت شده یا نه. سازمان همچنین درباره هر فعالیت صنعتی که متضمن آثار زیست محیطی است فهرستی تهیه می کند و آن را به مراجع صادر کننده مجوزهای صنعتی اعلام میدارد.

وزارت تعاون، کار و تامین اجتماعی نیز بررسی می کند که آیا ضوابط و مقررات لازم الرعایه مربوط به حفاظت و بهداشت کار رعایت شده است یا خیر و نتیجه بررسی اش را به مراجع صادر کننده مجوز اعلام می کند.

علاوه بر این، سازمان حفاظت محیط زیست همزمان با طی شدن مراحل تاسیس واحد صنعتی، بر اجرا شدن ضوابط زیست محیطی از سوی متقاضی نظارت می کند و در صورت مشاهده هر گونه تخلفی برای جلوگیری از ادامه فعالیتهايش اقدام قانونی خواهد کرد. همچنین مراجع صدور جواز تاسیس موظفند هنگام صدور جواز تاسیس متقاضیان را نسبت به استانداردها و ضوابط زیست محیطی اعلام شده از سوی سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت تعاون، کار و تامین اجتماعی آگاه کنند. هر گاه پس از صدور جواز تاسیس استانداردها و ضوابط زیست محیطی رعایت شود، به متقاضی با رعایت شرایط خاص پروانه بهره برداری داده خواهد شد.

(۲-۱-۴) صدور پروانه بهره برداری:

هنگامی که کلیه عملیات ساختمانی و تاسیساتی واحد صنعتی به نحو کامل به اتمام رسید و واحد برای بهره برداری آماده شد، اداره کل صنایع پروانه برای آن پروانه بهره برداری صادر می کند. در این مرحله نیز هر گاه بازرسان مشاهده کنند که واحد مذکور ضوابط زیست محیطی را رعایت نکرده از صدور پروانه بهره برداری برای آن واحد صنعتی خود داری خواهد شد.

مطابق قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۲۸ و تبصره یک ماده ۱۷ آیین نامه اجرایی آن کارخانجات و کارگاهها موظفند یک در هزار فروش تولیدات و عرضه خدمات خود را در هر

سال به حساب جداگانه ای واریز و از محل وجوه این حساب هزینه هیا مربوط به مواردی را که در این نامه پیش بینی شده است پرداخت کند. این موارد عبارتند از :

(۱) نصب دستگاهها و ایستگاههای اندازه گیری و کنترل الودگی هوا یا ایجاد آزمایشگاه و سیستمهای آزمایش اب و فاضلاب

(۲) انجام مطالعات و تحقیقات کاربردی جهت پیشگیری و کنترل الودگی ناشی از فعالیت منابع الوده کننده یا تولیدات با نظارت و در قالب طرحهای مورد تایید سازمان

(۳) تهیه و تامین تجهیزات و وسایل مناسب برای پیشگیری و جلوگیری موثر از الودگی تحت نظارت سازمان کارگاه ها و کارخانه ها همچنین می توانند منفردا یا مجتمعا و یا در چهار چوب شهرکهای صنعتی با استفاده از وجوه مذکور و تحت نظارت سازمان در خصوص تهیه و تامین تجهیزات و امکانات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگیها و جبران زیان ناشی از آنها و نیز پرداخت هزینه های کارشناسی و خدمات فنی رفع آلودگی و ایجاد فضای سبز اقدام کنند) ماده (۶) . کارخانه ها و کارگاههایی که بعد از این راه اندازی می شوند موظفند قبل از شروع بهره برداری و فروش تولیدات خود نسبت به اعمال زیست محیطی از قبیل نصب الکترو فیلتر و دستگاه تصفیه فاضلاب و دستگاههای کنترل الودگی و نیز ایجاد فضای سبز از محل وجوه حاصل از یک در هزار فروش تولیدات و عرضه خدمات خود اقدام کند.

کارخانه ها و کارگاهها همچنین باید برای رفع یا کاهش آلودگی و جبران خسارتی که به محیط زیست منطقه یا استان یا شهری که در آن هستند ، وارد کرده اند با سازمان همکاری و بر مبنای سهمی که برای آنها تعیین می شود در پرداخت هزینه مشارکت کنند . این هزینه ابتدا از محل مازاد وجوه یک در هزار تامین خواهد شد و در صورت عدم کفایت این وجوه جبران خسارات مطابق مقررات مربوط به عمل خواهد آمد.

طرحهای مربوط به این امر را کمیسیون مرکب از مدیران کل وزارت راه و شهر سازی ، تجارت ، صنایع و معادن ، نیرو ، جهاد کشاورزی ، مدیریت و برنامه ریزی استان و حفاظت محیط زیست تهیه و تصویب خواهد کرد .

در مودر زیبا سازی و ایجاد فضای سبز ، سازمان بر اساس شرایط محلی و موقعیت استقرار کارخانجات و کارگاهها نحوه فعالیت را تعیین و به واحدهای صنعتی اعلام خواهد کرد . این اشخاص موظفند بر اساس طرحها و دستورالعملهای تعیین شده در موعدهای مقرر نسبت به ایجاد فضای سبز و زیبا سازی محیط اقدام کنند . ایجاد فضاهای سبز داخل در محدوده خدمات شهری ، بر اساس طرحهای کمیسیون مذکور در قانون تاسیس شورای عالی شهر سازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ صورت می گیرد (تبصره یک ماده ۹ ایین نامه اجرایی تبصره ۱۳ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران). بر طبق تبصره ۲ همین ماده میزان فضای سبز مورد نیاز کارخانجات و کارگاههایی که بیش از یک هکتار زمین در اختیار دارند حداکثر ۲۵ درصد مساحت کل آنهاست.

اولویت در مصرف هزینه های مربوط به رفع آلودگی و ایجاد فضای سبز بر حسب منطقه و رشته تولیدی کارخانجات و کارگاهها توسط سازمان تعیین و به آنها اعلام خواهد شد . هر زمان که لازم تشخیص داده شود سازمان از صنایع آلوده کننده بازدید به عمل می آورد و بر نحوه انجام تکالیف مقرر در این ایین نامه نظارت خواهد نمود . در این صورت مسئولان و صاحبان صنایع موظف به همکاری با کارشناسان و مامورین سازمان هستند و در صورت درخواست باید اطلاعات و مدارک مورد نیاز را همچنان که قبلا ذکر آن رفت در اختیار سازمان قرار دهند.

(۲-۴) خود داری سازمان حفاظت محیط زیست از صدور پروانه بهره برداری:

اگر سازمان محیط زیست به هر علتی از ارائه گواهی پروانه اشتغال خودداری کند ، تکلیف چیست ؟ در این حالت ، ذی نفع می تواند به دادگاه صالح مراجعه و الزام سازمان را به صدور این گواهی بخواند .

۲۰ - سازمان شیلات ایران:

الف - تاریخچه :

بهره برداری از سواحل جنوبی دریای خزر به صورت اجاره ای - سالانه از سال ۱۲۱۹ شمسی (زمان سلطنت محمد شاه قاجار) آغاز شد. این نظام حقوقی در بهره برداری به مدت ۸۰ سال تا ۱۲۹۹ شمسی ادامه داشته است. تا زمان محمد شاه، حاکمان هر منطقه به میل خود رودخانه ها و دریا را به اتباع روسیه اجاره می دادند. اما از سال ۱۲۱۵ هجری شمسی این اختیار با فرمان محمد شاه لغو شد. در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی بین دولت های ایران و شوروی سابق پیمانی جهت تاسیس شرکت مختلط برای صید ماهی در سواحل جنوب دریای مازندران منعقد شد و سایر رودخانه های داخلی در اختیار وزارت دارائی قرار گرفت که به طور سالانه از طریق مزایده اجاره داده می شد. در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی شرکت شیلات توسط دکتر محمد مصدق ، نخست وزیر وقت ، ملی اعلام گردید و به عنوان شیلات ایران نامگذاری شد. این تشکیلات اولین ساختار سازمانی رسمی ماهیگیری کشور بود و به همین دلیل شیلات ایران نامیده شد.

تا سال ۱۳۳۲ {اعلام ملی شدن شیلات} فعالیتهای شیلات براساس قراردادهای ایران و روسیه انجام و رودخانه های شمال نیز تحت اختیار وزارت دارایی بوده و از طریق مزایده واگذار می شدند.

با تشکیل وزارت منابع طبیعی در دی ماه ۱۳۴۶ شیلات ایران به این وزارتخانه وابسته شد و بعد از انحلال وزارتخانه مذکور امور شیلات به وظایف وزارت کشاورزی افزوده گردید.

نخستین آئین نامه صید در دریای خزر در سال ۱۳۳۲ پس از ملی شدن شرکت شیلات ایران تدوین و اجرا گردید که عمدتاً مشتمل بر تعیین فصول مجاز و ممنوعه صید و تعیین مناطق مجاز صیادی بود.

اولین فعالیت دولتی در زمینه آبیان با همکاری پروفیسور بلگواد دانمارکی در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی بر روی ماهیان جنوب انجام شد. در سال ۱۳۲۸ این کار توسط دکتر پطرسن دانمارکی ادامه یافت.

طی سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۵ هجری شمسی یک شرکت ژاپنی مطالعاتی را در خصوص توسعه ماهیگیری جنوب در خصوص انواع آبیان خلیج فارس به ویژه ماهی و میگو انجام داد و در نتیجه مشخص شد بهره برداری از منابع آبی خلیج فارس در تمام مدت سال امکان پذیر است. در سال ۱۳۳۵ سازمان برنامه و بودجه شرکت ماهیگیری خلیج فارس را با مشارکت ژاپنی ها تحت عنوان " ماهیگیری خلیج فارس " تاسیس گردید که ژاپن سهامدار آن بود سپس در سال ۱۳۳۶ تمامی سهام این شرکت به سازمان برنامه انتقال یافت.

در شهریور ۱۳۴۰ در اجرای قانون شیلات ایران و تقاضای وزارت دارایی و موافقت سازمان برنامه و تصویب هیئت دولت، این شرکت به شیلات منتقل و در نهایت منجر به تشکیل شرکت سهامی شیلات جنوب به سهامداری وزارت دارایی، وزارت جنگ، شیر خورشید سرخ و بانک تعاون کشاورزی در سال ۱۳۴۲ گردید..

شرکت سهامی شیلات جنوب با مشارکت تعدادی از وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی تاسیس و با ایجاد ناوگان صیادی و چندین اسکله و مجتمع عمل آوری شیلاتی در جهت گسترش فعالیتهای صیادی اقدام نمود.

در سال ۱۳۴۳ نخستین آئین نامه صید در رابطه با فعالیتهای صیادی در جنوب کشور (خلیج فارس و دریای عمان

و رودخانه های تابعه) مشتمل بر محدودیت های فصلی، مکانی و ابزاری تدوین یافت.

اولین بار در سال ۱۳۰۱ تولید و رها سازی ۳ میلیون قطعه بچه ماهی جهت رها سازی در دریای مازندران انجام شد.

طی سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ جهت حفظ ذخایر با ارزش ماهیان خاویاری و تکثیر و پرورش کپور ماهیان، کارگاه تکثیر و پرورش ماهیان سد سنگسر و ایستگاه تکثیر و پرورش پل آستانه تاسیس شد.

پس از انقلاب اسلامی با ادغام شرکت های شمال و جنوب و تشکیل شرکت سهامی شیلات ایران تحت پوشش وزارت کشاورزی حوزه نظارت و فعالیت دولت به تمامی جنبه های شیلاتی کشور از جمله آبهای داخلی و تکثیر و پرورش آبزیان گسترش یافت.

در سال ۱۳۶۱ بر اساس مصوبه شورای انقلاب شرکتهای شیلات شمال و جنوب ادغام شده در معاونت امور شیلات و آبزیان وزارت کشاورزی، با نام شرکت سهامی شیلات ایران تشکیل گردید.

در شهریور ماه سال ۱۳۶۶ به پیشنهاد سران سه قوه و موافقت رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) شرکت سهامی شیلات ایران از وزارت کشاورزی منتزع و به وزارت جهاد سازندگی الحاق گردید.

سازمان تحقیقات شیلات ایران در سال ۱۳۶۹ تشکیل شد.

قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۴ / ۶ / ۱۳۷۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۲۲ / ۶ / ۱۳۷۴ به تایید شورای نگهبان رسید.

آئین نامه اجرایی قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران نیز در تاریخ ۲۵ / ۲ / ۱۳۷۸ هیات وزیران به تصویب رسید.

در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ موسسه تحقیقات بین المللی ماهیان خاویاری دکتر دادمان توسط آقای هاشمی رفسنجانی افتتاح شد.

در سال ۱۳۷۴ نام سازمان تحقیقات و آموزش شیلات ایران به موسسه تحقیقات شیلات ایران تغییر یافت.

تشکیل وزارت جهاد کشاورزی از ادغام دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی در سال ۱۳۷۹ و قرار گرفتن شیلات ایران در وزارتخانه جدید

انتزاع موسسه تحقیقات شیلات در سال ۱۳۸۱ از شرکت سهامی شیلات ایران منتزع و به سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی الحاق شد.

اساسنامه موسسه تحقیقات شیلات ایران توسط شورای گسترش آموزش عالی در تاریخ ۱ / ۱۲ / ۱۳۸۱ به تصویب رسید.

و بالاخره تصویب قانونی مشتمل بر ماده واحده و ده تبصره در تاریخ ۳۰ / ۲ / ۱۳۸۳ توسط نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی و تائید شورای نگهبان مورخ ۹ / ۳ / ۱۳۸۳ شرکت سهامی شیلات ایران به " سازمان شیلات ایران " تغییر یافت. بر اساس این قانون، شیلات که همچنان از مجموعه های وزارت جهاد کشاورزی محسوب خواهد شد از تاریخ ۱ / ۱ / ۱۳۸۴ به صورت سازمان اداره می شود. رئیس سازمان توسط وزیر جهاد کشاورزی منصوب و به عنوان معاون وزیر خواهد بود.

فروش خاویار همچنان در انحصار شیلات است و این وظیفه در قالب یک شرکت دولتی و وابسته به شرکت مادر تخصصی کشاورزی انجام خواهد شد.

ب - اهداف و وظایف سازمان شیلات ایران:

در این رابطه به قانون تاسیس شیلات ایران (مصوب ۸۳/۳/۱۷) و اساسنامه سازمان شیلات ایران (مصوب ۸۴/۶/۱۲) و شرح وظایف سازمان شیلات ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴ پرداخته می شود:

(۱) قانون تاسیس شیلات ایران (مصوب ۸۳/۳/۱۷)

ماده واحده: به منظور حفظ و حراست از ذخائر و منابع آبی در آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران و در اجرای وظائف ذکر شده در قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و سایر مقررات مرتبط با وظائف حاکمیتی سازمان شیلات ایران که از این پس در این قانون به اختصار «سازمان» نامیده میشود، به-عنوان یک موسسه دولتی وابسته به وزارت جهادکشاورزی تأسیس میشود.

تبصره ۱- وظائف حاکمیتی سازمان طبق قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ تعیین می‌شود.

تبصره ۲- با تصویب این قانون از ابتدای سال ۱۳۸۴ شرکت سهامی شیلات ایران و شرکتهای وابسته به آن منحل و کلیهی وظائف حاکمیتی، اختیارات، تعهدات،

امکانات، اموال، دارائی‌ها و نیروی انسانی شرکت مذکور که مرتبط با این وظائف است به سازمان منتقل می‌شود.

تبصره ۳- سازمان مجاز است برای ادای تعهدات منتقل شده از شرکت سهامی شیلات ایران نسبت به فروش اموال و امکانات مازاد خود اقدام نماید. صد در صد (۱۰۰٪) وجوه حاصله پس از واریز به حساب خزانه، در قالب قوانین بودجه سنواتی به‌همین منظور در اختیار سازمان قرار می‌گیرد.

تبصره ۴- سازمان مجاز است صرفاً در استان‌های ساحلی نسبت به ایجاد نمایندگی اقدام نماید.

تبصره ۵- فعالیت‌ها و عملیات اجرائی مربوط به صید، فرآوری، فروش و صادرات ماهیان خاویاری به‌همراه امکانات، اموال، دارائی‌ها، تعهدات و نیروی انسانی مرتبط به شرکت مادر خدمات کشاورزی

منتقل می‌گردد. معادل ارزش اموال، امکانات و دارائی‌های متعلقه به سرمایه شرکت مزبور افزوده می‌شود.

تبصره ۶- درآمدهای حاصل از فروش خاویار به حساب خزانه دولت واریز می‌شود.

تبصره ۷- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات مورد نیاز سازمان را به طور جداگانه در قانون بودجه کل کشور منظور نماید.

تبصره ۸- سازمان از حیث مقررات اداری، مالی و استخدامی تابع مقررات خاص وزارت جهادکشاورزی خواهد بود.

تبصره ۹- وزارت جهادکشاورزی مکلف است ظرف مدت شش ماه اساسنامه سازمان را با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند.

تبصره ۱۰- رئیس سازمان سمت معاون وزیر جهادکشاورزی را دارا خواهد بود.

(۲) اساسنامه سازمان شیلات ایران (مصوب ۸۴/۶/۱۲)

فصل اول : کلیات

ماده ۱- سازمان شیلات ایران که در این اساسنامه به اختصار « سازمان » نامیده می‌شود، موسسه دولتی وابسته به وزارت جهادکشاورزی است که به منظور اجرای اهداف و وظائف حاکمیتی مندرج در قانون حفاظت از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ و سایر قوانین و مقررات مرتبط با وظائف حاکمیتی سازمان تأسیس و براساس مفاد این اساسنامه اداره خواهد شد.

ماده ۲- سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و در چارچوب قوانین و مقررات مالی، اداری و استخدامی وزارت جهادکشاورزی اداره شده و دارای استقلال مالی و اداری است.

ماده ۳- سازمان مجاز است صرفاً در استان‌های ساحلی نسبت به ایجاد واحد سازمانی متناسب با حجم، قلمرو و فعالیت‌های آنها و بر اساس ضوابط و معیارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نماید.

فصل دوم : اهداف و وظائف

ماده ۴- اهداف سازمان عبارت است از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت برای بهره‌برداری پایدار از ذخائر و منابع آبی کشور، حفاظت از منابع آبی و بازسازی موثر ذخائر موجود، توسعه مدیریت و نگهداری زیرساخت‌های صیادی و آبی‌پروری، ارتقاء بهره‌وری منابع و عوامل تولید در آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران.

ماده ۵- وظائف سازمان در چارچوب وظائف حاکمیتی قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ و در چارچوب اهداف مذکور در ماده ۴ این اساسنامه با پیشنهاد وزارت جهادکشاورزی به تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌رسد.

فصل سوم : وظائف و اختیارات رئیس سازمان

ماده ۶- رئیس سازمان بالاترین مقام اجرایی « سازمان » است که سمت معاون وزیر جهادکشاورزی را دارا بوده و با حکم وزیر منصوب می‌شود. وی مسئول حسن انجام امور سازمان در قالب مفاد این اساسنامه و اجرای قوانین و مقررات ذی‌ربط و حفظ حقوق، منافع و اموال سازمان می‌باشد.

ماده ۷ - وظائف و اختیارات رئیس سازمان به شرح ذیل می‌باشد :

- ۱- تهیه بودجه سالانه سازمان و نظارت بر حسن اجرای آن و انجام کلیه امور مالی، اداری، استخدامی، تشکیلاتی و اجرایی در چارچوب قوانین و مقررات مربوط.
 - ۲- انجام هر گونه معامله، ایجاد تعهد و عقد هر نوع قرارداد و مبادله موافقت‌نامه‌های مورد نیاز به منظور پیشبرد اهداف سازمان با رعایت سایر قوانین و مقررات مرتبط.
 - ۳- تدوین چشم اندازها و تهیه برنامه‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت برای اجرای وظائف سازمان و در چارچوب برنامه‌های وزارت جهادکشاورزی.
 - ۴- تهیه و پیشنهاد لوایح قانونی و تدوین دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و شیوه‌نامه‌های مورد نیاز سازمان و کلیه واحدهای استانی تابعه.
 - ۵- استیفای منافع، طرح دعاوی و دفاع از حقوق و اهداف سازمان در دادگاه‌ها و مراجع صالح قضایی و قانونی اصالتاً یا توسط وکیل با حق توکیل غیر.
- تبصره - رئیس سازمان می‌تواند بخشی از اختیارات خود را با مسئولیت خود به هر یک از کارکنان سازمان تفویض نماید. تفویض اختیارات انجام شده نافی مسئولیت رئیس سازمان نخواهد بود.

فصل چهارم : سایر مقررات

- ماده ۸- کلیه قراردادهای، اوراق مالی، اسناد تعهد آور و چک‌های صادره در مرکز با امضاء رئیس سازمان یا افراد مجاز از طرف وی و در واحدهای استانی تابعه با امضاء مسئول واحد استانی معتبر خواهد بود.
 - تبصره - چک‌ها، اسناد و اوراق مالی علاوه بر امضای افراد یاد شده باید توسط مسئول امور مالی سازمان در مرکز یا واحدهای سازمانی مستقر در استان‌های ساحلی حسب مورد امضاء شود.
- این اساس‌نامه به‌موجب نامه شماره ۸۴/۳۰/۱۲۹۷۵ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۷ شورای نگهبان به‌تائید شورای یاد شده رسیده است.

۱- شرح وظایف سازمان شـیلات ایـران مصـوب آذرماه ۱۳۸۴

۱. انجام تمهیدات لازم به منظور اعمال مدیریت صید و مقررات مربوط به آن، حفاظت منابع، بازسازی ذخایر، بهسازی

محیط زیست آبریان و آبریز دار کردن اقتصادی آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران .

۲. سیاست‌گذاری، تعیین راهبردها، تدوین برنامه‌ها و راهکارهای اجرایی توسعه فعالیت‌های سازمان در چارچوب برنامه‌های

توسعه کشور .

۳. شناسایی قابلیت‌ها و نیازمندی‌های توسعه صید و صیادی، آبی پروری و صنایع جانبی وابسته در مناطق مختلف کشور و در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه .
۴. انجام بررسی‌های لازم در جهت توسعه و بهبود فعالیت‌های شیلاتی کشور، شناسایی یافته‌ها و فن‌آوری‌های جدید و توسعه و تعمیم آن‌ها .
۵. انجام تمهیدات لازم به‌منظور ارتقاء و بهبود کیفیت و فرآوری و عرضه آبزیان .
۶. ترغیب و حمایت از تشکیل تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها، شرکت‌ها و تشکل‌های مرتبط با صید و پرورش آبزیان با رعایت قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی و سایر مقررات مربوطه .
۷. حمایت از فعالیت‌های صید و صیادی، آبی پروری، عمل‌آوری و صادرات و واردات آبزیان از طریق تشویق و مشارکت بخش غیردولتی .
۸. انجام تمهیدات لازم به‌منظور ایجاد فرصت‌های شغلی در جهت افزایش اشتغال و تأمین پروتئین مورد نیاز کشور .
۹. نظارت بر امور مربوط به واردات شناورها و آلات و ادوات صیادی و آبی پروری در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه .
۱۰. نظارت، هدایت، امکان‌سنجی و بسترسازی لازم در زمینه مدیریت آبی پروری و صیادی، بهبود فعالیت‌های مربوط به حمل و نقل، بازاریابی، خرید و فروش، عمل‌آوری و بیمه فرآورده‌های شیلاتی .
۱۱. صدور مجوزهای مرتبط با پرورش و برداشت آبزیان و فعالیت‌های صید و صیادی و عمل‌آوری آبزیان در آب‌های حوزه فعالیت سازمان .
۱۲. نظارت بر تأسیس، توسعه، نگهداری و مدیریت بنادر صیادی با رعایت وظایف سایر ارگان‌ها .
۱۳. نظارت بر فعالیت‌های مربوط به شناورهای صیادی خارجی و شناورهای صیادی داخلی در آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران براساس قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی .
۱۴. برنامه ریزی به منظور تکثیر و حفاظت طبیعی آبزیان و بازسازی ذخایر و منابع آبزیان در آب‌های حوزه فعالیت سازمان .
۱۵. تعیین گونه‌های، مناطق حساس شیلاتی و زمان‌های ممنوعه صید آبزیان در چارچوب طرح مدیریت ذخایر آب‌های حوزه فعالیت سازمان .
۱۶. حفظ و حمایت از ذخایر آبی و منابع ژنتیکی آبزیان در چارچوب برنامه‌های زیست‌محیطی .
۱۷. انجام اقدامات مؤثر و لازم به منظور حفاظت از منابع آبزیان در آب‌های حوزه فعالیت سازمان با هماهنگی، همکاری و مشارکت نیروهای انتظامی و مردمی .
۱۸. برنامه‌ریزی و هدایت سیستم جمع‌آوری و پردازش آمار و اطلاعات صید، اقتصاد صید و بیومتری آبزیان در چارچوب اهداف مربوطه و تعیین روند صید و الگوی بهره‌برداری از ذخایر مختلف آبزیان .

۱۹. برنامه‌ریزی در جهت توسعه پایدار آبی پروری و بهبود مدیریت تولید و پرورش آبزیان در کشور .

۲۰. تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای فعالیتهای صیادی، آبی‌پروری، عمل‌آوری و سایر فعالیتهای مرتبط با هماهنگی

مراجع ذیربط .

۲۱. انجام سایر وظایف و اختیارات حاکمیتی که به موجب قوانین و مقررات مربوطه به عهده سازمان محول شده است.

ج - نمودار تشکیلاتی سازمان شیلات ایران:



ه - قوانین و مقررات سازمان شیلات ایران:

مهمترین قانون مورد استفاده سازمان شیلات ایران ، قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل می باشد:

قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱- منابع آبی آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران ثروت ملی کشور بوده، حفظ و حراست آن از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران می باشد. مدیریت حفاظت و بهره برداری این منابع در جهت تامین منافع ملی کشور براساس این قانون و مقررات اجرایی آن اعمال می گردد.

ماده ۲- قلمرو اجرایی این قانون و مقررات اجرایی آن، بجز مواردی که در این قانون تصریح شده است، کلیه آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اعم از آبهای داخلی، مرزی و دریایی می باشد.

ماده ۳- شرکت سهامی شیلات ایران به منظور افزایش کمی و کیفی تولید محصولات آبی، حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بخش شیلات و آبیان و مدیریت ، توسعه و بهره برداری منابع موجود اقدامات زیر را انجام می دهد:

۱- انجام تحقیقات علمی و کاربردی پیرامون موضوعات مرتبط با آبیان از قبیل : حیات، گونه های قابل بهره برداری، محیط زیست، میزان منابع، حفاظت و مدیریت ذخایر موجود در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون.

۲- انجام تحقیقات و اقدامات لازم پیرامون صید ونحوه بهره برداری، تکثیر و پرورش آبیان و عمل آوری محصولات آبی.

۳- انجام اقدامات مربوط به مدیریت صید و اعمال مقررات مربوط به آن، حفاظت منابع، بازسازی ذخایر موجود بهسازی محیط زیست آبیان و آبی دار کردن اقتصادی آبهای موضوع ماده ۲ این قانون.

۴- تاسیس، توسعه، نگهداری و مدیریت بنادر صیادی با رعایت وظایف سایر ارگانها.

۵- هدایت و نظارت بر کلیه فعالیتهای صیادی، تکثیر و پرورش آبیان، عمل آوری، صادرات و واردات آبیان توسط

اشخاص حقیقی و حقوقی.

۶- تشویق و حمایت فعالیتهای صید و صیادی، تولید و پرورش آبزیان و صنایع تبدیلی آبزیان از طریق انجام مطالعات، ارائه آموزش و ترویج و خدمات فنی و مشاوره ای .

تبصره: وظایف و اختیارات شرکت سهامی شیلات ایران در این قانون نافذ و وظایف و اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست نخواهد بود.

ماده ۴- صید و فرآورده های عمل آوری شده بر روی شناورهای صیادی در آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران در حکم تولیدات داخلی محسوب می گردد و صدور آن تابع مقررات صادرات و واردات کشور می باشد.

ماده ۵- ثبت شناور ماهیگیری توسط سازمان بنادر و کشتیرانی منوط به موافقت کتبی شرکت سهامی شیلات ایران می باشد.

ماده ۶- هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی تواند بدون کسب پروانه معتبر مبادرت به بهره برداری آبزیان در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون نماید. شرایط صدور، تعلیق، ابطال، مدت اعتبار و نحوه تمدید و انتقال کلی یا جزئی و میزان تعرفه پروانه صید براساس آئین نامه اجرایی این قانون تعیین می گردد.

ماده ۷- میزان تعرفه مربوط به شناورهای خارجی که وفق ضوابط مقرر در این قانون اقدام به فعالیتهای صیادی در آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران می نمایند به پیشنهاد وزارت جهاد سازندگی و تصویب هیات وزیران تعیین می گردد.

ماده ۸- تعاونیها، اتحادیه ها و شرکتهای مرتبط با صید و پرورش آبزیان با رعایت قوانین و مقررات وزارت تعاون و با موافقت و نظارت شیلات تاسیس می شود.

ماده ۹- بنادر صیادی تحت سرپرستی و نظارت شیلات اداره خواهد شد.

تبصره ۱- ارائه خدمات و اداره تاسیسات بندری حسب مورد می تواند به شرکتهای تعاونی یا خصوصی واگذار شود.

تبصره ۲- شیلات مجاز است بابت حق ورود، پهلوگیری و توقف شناورها در بنادر صیادی مبالغی را براساس تعرفه هایی که به تصویب هیات وزیران می رسد، دریافت دارد.

ماده ۱۰- به منظور حمایت از صیادان ساحلی، فعالیت شناورهای صید صنعتی در داخل آبهای ساحلی جمهوری اسلامی ایران ممنوع می باشد.

ماده ۱۱- به منظور حمایت از فعالیتهای صید و صیادی:

(الف) شیلات می تواند مالکان شناورهای صید صنعتی ایرانی و خارجی را ملزم به بیمه نمودن شناورهای خود نزد بیمه گران ایرانی یا دارای نمایندگی در ایران برای جبران خسارت احتمالی وارده از جانب این شناورها در محدوده آبهای ساحلی به شناورهای صید ساحلی بنماید.

(ب) صندوق بیمه محصولات کشاورزی مکلف است نسبت به بیمه نمودن محصولات صید شده و سایر شرکتهای بیمه

نسبت به بیمه نمودن ابزار و آلات صید اقدام نماید.

(ج) شرکت سهامی شیلات ایران هنگام صدور پروانه صید و صیادی برای کلیه شناورها موظف است قبلاً بیمه نامه شناور و ابزار و ادوات را دریافت نماید.

ماده ۱۲- حمل و استفاده از ابزار و ادوات صیادی غیر مجاز و همچنین موادی از قبیل مواد منفجره، سمی و یا برقی که باعث ضعف، بیماری و یا مرگ آبزیان شوند ممنوع می باشد.

ماده ۱۳- شناورهای صیادی خارجی مجاز به صید در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون نمی باشند مگر براساس شرایط مندرج در موافقتنامه های منعقد شده مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت صاحب پرچم. صید شناورهای صیادی خارجی برای شرکتهای ایرانی که با موافقت شیلات و براساس مقررات مندرج در این قانون و سایر قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران نسبت به انعقاد قرارداد با صاحبان شناورهای صیادی خارجی اقدام نموده اند، مجاز می باشد.

ماده ۱۴- طرح مدیریت ذخایر آبهای مندرج در ماده (۲) این قانون با هدف شناسایی و معرفی ذخایر قابل بهره برداری براساس مطالعات و تحقیقات علمی شیلات تهیه می گردد. این طرح باید در برگزیده شرایط زمانی، مکانی، مقداری، روشی، گونه ای و ابزاری صید آبزیان باشد به نحوی که بهره برداری پایدار از منابع آبی را تضمین نماید.

تبصره- شیلات مکلف است پروانه صید را براساس طرح فوق صادر نماید.

ماده ۱۵- شناورهای صیادی مجاز به فعالیت در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند علایم، اسامی، حروف و شماره هایی که طبق ضوابط مندرج در مقررات اجرایی این قانون شناسایی و تعیین هویت آنها را ممکن می سازد به طور دائم در معرض دید قرار دهند.

ماده ۱۶- شناورهای صیادی مجاز به فعالیت در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون و همچنین شناورهای صیادی ایرانی فعال در خارج از آبهای موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند داده های آمار و اطلاعات مربوط به صید انجام شده را در اوراق چاپی و مدت زمان معینی که در مقررات اجرایی تعیین می شود به شرکت سهامی شیلات ایران انتقال دهند.

ماده ۱۷- انجام هرگونه فعالیت تکثیر و پرورش آبزیان با کسب مجوز از شرکت سهامی شیلات ایران توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای شرایط مندرج در این قانون و مقررات اجرایی آن هستند، مجاز می باشد.

ماده ۱۸- چنانچه ایجاد مزارع و تاسیسات تکثیر و پرورش آبزیان باعث خسارت به منابع آبی شود، صدور مجوز تکثیر و پرورش ممنوع خواهد بود. در صورتی که تاسیسات تکثیر و پرورش در معرض آلودگی یا بیماریهای مسری باشند، شیلات موظف است دستور اتخاذ تدابیر حفاظتی لازم را صادر نماید.

ماده ۱۹- اقدامات موضوع ماده (۳) شرکت سهامی شیلات ایران در آبهای داخلی (پشت سدها یا رودخانه ها) باید با هماهنگی قبلی وزارت نیرو منطبق با برنامه های استفاده از آب صورت گیرد. آبیاری دار کردن آبهای مورد استفاده برای شرب یا آبهایی که برای مصارف کشاورزی باید طبق برنامه تامین آب در زمان معین رهاشده و به مصرف برسد صرفاً پس از هماهنگی و کسب مجوز از وزارت نیرو میسر می باشد.

ماده ۲۰- ضوابط مربوط به ساخت تاسیسات عمل آوری و انجام هرگونه فعالیت عمل آوری و کنترل و نظارت بر فعالیتهای این موسسات توسط شرکت شیلات تعیین می گردد.

ماده ۲۱- بازرسی و کشف جرایم در اجرای این قانون و آئین نامه اجرایی آن از طریق انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه انجام می شود.

تبصره- حدود اختیارات و شرح وظایف مامورین نیروی انتظامی در اجرای این قانون با توجه به مقررات نیروی انتظامی تعیین خواهد شد.

ماده ۲۲-

(الف) هر شناور صیادی خارجی که بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون اقدام به انجام فعالیت صیادی در آبهای مذکور در ماده (۲) این قانون بنماید، به پرداخت جزای نقدی از دو میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال و مصادره محصولات صیادی محکوم می گردد. علاوه بر مجازات فوق الذکر دادگاه می تواند شناور صیادی، آلات و ادوات صید و سایر ابزار موجود در شناور را نیز مصادره نماید.

(ب) مرتکبین جرایم ذیل:

- ۱- انجام فعالیت صیادی اشخاص ایرانی بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون.
 - ۲- انتقال غیر مجاز محصولات صیادی از شناور به شناورهای غیر مجاز.
 - ۳- عرضه و انتقال آبریان به منظور تکثیر و پرورش آنها بدون داشتن گواهی بهداشتی
 - ۴- فروش آلات و ادوات صیادی غیر مجاز.
 - ۵- تغییر مسیر، ایجاد موانع فیزیکی واحداث هرگونه تاسیسات غیرمجاز در رودخانه هایی که به عنوان مسیرمهاجرت یا تکثیر طبیعی آبریان تعیین شده اند.
 - ۶- ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماریهای مسری و تخلیه فاضلابهای صنعتی و هرگونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبرزی شود.
- با حکم محاکم قضایی محکوم به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع تخلف، ظرفیت شناور، میزان و نوع صید) برای موارد ۱، ۲، ۳ و یا یک تا پنج میلیون ریال برای سایر موارد می شود. بعلاوه دادگاه می تواند محصولات صیادی و پرورشی و یا حاصل فروش آنها و آلات و ادوات صید و سایر ابزار و مواد به کار رفته در ارتکاب جرایم را مصادره نماید و واحد آلاینده را نیز تا رفع نقص از ادامه کار باز دارد. در صورت تکرار جرایم مقرر در این بند، دادگاه علاوه بر مجازات مقرر، آلات و ادوات صید و سایر ابزار و ادوات به کاررفته در ارتکاب جرایم مذکور را مصادره می نماید.

(ج) شرکت سهامی شیلات ایران می تواند صیادانی را که مرتکب یک یا تمام جرایم زیر شده باشند به دادگاه معرفی نماید. دادگاه نسبت به مراتب و درجات جرم مرتکبین را به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و مصادره محصولات صیادی و ابزار و آلات صید محکوم می نماید:

- ۱- صید در مناطق ممنوعه
- ۲- صید گونه هایی که صید آنها ممنوع شده است.
- ۳- صید گونه هایی که برای آنها اجازه لازم دریافت نشده است.
- ۴- فعالیت شناورهای صیادی صنعتی در مناطق صید ساحلی.
- ۵- صید با آلات و ادوات و مواد غیرمجاز و یا نگاهداری اینگونه آلات و ادوات و مواد در شناور بدون کسب مجوز از شیلات.
- ۶- حمل و نگهداری محصولات صید شده غیر مجاز در شناور.

۷- عدم ارسال اطلاعات مربوط به ماده ۱۶ این قانون و یا ارائه اطلاعات غیر واقعی مربوط به صید و فعالیتهای تکثیر و پرورش انجام شده و به ترتیب مقرر در این قانون و مقررات اجرایی آن.

۸- عدم رعایت مقررات مربوط به در معرض دید قرار دادن علایم، اسامی، حروف و شماره هایی که شناسایی یا تعیین هویت شناور را ممکن می سازد.

(د) صید، عمل آوری، عرضه، فروش، حمل و نقل، نگهداری واردات و صادرات انواع ماهیهای خاویاری و خاویار بدون اجازه شیلات ممنوع است و مرتکب و مرتکبین به جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع و میزان صید) و حبس یک تا سه ماه محکوم می شوند.

در صورت تکرار جرایم مقرر در این بند، دادگاه مرتکب یا مرتکبین را علاوه بر جزای نقدی مقرر به نودویک روز تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می نماید.

ماده ۲۳- آئین نامه های اجرایی مورد نیاز این قانون ظرف مدت ۳ ماه به پیشنهاد وزارت جهاد سازندگی با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد. قانون فوق مشتمل بر بیست و سه ماده و پنج تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ چهاردهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۴/۶/۲۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است.

۲۱- حقوق بین الملل محیط زیست و منابع طبیعی:

موافقتنامه های بین المللی محیط زیست شیوه حقوقی رایجی است که برای پاسخگویی به مسائل و مشکلات محیط زیستی فرامرزی، به کار می رود. بسیاری از توافقنامه های محیط زیستی، در بر گیرنده موضوع آلودگیهای مرز گذر محلی نظیر باران اسیدی یا منبع مادی مشترک نظیر رودخانه یا دریاچه می باشند.

به همان ترتیب که مشکلات محیط زیستی طبیعتا با شدتی هر چه تمامتر جنبه جهانی به خود می گیرند، به هر حال موافقتنامه های گسترده تری در مورد اقیانوسها، جو، آب و هوای جهانی، قطب جنوب و موجودات در معرض خطر انقراض، نقش بزرگی در حفظ محیط زیست کره زمین خواهند داشت.

الف- ایجاد موافقتنامه های بین المللی :

موافقتنامه های بین المللی در دو مرحله ایجاد می گردند:

(۱) ابتدا نمایندگان دولتها برای مذاکره پیرامون متن موافقتنامه تشکیل جلسه می دهند (۲) سپس مقامهای

مجاز دولتهای مربوط آن را مورد تصویب قرار می دهند .

در هر صورت حقوق بین الملل چگونگی دقیق روند اجرای این دو مرحله را مشخص نمی کند . منابع اولیه حاکم بر ایجاد موافقتنامه های بین المللی ، شامل کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در مورد حقوق معاهدات است و کنوانسیون وین ۱۹۸۶ در خصوص حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین المللی یا بین سازمانهای بین المللی می باشند که نخستین کنوانسیون درباره معاهدات بین دولتها و دومین کنوانسیون در مورد موافقتنامه هایی است که سازمانهای بین المللی نظیر سازمان ملل متحد طرفهای آن را تشکیل می دهند ، اما در واقعیت امر این دو کنوانسیون دارای ماهیتهای یکسانی هستند .

به موجب هر دو کنوانسیون ، دولتها و سازمانهای بین المللی صلاحیت الحاق به موافقتنامه های الزام آور را دارند اما نمی توان آنها را ملزم نمود تا موافقتنامه ای را که مورد رضایت آنها نیست بپذیرند . یک کشور یا سازمان بین المللی که درصدد انعقاد موافقتنامه ای است ابتدا باید نماینده ای معتبر جهت مذاکره پیرامون متن معتبر موافقتنامه مذکور اعزام نماید . موقعی که مذاکرات مزبور منتهی به ایجاد متنی درست و معتبر گردید ، هر یک از کشورها ممکن است رضایت خود را برای التزام به آن اعلام دارند ، که معمولا از طریق تصویب آن صورت می پذیرد و ممکن است حق الشرط هایی را نیز اعلام دارند که به موجب آنها برخی از شرایط موافقتنامه تغییر کند .

به غیر از این گونه الزامات اساسی ، کنوانسیونهای وین هیچ گونه روند خاصی را برای مذاکره یا تصویب مشخص نمی کنند . بنابراین هر دولتی در انتخاب روش خویش برای تصویب معاهدات آزاد است . با وجود چنین تنوعی در روش انجام یک موافقتنامه ممکن است قبل از اینکه دولتها به تعداد کافی آن را تصویب نموده تا لازم الاجرا گردد ، سالها به طول انجامد . هر چند که هر یک از دولتهای امضا کننده یک موافقتنامه ، تعهد دارند تا قبل از لازم الاجرا شدن آن از هر گونه اعمالی که مغایر با منظور و هدف آن موافقتنامه است خود داری نمایند ولی جزئیات چنین تعهدی همچنان در پرده ابهام است .

علاوه بر این لازم نیست که دولتهای امضا کننده اقدامات مثبتی در خصوص رعایت موافقتنامه هایی که هنوز لازم الاجرا نگردیده اند ، انجام دهند . بنابراین ، چنانچه مشکل محیط زیستی مورد نظر رو به وخامت گراید یا به شکلی غیر قابل جبران در آید ، موضوع تاخیر طولانی در تصویب معاهدات می تواند موافقتنامه های محیط زیستی را از اثر بیندازد . حتی گاهی ممکن است دولتها موضعشان را تغییر داده و از تصویب موافقتنامه ای که قبلا پیرامون آن مذاکره کرده اند ، خود داری ورزند .

ب - توافق و اجرای موافقتنامه های بین المللی محیط زیستی:

مقررات محیط زیستی در مرز کشورها توفیق نمی کنند و نباید بکنند . به دلیل اینکه هر دو موضوع آلودگی و اکوسیستم ها از مرز کشورها عبور می کنند ، بنابراین مجموعه ای از مقررات پراکنده محیط زیستی داخلی امری بی اثر و غیر کار آمد خواهد بود. منابع محیط زیستی جهانی ، نظیر جنگلهای بارانی ، که در قلمرو یک کشور قرار دارند و آن کشور حفاظت محیط زیستی اندکی را نسبت به آنها اعمال می کند ممکن است بی خود و بی جهت از بین بروند در عین حال افزایش حفاظت محیط زیستی در یک کشور ، ممکن است به سادگی آلودگی ناشی از صنایع را به کشورها دیگر منتقل کند . به خاطر امکان وجود چنین مسائلی ، انعقاد حداقل بعضی از موافقتنامه های بین المللی محیط زیستی ضروری است.

برای تنظیم و اجرای موافقتنامه های موثر محیط زیستی ، دولتها باید به طور جدی و مناسب با چند مشکل خاص محیط زیستی مقابله نمایند .

اولا به خاطر فعالیت زبانباز دولتها که غالبا اثرات برون مرزی دارند ، آنها به ندرت کل هزینه های مربوط به خسارت محیط زیستی را که خود در ایجاد آن دخیل بوده اند ، بر دوش می کشند .

بنابراین دولتها ممکن است مشکلات محیط زیستی را دست کم گرفته و یا نتیجه گیری کنند که مذاکره پیرامون موافقتنامه ها یا رضایت دادن نسبت به آنها مخارج بسیاری را به همراه خواهد داشت .

ثانیا دولتها باید از کم اهمیت جلوه دادن زیانهای محیط زیستی دراز مدت که در اثر فعالیتهای آنها ایجاد می گردند خودداری کنند .

به علت اینکه زیانهای محیط زیستی به نسلهای بعدی سرایت می ند تحلیل سنتی مبتنی بر هزینه و سود کارایی لازم را ندارد .

ثالثا ، کشورهای در حال توسعه از لحاظ تاریخی نسبت به جنب و جوشهای محیط زیستی با شک و تردید می نگرند و از این بابت نگرانند که چنین فعالیتهایی صرفا تلاش دیگری است که توسط کشورهای صنعتی جهت تحکیم منافع اقتصادیشان انجام می گردد .

رابعا موافقتنامه های محیط زیستی ، مشکلات غیر عادی را برای دولتها به همراه دارند . به علت اینکه این گونه موافقتنامه ها غالبا به نظارتهای ویژه مقررات داخلی و تخصص های علمی نیاز دارند ، ادارات و تشکیلات دولتی ممکن است منابع ، قدرت و نیروی عامل جهت انجام کامل چنین مراحل را نداشته باشند . و سرانجام اگر چه حقوق بین الملل سنتی به مقدار زیادی خود را با اقدامات بین دولتها مربوط می بیند ، ولی به هر حال این اشخاص و شرکتهای هستند که سبب ایجاد اکثر خسارات محیط زیستی می شوند نه دولتها.

همچنین معاهدات محیط زیستی با بسیاری از همان مشکلاتی که دیگر موافقتنامه های بین المللی مواجه هستند ، رو به رو می باشند . دولتها ، به واسطه دارا بودن قدرت حاکمیت ، نسبت به اعطا و تفویض هر گونه قدرت و اختیاری که در نتیجه امضای موافقتنامه ای محیط زیستی حاصل می گردد ممکن است از خود بی میلی نشان دهند . آنها ممکن است به شکلی موثر اختیاراتی را هم برای قبل و هم برای بعد از امضای یک معاهده برای خویش محفوظ دارند .

دولتها می تواند با درج شرایطی گنگ و مبهم محدود نمودن قلمرو معاهدات ، پیش بینی شروط مربوط به خروج از معاهدات و یا مستثنی کردن خود نسبت به بعضی از شرایط معاهده و نیز تاسیس اژانسهای بین المللی بی طرف یا با برقراری تسلط سیاسی بر آن اژانسها احتمال به تصویب رساندن معاهدات را افزایش دهند.

متأسفانه ، شیوه هایی که سبب تسهیل در جلب رضایت دولتها می شوند خود به نوعی سبب به مخاطره افتادن قابلیت اجرایی معاهدات می گردند . افزون بر این حتی هنگامی که یک دولت معاهده ای را تصویب کرد هنوز امکان این وجود دارد که از آن برگردد .

بنابراین تحقق یافتن موثر یک معاهده نیاز به نظارت و به اجرا درآوردن شرایط آن معاهده دارد . نظام قضایی بین المللی نیز به لحاظ لزوم شرط تراضی طرفین نمی تواند یک ساختار اجرایی کافی را فراهم نماید .

به هر حال ، اژانسهای بین المللی که می تواند بر اجرای معاهده نظارت نموده و مخارج مراحل اجرایی و جمع اوری اطلاعات را کاهش دهند ، ممکن است در به انجام رساندن و اجرای تعهدات توانا تر باشند . این اژانسها همچنین می توانند در راستای تلاش های سازمانهای محیط زیستی و دیگر گروهها ، از حیث وارد آوردن فشار بر دولتهایی که همراهی نمی کنند ، موثر باشند.

دولتها همچنین ممکن است برای امتناع از رضایت دادن نسبت به یک معاهده محیط زیستی و یا عدم همراهی و رعایت آن دارای انگیزه های اقتصادی باشند . اگر چه یک معاهده ممکن است به منظور ایجاد ساختار مشوق اقتصادی برای پاسخ گویی به آن نگرانیها ، تلاشی را انجام دهد ، اما چنین ساختارهایی در عمل به طور کامل موثر واقع نمی شوند .

سازمانهای غیر دولتی و آژانسهای توسعه بین المللی نیز می توانند ایجاد کننده محرکهای اقتصادی جهت همراهی دولتها با موافقتنامه های بین المللی محیط زیستی باشند .

به عنوان مثال ، سازمانهای غیر دولتی می توانند پرداخت بدهی های خارجی را در مقابل تعهد دولتها نسبت به حفاظت فزاینده آنها از محیط زیست در محدوده مرزهایشان ، فراهم آورند و آژانسهای توسعه بین المللی می توانند برنامه اعطای وام خود را منوط به رعایت معیارها محیط زیستی نمایند.

نقشی که سازمانهای غیر دولتی و آژانسهای بین المللی در ارائه محرکهای اقتصادی می توانند ایفا کنند ، طریقه نوینی را از پاسخگویی به موانع سنتی موجود در برابر موفقیت معاهدات محیط زیستی ، ارائه می دهد و آن تکیه بر فعالیت است که سطح آن پایین تر از سطح دولتی باشد . آژانسهای بین المللی می توانند به جای تلاش برای جلوگیری از فعالیت دولتها ، از طریق تحریمهای اجباری یا مقررات صریح و کار با مقامات رسمی دولتی و شهروندان در راستای آموزش اخلاق محیط زیستی به آنها ، اقدام نمایند .

چنین تلاشهایی ضمن اینکه خرج کمتری را به دنبال دارد ، احتمال اندکی وجود دارد که مشکلات عمده مربوط به موضوع حاکمیت را در بر داشته باشد . آژانسهای بین المللی ، که برای نظارت بر معاهدات تاسیس می گردند می توانند در سطح عامه برای جلب حمایت داخلی جهت سیاستگذاری های محیط زیستی بین المللی در میان گروههای محیط زیستی فعالیت کند . آنها همچنین می تواند با دیگر سازمانهای بین المللی و دولتی همکاری کنند .

اگر این گروههای محیط زیستی به آژانسهای بین المللی دسترسی کافی داشته باشند ، این احتمال وجود دارد که چنین آژانسهایی بتوانند مساله محیط زیست گرایی رابه عنوان یک هدف عرضه نمایند . و بالاخره آژانسهای بین المللی می تواند در جهت توسعه و گسترش مجامعی از دانشمندان و متخصصان محیط زیستی کمک نموده و مقامات رسمی دولتی را تحت تاثیر و آموزش قرار دهند.

ج - کنوانسیون ها و نهادهای بین المللی:

(۱) کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و انسان کنفرانس جهانی محیط زیست

(استکهلم - ۱۹۷۲)

این کنفرانس از پنجم تا شانزدهم ژوئن ۱۹۷۲ خرداد ۱۳۵۱ در شهر استکهلم پایتخت سوئد با شرکت مقامات و نمایندگان اکثر کشورهای جهان تشکیل شد. کنفرانس مذکور در پایان اجلاس دوازده روزه خود مبادرت به انتشار یک بیانیه یا اعلامیه اصولی و یک طرح عملیاتی یا اجرائی نمود که به عنوان اسناد کنفرانس جهانی محیط زیست تلقی می شوند.

روز افتتاح این کنفرانس - ۵ ژوئن به عنوان روز جهانی محیط زیست تعیین گردیده است.

بیانیه کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست انساناعلام میدارد که :

الف- پیشگفتار:

۱- انسان مخلوق و شکل دهنده محیط زیست خود است. محیطی که به وی بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) عطا می کند. در تکامل طولانی و آکنده از رنج نژاد بشر در این سیاره خاکی، مرحله ای فرا رسیده است که در آن انسان قدرت تغییر شکل محیط زیست خود را از طریق سرعت زیاد علوم و تکنولوژی به طریقی بی شمار و به مقیاسی غیر قابل پیش بینی به دست آورده است. هر دو جنبه محیط زیست انسان طبیعی و مصنوعی برای رفاه بشر و بهره وری او از حقوق پایه بشری، حتی حق به زندگی ضروری است.

۲- حمایت از محیط زیست انسان و بهبود آن موضوع مهمی است که بر رفاه افراد و توسعه اقتصادی در سراسر جهان اثر می گذارد. این آرزوی مبرم همه افراد سراسر دنیا و وظیفه همه دولت ها است.

۳- انسان باید دائماً تجربه اندوزی کرده به اکتشاف، اختراع و پیشرفت ادامه دهد در عصر ما قدرت انسان برای دگرگون سازی اطرافش، اگر عاقلانه به کار رود، می تواند برای همه مردم منافع توسعه و فرصت بهبود زندگی را به ارمغان آورد و اگر به اشتباه و یا با بی توجهی به کار گرفته شود همان قدر می تواند صدمات بی شماری به افراد بشر و محیط زیست انسانی وارد سازد. ما در اطراف خود در بسیاری از مناطق زمین، نشانه های روز افزونی از صدمات حاصله از انسان مشاهده می کنیم سطوح خطر ناک آلودگی در آب، هوا، زمین و موجودات زنده با اختلالات شدید و نامطلوب در تعادل بوم شناختی زیستکره، تخریب و تهی سازی منابع غیر قابل تجدید، کمبودهای شدید مضر به حال سلامتی جسمانی، روحی و اجتماعی انسان، در محیط زیست مصنوع بشر به ویژه در محیط کار و زندگی وی مشاهده می کنیم.

۴- بسیاری از مسائل محیط زیست، در کشورهای در حال رشد از کمی توسعه ناشی می شود میلیونها تن از افراد بشر به زندگی در سطوحی پائین تر از آنچه که شایسته زندگی یک انسان است در محرومیت از غذای کافی و لباس، مسکن و

آموزش ، سلامتی و بهداشت ، ادامه میدهند . بنابراین کشورهای در حال رشد باید با در نظر گرفتن اولویت های خود و نیاز به محافظت و بهبود محیط زیست ، تلاش های خود را به طرف توسعه معطوف سازند . کشورهای صنعتی نیز باید به همان دلیل کوشش کنند که فاصله بین خود و کشورهای در حال توسعه را تقلیل دهند . در کشورها مسائل محیط زیست معمولاً به صنعتی کردن و توسعه تکنولوژی مربوط می شوند.

۵- رشد طبیعی جمعیت دائماً مشکلاتی برای محیط زیست به وجود می آورد و برای مقابله با این مشکلات باید در زمان مناسب سیاست ها و اقدامات بسندیده ای در پیش گرفته شود . آدمیان از هر چیزی در دنیا با ارزش تر هستند . این افراد بشر است که چرخهای پیشرفت اجتماع را به حرکت در آورده ثروت اجتماعی تولدی می کنند ، علوم و تکنولوژی را توسعه میدهند و با سخت کوشی خود محیط زیست انسانی را دائماً تغییر میدهند همراه با پیشرفت اجتماع و ترقی تولید ، علوم و تکنولوژی ، قدرت انسان برای بهبود سازی محیط زیست ، روز به روز ، افزایش می یابد.

۶- نقطه ای در تاریخ فرا رسیده است که باید فعالیت های خود را در سراسر جهان با دقت موشکافانه تری از نظر پی آمدهای محیط زیستی آنان شکل دهیم . ما می توانیم در اثر جهل و بی مبالاتی خسارات عمده و غیر قابل ترمیمی به محیط زیست زمین که زندگی و رفاهمان به آن وابسته است وارد سازیم و بالعکس می توانیم با استفاده از دانشی بیشتر و انجام اعمالی عاقلانه تر در محیطی که با احتیاجات و امیدهای بشری انطباق دارد زندگی بهتری برای خود و اعقابمان فراهم آوریم . چشم اندازهای وسیعی برای بهبود کیفیت محیط زیست و ایجاد یک زندگی خوب وجود دارد . آنچه که مورد نیاز است آرامش فکری و اشتیاق به فعالیت شدید ولی نظام یافته است . برای رسیدن به آزادی در دنیای طبیعت ، انسان باید دانش را به کمک طبیعت برای ساخت محیط زیست بهتری به کار برد . دفاع از محیط زیست انسان و بهبود آن برای نسل های حال و آینده هدفی ضروری برای نوع بشر شده است هدفی که باید با همراهی و هم آهنگی اهداف تائید شده بنیادی صلح و توسعه جهانی اقتصاد و اجتماع دنبال گردد.

۷- دستیابی به این هدف محیط زیستی نیاز به پذیرش مسئولیت توسط تمام شهروندان و اجتماعات سرمایه گذاران و موسسات در هر سطحی و شرکت مساوی آنان در تلاشهای عمومی خواهد داشت . افراد در همه مسیرهای زندگی و موسسات در زمینه های گوناگون به یاری ارزشها و نتایج اعمال خود محیط زیست آینده جهان را خواهند ساخت . دولت های ملی و محلی بیشترین قسمت بار سنگین اقدامات و سیاست های زیست میحطی گسترده را در محدوده قلمرو خود بدوش خواهند کشید .

همکاری های بین المللی در گرد آوری منابع برای حمایت از کشورهای در حال توسعه برای انجام مسئولیت های محیط زیستی در این زمینه نیز مورد نیاز خواهد بود . از انجائی که گروه فزاینده یی از مسائل زیست محیطی از نظر ابعاد

جهانی یا منطقه ای هستند و یا بر محدوده مشترک بین المللی تاثیر می گذارند ، به همکاری گسترده ملت ها و اقدامات موسسات بین المللی که علائق مشترکی دارند نیاز خواهد بود . کنفرانس از دولت ها و ملت ها برای تلاشی عمومی در جهت حفاظت محیط زیست بشری و بهبود آن برای استفاده همه ابنا بشری و اعقاب آنها دعوت می کند .

ب- اصول بیانیه = تعهد مشترکی را بیان می کند ، مبنی بر اینکه :

اصل اول - انسان حقوقی بنیادی نسبت به آزادی ، مساوات و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با وقار و سعادت‌مندانه را میدهد ، دارد و مسئولیت حفظ و بهبودی محیط زیست برای نسل حاضر و نسل های آینده را به عهده دارد . از این جهت سیاست های مشوق یا تداوم دهنده اپارتاید ، جدائی طلبی نژادی ، تبعیض ، استعمار و دیگر اشکال ظلم و تسلط خارجی محکوم می شوند و باید نابود گردند.

اصل دوم - منابع طبیعی زمین شامل هوا ، آب ، زمین گل ها و گیاهان و مخصوصا نمونه های مشخص اکوسیستم های طبیعی باید برای استفاده نسل های کنونی و آینده با برنامه ریزی دقیق و مدیریت مناسب ، محافظت شوند.

اصل سوم - ظرفیت زمین برای تولید منابع قابل تجدید حیاتی باید حفظ شده هر جا عملی باشد بازسازی شود یا بهبود یابد.

اصل چهارم - بشر برای حفاظت و مدیریت عاقلانه میراث حیات وحش زیستگاه آن که هم اکنون در اثر عوامل گوناگون به مقدار زیادی نابود شده است ، مسئولیتی خاص به عهده دارد بنابراین حفاظت طبیعت همراه با زندگی وحش باید در برنامه ریزی های توسعه اقتصادی از اهمیت برخوردار شود.

اصل پنجم - از منابع غیر قابل تجدید زمین بایستی به صورتی استفاده شود که از خطر ته کشیدن آنها جلوگیری به عمل آید . سهم بودن همه افراد بشر در منافع چنین استفاده یی باید ضمانت شود.

اصل ششم – تخلیه مواد سمی و یا مواد دیگر و گرما به میزان و یا تراکمی که از ظرفیت مجاز محیط زیست بالا رود باید متوقف شود تا اطمینان حاصل شود که صدمه غیر قابل بازگشتی به اکوسیستم وارد نمی شود. از مبارزه بر حق مردم همه کشورها بر ضد آلودگی باید حمایت شود.

اصل هفتم – دولت ها ، برای جلوگیری از آلودگی دریاها با موادی که ممکن است برای سلامتی انسان خطر ناک باشد و به منابع و موجودات زنده دریایی صدمه بزند و یا امکانات آنرا از بین ببرد و یا در دیگر استفاده های قانونی آن مداخله نماید اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد .

اصل هشتم – توسعه اقتصادی و اجتماعی برای تضمین زندگی و محیط کار مطلوب برای انسان و برای ایجاد شرایطی که جهت بهبود کیفیت زندگی ضروری هستند لازم است.

اصل نهم – نقایص محیط زیستی که از وضعیت کمی رشد و بلایای طبیعی ناشی شده مشکلات بزرگی ایجاد می کند . این مشکلات را میتوان با سرعت بخشیدن به توسعه از طریق انتقال مقادیر قابل توجهی از کمک های مالی و فنی به عنوان ضمیمه ای برای تلاشهای داخلی و خارجی کشورهای رو به رشد و هر گونه کمک مشابه در زمان مناسب ، درمان نمود.

اصل دهم – برای کشورهای در حال توسعه ثبات قیمت ها و درآمد کافی برای برآوردن احتیاجات اولیه از ضروریات مدیریت محیط زیست هستند ، چون عوامل اقتصادی و فرایندهای بوم شناختی هر دو باید به حساب آیند.

اصل یازدهم – سیاستهای محیط زیستی همه کشورها باید در جهت بهبود باشد نه اینکه به صورتی معکوس بر توسعه بالقوه کنونی و آینده کشورهای در حال توسعه اثر بگذارد و یا موانعی بر سر راه دستیابی به شرایط زندگی بهتر برای همه افراد

بشر قرار دهد . دولت ها و موسسات بین المللی باید اقدامات صحیحی با دیدی برای رسیدن به موافقت درباره روبرو شدن با عواقب اقتصادی احتمالی ملی و بین المللی در اثر به کار بردن اقدامات زیست محیطی انجام دهد.

اصل دوازدهم – برای محافظت و بهبود محیط زیست ، با توجه به موقعیت و نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه و با توجه به هر گونه هزینه ای که احتمال دارد در اثر اقدامات محافظتی محیط زیست به طرح های توسعه آنان وارد شود و با توجه به کمک های فنی و مالی بیشتر بین المللی که ممکن است این کشورها برای این منظور لازم داشته باشند و بنا به درخواست آنها باید در اختیارشان قرارگیرد منابع لازم باید تامین شوند.

اصل سیزدهم – برای دستیابی به مدیریت منطقی تر منابع و بهبود محیط زیست از این طریق ، دولت باید روشی متمرکز و هم آهنگ برای برنامه توسعه خود انتخاب کند تا توسعه قابل انطباقی بانیزهای محافظت و بهبود محیط زیست انسان به نفع مردم کشور خود را بتوانند تضمین کنند.

اصل چهاردهم – برنامه ریزی منطقی ، وسیله ای ضروری برای حل هر گونه تعارض بین نیازهای توسعه و نیازهای حفاظت و بهبود محیط زیست است.

اصل پانزدهم – در زمینه اسکان انسانی و شهر نشینی ، برنامه ریزی باید با جهت گیری به سوی احتراز از اثرات معکوس بر محیط زیست و کسب حداکثر منافع اجتماعی و محیط زیستی برای همه به کار رود . در این میان ، طرح هایی که برای تسلط استعماری و نژادی تنظیم شده اند باید کنار گذاشته شوند.

اصل شانزدهم – سیاستهای مربوط به جمعیت که نسبت به حقوق اساسی بشر بی طرف هستند و دولت های مربوطه آنها را تأیید کرده اند ، باید در مناطقی که نرخ رشد جمعیت و یا تراکم زیاده از حد آن ممکن است اثرات معکوسی بر محیط

زیست یا بر توسعه داشته باشد و یا در مناطقی که تراکم جمعیت کم است و ممکن است کمی جمعیت از توسعه و بهبودی محیط زیست انسانی جلوگیری کند به کار گرفته شوند.

اصل هفدهم – موسسات مناسب ملی باید با دید بهبودی کیفیت محیط زیست، کار برنامه ریزی مدیریت و یا کنترل منابع محیط زیستی کشور را به عهده گیرند.

اصل هجدهم – علوم و تکنولوژی به عنوان بخشی از سهم خود در کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی باید برای تشخیص، اجتناب و کنترل خطرات محیط زیستی، حل مسائل زیست محیطی به نفع عموم جامعه بشریت مورد استفاده قرار گیرند.

اصل نوزدهم – آموزش درباره موضوعات زیست محیطی برای نسل جوان و بزرگسال با بذل توجه لازم نسبت به افراد مستضعف، برای وسیع تر کردن شالوده عقیده ای روشن بینانه و رفتاری مسئولانه، از طرف انسانها، موسسات و اجتماعات درباره محافظت و بهبود محیط زیست در بعد کامل انسانی آن ضروری است. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تخریب محیط زیست اجتناب نمایند بلکه بالعکس اطلاعاتی آموزشی درباره نیاز به حمایت و بهبود محیط زیست اجتناب نمایند. بلکه بالعکس اطلاعاتی آموزشی درباره نیاز به حمایت و بهبود محیط زیست برای توانائی دادن به انسان برای توسعه در هر زمینه، ارائه دهند.

اصل بیستم – پژوهش و توسعه علمی در چهارچوب مسائل زیست محیطی ملی و بین الدولی باید در همه کشورها، به خصوص در کشورهای در حال رشد تشویق شود. در این رابطه باید از جریان آزادانه اطلاعات روزآمد علمی و انتقال تجارب، حمایت و یاری شود تا حل مسائل زیست محیطی آسانتر شود. تکنولوژی های محیط زیستی باید با شرایطی که انتشار وسیع آنها را بدون گذاشتن بار سنگینی بر دوش کشورهای در حال توسعه تشویق کند، در اختیار این کشورها قرار گیرد.

اصل بیست و یکم - دولت ها ، بر طبق منشور سازمان ملل و اصول قوانین بین المللی دارای حقوق حاکمیت از نظر استخراج منابع خود ، مطابق سیاستهای محیط زیستی خود می باشند و مسئولیت تضمین یا کنترل فعالیت های داخل قلمرو خود را به نحوی که صدمه ای به محیط زیست کشورها ، یا مناطق ماورا قلمرو آنها وارد نکند ، به عهده دارند .

اصل بیست و دوم - دولت ها باید در توسعه بیشتر قوانین بین المللی ، درباره مسئولیت و یا جبران خسارات قربانیان آلودگی و دیگر صدمات محیط زیستی ، منتج از فعالیت داخل محدوده قانونی و یا مناطق تحت کنترل خود ، در نواحی ماوراء قلمروشان همکاری کنند.

اصل بیست و سوم - بدون داشتن تعصب نسبت به معیارهایی که ممکن است درباره آنها در جامعه بین المللی توافق به عمل آید ، و یا استانداردهایی که باید به صورت ملی درباره آنها تصمیم گیری شود در تمام موارد ضروری خواهد بود که سیستم های ارزشی حاکم بر هر کشور ، و میزان امکان استفاده از استانداردهایی را که برای اغلب کشورهای پیشرفته قابل قبول بوده ولی ممکن است برای کشورهای در حال توسعه ناصحیح باشد و یا اجباراً هزینه ای اجتماعی در برداشته باشد ، در نظر گرفت.

اصل بیست و چهارم - تمام کشورها ، کوچک و بزرگ باید به موضوعات بین المللی حفاظت و بهبود محیط زیست ، با روح همکاری و بر پایه مساوات رسیدگی کند . همکاری از طریق قرارهای دو جانبه یا چند جانبه یا طرق مقتضی دیگر برای کنترل جلوگیری کاهش و یا از بین بردن موثر اثرات معکوس محیط زیستی ناشی از فعالیت های انجام شده در همه زمینه ها با صرف توجه کافی نسبت به حقوق حاکمیت و علائق همه کشورها ضروری است.

اصل بیست و پنجم - دولت ها تضمین خواهند کرد که سازمانهای بین المللی نقش پویا و هماهنگی را برای حفاظت و بهبود محیط زیست بازی کنند.

اصل بیست و ششم – انسان و محیط زیست او باید از اثرات تسلیحات هسته ای و تمام وسایل تخریب عمومی دیگر
مصون بماند . دولت ها باید برای رسیدن به توافقی سریع ، از طریق ارگانهای مناسب بین المللی ، درباره حذف و نابودی کامل
چنین سلاحهایی بکوشند.

(۲) کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه: (همایش زمین ، ریودوآژنیرو - ۱۹۹۲

(

این کنفرانس از تاریخ سوم تا چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ با حضور و شرکت بیش از یکصد و پنجاه تن از رؤسا و نمایندگان کشورهای جهان در شهر ریودوآژنیرو واقع در کشور برزیل تشکیل گردید.

این کنفرانس جهانی بزرگ که به اجلاس زمین یا همایش ریو موسوم گردیده است توجه جهانی را به مهمترین مسئله بشری در قرن بیست و یکم یعنی محیط زیست جلب نمود.

حاصل و نتایج کنفرانس ریو عبارتند از بیانیه اصولی ریو پیرامون محیط زیست و توسعه، دستور کار ۲۱ یا دستور العمل اقدام در ارتباط با توسعه پایدار جهانی (اصل جنگل و دو کنوانسیون مهم و یا معاهده بین المللی تنوع زیستی و معاهده ساختاری سازمان ملل پیرامون تغییرات اقلیمی).

(۲-۱) اعلامیه کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو

الف - پیشگفتار

کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه از سوم تا چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوآژنیرو برگزار شد . این کنفرانس ، بیانیه رسمی اولین کنفرانس بین المللی سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست را که در ۱۸ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم تائید ، تصویب و صادر شده بود مبنای کار خود قرار داد . تلاش شد که مسیر حرکت این کنفرانس به همان شکل قبلی باشد با این هدف که طرح جدیدی بر اساس همکاری های عادلانه ملل در سطح جهان ایجاد و زمینه های تفاهم بین کشورها و جوامع بشری و منطقه ای فراهم و بر اساس اصول تفاهم شده اقدام گردد . این طرح که بر اساس تفاهم و توافق های بین المللی خواهد بود با احترام به منافع همگان و حفاظت از محیط زیست جهانی و سیستمهای توسعه به صورت یک واحد و با پذیرش وحدت و یکپارچگی و تاثیرات متقابل طبیعت کره زمین وطن ما اعلام می دارد :

اصل اول - انسانها موضوع اصلی هر گونه توسعه هستند. برخورداری از سلامت و توانایی های جسمی و روحی جزو حقوق انسان ها در انطباق با طبیعت سات.

اصل دوم – به منظور حفظ و حراست از محیط زیست ، کشورها مجازند آن گونه درآمدهایی را کسب کنند و سیاستهای توسعه ای را اعمال نمایند که هم با ضوابط سازمان ملل و اصول حقوقی پذیرفته شده بین المللی منطبق بوده و هم عادلانه و تحت کنترل باشد به طور که موجبات ضرر و زیان کشورهای دیگر و یا مناطق خارج از مرز آنها را فراهم نسازد.

اصل سوم – حق توسعه باید مشروط بر این باشد که نیاز نسل کنونی و آینده با توجه به توسعه و محیط زیست ، به طور عادلانه مراعات شود.

اصل چهارم – به منظور دستیابی به یک توسعه مستمر ، باید حفاظت از محیط زیست به عنوان جزء تفکیک ناپذیر توسعه تلقی شود و نباید آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد.

اصل پنجم – همه کشورها و تمام انسانها باید با استفاده از قابلیت ها و امکانات در جهت توسعه مداوم تلاش کنند و وظیفه دارند در همیاری و همکاری با یکدیگر نسبت به رفع محرومیت ها اقدام نمایند تا از فاصله طبقاتی کاسته شود و احتیاجات بیشتر انسان ها بهتر رفع گردد.

اصل ششم – شرایط مخصوص احتیاجات کشورهای توسعه نیافته ، بویژه کشورهای فقیر و کشورهای بی که در زمینه محیط زیست به تنهایی قدرت مقابله با آلودگی ها را ندارند ، ایجاب می کند در راس حمایت های جهانی قرار گیرند . سازمان ها و جنبش های بین المللی محیط زیست و توسعه باید منافع و نیازمندی های هر کشور را مد نظر قرار دهند .

اصل هفتم – کشور ها باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی با یکدیگر همکاری داشته باشند تا هیچگونه زیان و آلودگی زیست محیطی حاصل نشود و وحدت زیست محیطی کره زمین مورد حمایت قرار گیرد و شرایط مطلوب حاصل شود . گرچه در مورد مشارکت های متفاوت جهانی در زمینه رفع آلودگی محیط زیست همه کشورها مسئولیت مشترک دارند ، اما مسئولیت هر یک از آنها در قبال این امر متفاوت است . کشورهای صنعتی خود نمایانگر این مسئولیت هستند . زیرا آنها در

یک تلاش بین المللی استمرار توسعه را به دوش می کشند که در نتیجه خساراتی را متوجه محیط زیست جهان می کنند . از سوی دیگر ، آنها هستند که از تکنولوژی و قدرت مالی برخوردارند.

اصل هشتم – برای اینه توسعه مستمر و کیفیت بهتر معیشت برای همه انسان ها فراهم شود ، باید کشورها شیوه های تولید و مصرف را اصلاح کنند و سیاست جمعیتی معقولی را اعمال نمایند.

اصل نهم – کشورها باید با یکدیگر همکاری کنند تا امکانات و قابلیت های ملی خود را در جهت توسعه مستمر تقویت نمایند . در این راستا ، باید تبادل اطلاعات بین دانشمندان و شناخت صحیح از تکنولوژی و توسعه – هماهنگ با یکدیگر و نیز توسعه و انتقال تکنولوژی و دسترسی به دستاوردهای جدید تکنولوژی و سرعت بخشیدن به آنها مورد توجه قرار گیرد.

اصل دهم- بهترین راه بررسی مسائل محیط زیست آن است که این امر شامل حال همه شهروندانی شود که در یک سیستم از آن متاثر می شوند . سنجش نظرات و کسب اطلاعات در زمینه محیط زیست باید در سطح ملی شامل حال همه افراد شود که از طریق مسئولان مربوطه انجام می شود بعلاوه باید اطلاعات لازم در مورد مواد خطر ناک و فعالیت های هر منطقه جمع اوری شود . همچنین باید به مردم این امکان را داد که در روند تصمیمات ، مشارکت کنند . دولت ها باید دقت کافی و مشارکت عمومی را در جامعه ایجاد کنند تا اطلاعات مورد نیاز جمع اوری شود . مشارکت و حضور صحیح و موفقیت آمیز عمومی و روشهای اداری باید به ترتیبی باشد که سالم سازی محیط و اجرا قوانین را امکان پذیر سازد.

اصل یازدهم – کشور ها باید قوانین موثری برای محیط زیست تدوین کنند . قواعد حاکم بر محیط زیست هدفها و تقدم های مدیریت باید چنان با شرایط و زمینه های محیط زیست و توسعه هماهنگ باشند که یکدیگر را قوام بخشند معیارهایی که برای پاره ای از کشورها در نظر گرفته شده ، احتمالا برای سایر کشورها مناسب نیست و از نظر اقتصادی و هزینه های اجتماعی ، بخصوص برای کشورهای توسعه نیافته ، غیر قابل قبول است.

اصل دوازدهم – کشورها باید با یکدیگر همکاری کنند تا یک سیستم آزاد اقتصادی حمایت شود و تکامل و رونق اقتصادی و توسعه مستمر برای همه کشورها فراهم گردد تا بدین ترتیب بتوانند مشکلات محیط زیست را بهتر حل کنند برنامه ریزی سیاست بازرگانی در قلمرو محیط زیست نباید وسیله ای برای اعمال و اقدامات خود سرانه یا غیر عادلانه جهت استثمار دیگران باشد و یا اینکه محدودیت های ناآشکاری در زمینه تجارت بین الملل را باعث شود ، اقدامات یکجانبه که مشکلات محیط زیست را به طور ناعادلانه ای به کشورهای دیگر تحمیل کند ، باید متوقف شود . تدوین ضوابطی برای محیط زیست که از مرز کشوری تجاوز کند و یا مسائل محیط زیست جهانی را تحت تاثیر قرار دهد ، باید تا جای که امکان دارد بر اساس ضوابط بین المللی باشد.

اصل سیزدهم – کشورها باید قوانین ملی به منظور تعقیب عادلانه عوامل آلودگی محیط زیست و قربانیان این آلودگی تدوین کند . بعلاوه ، کشورها باید به سرعت و با قاطعیت جهت تنظیم یکسری قوانین بین المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می آورند باشند.

اصل چهاردهم – کشورها باید به طور موثر با یکدیگر همکاری کنند و از هر گونه نقل و انتقال و جابجایی مواد آلوده کننده محیط زیست که سلامتی انسان را به خطر می اندازند ، ممانعت به عمل آورند.

اصل پانزدهم – به منظور حفظ محیط زیست ، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را بر اساس توانایی های خود و به طور مبسوط مورد استفاده قرار دهند . در جای که امکان خطر جدی وجود دارد و یا مسائل و مشکلات ناشناخته زیانهای را به بار می آورد ، باید نواقص به طور کامل و علمی مورد بررسی قرار گیرد و نباید به دلیل اینکه ضوابط مبارزه با آلودگی محیط زیست پر هزینه است از آن چشم پوشی کرد.

اصل شانزدهم – مقامات هر کشور باید تلاش کنند تا هزینه های سالم سازی محیط زیست را با استفاده از ابزارهای اقتصادی مقدم شمارند و با توجه به این نکته که آلوده کننده محیط زیست باید در حقیقت هزینه های رفع آلودگی را تقبل کند ، این مهم را با توجه به منافع عمومی بی آنکه به تجارت بین المللی و سرمایه گذاری آسیب وارد آید ، به انجام رساند.

اصل هفدهم – تجزیه و تحلیل پیامدهای زیست محیطی باید به عنوان یک تدبیر ملی برای آن دسته از فعالیت هایی که احتمالا اثرات منفی زیادی بر محیط زیست می گذارند ، بر عهده کارشناسی از مقامات کشوری باشد.

اصل هجدهم – دولت ها باید کشورهای دیگر را بلافاصله از حوادث و فجایع طبیعی یا موارد اضطراری دیگر که به نظر می رسد آثار سوئی بر محیط زیست این کشورها می گذارند ، مطلع سازند . هر تلاشی باید بر اساس همکاریهای بین المللی از طریق جوامع بین المللی انجام گیرد تا به کشورهای آسیب دیده کمک شود.

اصل نوزدهم – کشورها باید امکان به خطر افتادن کشورهای دیگر را قبلا و به موقع اطلاع دهند . همچنین باید اطلاعات تخصصی در مورد فعالیت هایی که احتمالا دارای آثار سوء جدی هستند واز محدوده مرزها فراتر می روند ، در اختیار دیگر کشورها گذارند و با آنها در اسرع وقت و با اعتماد کامل مشورت کنند.

اصل بیستم – زنان نیز در امر محیط زیست و توسعه نقش حساس و مهمی دارند به همین خاطر ، همکاری نامحدود آنها بسیار موثر بوده ، استمرار توسعه را ممکن می سازد.

اصل بیست و یکم – خلاقیت ها ، ابتکارات و آرمان های جوانان در سراسر جهان باید به کار گرفته شود تا مشارکت گسترده تر جهانی محقق گردد و از این طریق توسعه مستمر حاصل شود و آینده ای بهتر برای همگان تضمین گردد.

اصل بیست و دوم – مردم یک سرزمین و سازمانهای وابسته به آن و نیز اتحادیه ها و تشکیلات و سازمانهای محلی مردمی در خصوص محیط زیست و توسعه ، که بر اساس تجربیات و سنتها و عادات هر کشور بنا شده اند ، نقش بسیار موثری را ایفا می کنند . دولت ها باید اندیشه ، فرهنگ و خواست های آنها را دریابند و مورد حمایت قرار دهند و زمینه همکاری مشترک جهت تحقق توسعه مستمر را فراهم سازند.

اصل بیست و سوم – امکان بهره برداری از محیط زیست و منابع طبیعی برای انسان محدود است . بنابراین باید این منابع تحت نظارت و حفاظت قرار گیرد.

اصل بیست و چهارم – جنگ به طور طبیعی نابود کننده توسعه مستمر است . بنابراین ، دولت ها باید قوانین بین المللی حفاظت از محیط زیست را به هنگام درگیرهای مسلحانه رعایت کنند و به آنها احترام گذارند و در صورت لزوم برای ارتقاء توسعه ، همکاری کنند .

اصل بیست و پنجم – صلح ، توسعه و حفاظت از محیط زیست به یکدیگر وابسته اند و نمی توان آنها را از یکدیگر جدا کرد.

اصل بیست و ششم – کشورها باید همه اختلافات خود در زمینه محیط زیست را به طور مسالمت آمیز و با استفاده از امکانات مناسب و هماهنگ بامنشور ملل متحد حل و فصل کنند.

اصل بیست و هفتم – کشورها و انسان ها با اعتماد کامل و با روحیه همکاری و مشارکت ، در اجرای اصول این بیانیه و گسترش قوانین بین المللی برای توسعه مستمر همکاری کنند.

(۳) برنامه محیط زیست ملل متحد (۱۹۷۲)

قانون ادامه عضویت در صندوق برنامه مذکور

مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۵

ماده واحده - به وزارت امور خارجه و سازمان حفاظت محیط زیست اجازه داده می شود عضویت مجامع بین المللی مشورحه ذیل را کماکان پذیرفته و حق عضویت آن را طبق مقررات عمومی آنها پرداخت نماید:

(۴) صندوق محیط زیست ملل متحد:

توضیح ۱- برنامه محیط زیست یکی از کارگزاریها و برنامه های وابسته به مجمع عمومی سازمان ملل متحد بوده و مشارکت و عضویت در برنامه مذکور از ملزومات و تبعات عضویت در سازمان ملل می باشد.

توضیح ۲- صندوق محیط زیست ملل متحد یکی از ارکان برنامه مذکور بوده و مشارکت در برنامه محیط زیست از طریق عضویت و سهمیم شدن در صندوق محیط زیست انجام می گیرد.

توضیح ۳- مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ طی قطعنامه شماره ۲۹۹۷ ایجاد برنامه محیط زیست ملل متحد را تصویب کرد.

هدف برنامه :

بر اساس اعلامیه محیط زیست بشر بیانیه اصولی که در ژوئن ۱۹۷۲ به تصویب کنفرانس جهانی محیط زیست انسان در استکهلم رسیده است حفظ محیط زیست بشر و تضمین حقوق بشر برای برخورداری از محیط زیست سالم و تشویق و ترغیب فعالیت های زیست محیطی در سطوح بین المللی و منطقه ای و توسعه قوانین و معاهدات بین المللی به منظور کنترل الودگی و تخریب محیط زیست ناشی از فعالیت های بشری از اهداف برنامه می باشد.

ارکان برنامه :

۱- مجمع عمومی برنامه محیط زیست ملل متحد که متشکل از تمام کشورهای عضو برنامه می باشد.

۲- شورای حکام برنامه محیط زیست (شورای وزیران محیط زیست) مرکب از نمایندگان رسمی ۵۸ کشور عضو که به مدت ۴ سال به عضویت این شورا در می آیند تعیین الویت برنامه های محیط زیست ، بازنگری شرایط زیست محیطی از وظایف شورای حکام می باشد.

۳- شورای هماهنگ کننده محیط زیست مرکب از رؤسای کارگزاریهای ملل متحد ، صندوق محیط زیست ملل متحد و دبیر خانه می باشد.

۴- صندوق محیط زیست ملل متحد که پشتیبانی مالی فعالیت ها و برنامه های محیط زیست را بر عهده دارد.

۵- مدیر اجرایی ، هماهنگی و مدیریت امور برنامه محیط زیست و ریاست دبیر خانه را بر عهده دارد.

اطلاعات عمومی برنامه مذکور :

تاریخ تصویب برنامه - ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲

محل تصویب - نیویورک ، سازمان ملل متحد

محل دبیر خانه - نایروبی ، کنیا

مرجع ملی و دستگاه دولتی مسئول برنامه مذکور در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست.

(۴)اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (اتحادیه جهانی حفاظت ۱۹۴۸)

تصویب نامه و قانون عضویت در اتحادیه مذکور

مصوب ۱۳۷۰/۹/۳ و ۱۳۵۲/۱۲/۴

تصویب نامه - هیات وزیران در جلسه مورخ ۵۲/۱۲/۴ بنا به پیشنهاد شماره ۷۵۸۸/۱۸ مورخ ۵۲/۹/۳ وزارت امور خارجه اجازه دادند اقدامات لازم از طرف وزارت امور خارجه برای عضویت ایران در اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی به عمل آید . اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است .

ماده واحده - تبصره (۴) قانون الحاق دو تبصره به قانون عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمانها و مجامع بین

المللی:

به دولت اجازه داده می شود در سازمانها و مجامع بین المللی مندرج در فهرست زیر عضویت یابد و حقوق عضویت یا کمک یا سهمیه مربوط را بپردازد . پرداخت حق عضویت و کمک های معوقه سازمان ها ومجامع مزبور با تشخیص دولت بلامانع است.

ردیف (۱۰) - اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی

هدف اتحادیه :

ترغیب و تشویق و کمک به جوامع سراسر جهان برای حفظ یکپارچگی و تنوع طبیعت و تضمین هر گونه استفاده معقول و منصفانه از منابع طبیعی و اطمینان از اینکه هر گونه استفاده از این منابع با توجه به ارزشها و ابعاد علمی ، آموزشی ، فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و قانونی از جهت اکولوژیکی پایدار باشد.

خلاصه ای از اصول و وظایف اتحادیه:

- ۱- تضمین حفاظت از طبیعت بویژه حفظ تنوع زیستی گونه ها بعنوان یک بنیان و منبع اساسی برای آیندگان
- ۲- اطمینان از این که در نقاطی از جهان که منابع طبیعی زمین مورد استفاده قرار می گیرند ، این گونه بهره برداری بصورت خردمندانه ، عادلانه و بصورت پایدار انجام گیرد.
- ۳- هدایت جوامع بشری به سمت توسعه و در مسیر کیفیت زندگی مطلوب و در عین حال همسو با ظرفیت قابل تحمل محیط (زیستکره)

ارکان اتحادیه :

الف- کنگره جهانی حفاظت : این کنگره در جهت تعیین سیاست های کلی و اصولی و برنامه های کلان هر سه سال یکبار تشکیل می شود.

ب- شورای اتحادیه : که توسط کنگره جهانی حفاظت تعیین و اعضای آن انتخاب می شوند . این شورا در اجلاس های خود که هر سال یکبار تشکیل می شود ، بودجه سالانه ، سیاست ها و اجرایی برنامه های اتحادیه را بررسی و تصمیم گیری می نماید .

ج- دبیر کل اتحادیه : که مسئولیت اجرایی و هماهنگی برنامه های اتحادیه و ریاست دبیر خانه و شبکه جهانی اتحادیه را بر عهده دارد.

د- دبیر خانه که امور هماهنگی شبکه اتحادیه در جهان و مسائل اداری و مالی دبیر خانه را بر عهده دارد .

ه - کمیسیون های شش گانه (بشرح زیر) متشکل از گروه متخصصان ، دانشمندان و کارشناسانی که در زمینه توسعه و اجرای برنامه های اتحادیه مشارکت اصلی و جدی را عهده دار هستند .

عناوین و مسئولیت کمیسیون ها عبارتند از :

۱- آموزش و ارتباطات

۲- قوانین و محیط زیست

۳- استراتژی و برنامه های زیست محیطی

۴- پارکها ملی و مناطق حفاظت شده

۵- بقای گونه ها

۶- مدیریت اکوسیستم ها

اطلاعات عمومی اتحادیه :

تاریخ تشکیل - ۱۹۴۸

تاریخ عضویت ایران - ۱۹۷۴

محل دبیر خانه - گلند ، سوئیس

مرجع ملی و سازمان مسئول در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست

(۵) کنوانسیون تنوع زیستی (ریودوژانیرو - ۱۹۹۲)

قانون عضویت در کنوانسیون مذکور

مصوب ۱۳۷۵/۳/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود به کنوانسیون تنوع زیستی منعقد شده در کنفرانس اجلاس زمین به سال ۱۳۷۱ هجری شمسی برابر با سال ۱۹۹۲ میلادی در شهر ریودوژانیرو مشتمل بر یک مقدمه ، (۴۲) ماده و (۲) پیوست ملحق شود و اسناد مربوط را مبادله نماید . دولت جمهوری اسلامی ایران در صورتی مجاز به استفاده ز بند ۳ ماده ۲۷ کنوانسیون می باشد که مراتب رد این مورد قبلا به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

هدف کنوانسیون:

حفظ تنوع زیستی ، استفاده پایدار از گونه های زیستی و سهمین شدن عادلانه و برابر در منافع حاصل از کاربرد منابع ژنتیکی از جمله از طریق دسترسی مناسب به این منابع و انتقال صحیح تکنولوژی های مرتبط با در نظر گرفتن کلیه حقوق مربوط به آن منابع و تکنولوژی ها

خلاصه مقررات کنوانسیون :

- ۱- طبق ماده (۳) ، دولت ها بر اساس منشور ملل متحد و اصول حقوق بین الملل دارای حق حاکمیت برای استفاده از منابع خود طبق سیاستهای زیست محیطی خویش می باشند و موظفند یقین حاصل نمایند که فعالیت های انجام شده در قلمرو و یا در مناطقی که در کنترل ایشان است موجب صدمه به محیط زیست سایر کشورها یا مناطقی که خارج از قلمرو ملی آنان است نمی شود.
- ۲- به موجب ماده ۴ ، هر یک از کشورهای عضو باید تا حد امکان و به گونه ای مناسب با سایر کشورهای عضو بنحو مستقیم و یا در موارد لزوم به واسطه سازمانهای بین المللی ذیربط در رابطه با مناطق خارج از حوزه ، صلاحیت قانونی خود یا سایر موضوعات مورد علاقه دو طرف برای حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی همکاری کنند .
- ۳- طبق ماده ۶ ، هر یک از کشورهای عضو باید تا حد امکان و بنحو مقتضی حفاظت و بهره گیری پایدار از تنوع زیستی را در طرح ها ، برنامه ها و سیاست های بخشی یا میان بخشی مربوط به خود بگنجانند .

- ۴- طبق ماده ۸ ، هر یک از کشورهای عضو باید تا حد امکان و به گونه ای مناسب نظامی از مناطق حفاظت شده یا مناطقی را که اقدامات ویژه ای برای حفظ تنوع زیستی باید در آن انجام شود ، ایجاد نماید .
- ۵- هر کشور عضو باید اکوسیستم های آسیب دیده و تخریب شده را احیا و بازسازی کرده و احیای گونه های در معرض تهدید را از طریق مختلف با استراتژی های مدیریت تشویق کند .
- ۶- هر کشور عضو باید از ورود گونه های بیگانه ای که اکوسیستم ها و زیستگاههای گونه های دیگر را به خطر می اندازد جلوگیری کرده و آنها را تحت کنترل در آورد.
- ۷- هر کشور عضو باید قوانین و مقررات لازم برای حفاظت از گونه ها و جمعیت های در معرض خطر نابودی را تنظیم و یا تحکیم نماید.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۵ ژوئن ۱۹۹۲

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۲۹ دسامبر ۱۹۹۳

تاریخ عضویت ایران - ۶ اوت ۱۹۹۶

محل انعقاد - ریودوژانیرو ، برزیل

محل دبیر خانه - ژنو ، سوئیس

مرجع نگهدارنده اسناد - دبیر کل سازمان ملل متحد

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیایی ، روسی ، چینی ، عربی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران =- سازمان حفاظت محیط زیست

(۶) کنوانسیون مربوط به تالاب های مهم بین المللی بویژه تالاب های زیستگاه پرندگان آبی (رامسر)

– (۱۹۷۱)

قانون تصویب کنوانسیون مذکور

مصوب ۱۳۵۲/۱۲/۲۸ و اصلاحیه مصوب ۱۳۶۴/۳/۱۴

ماده واحده – کنوانسیون مربوط به تالاب های مهم بین المللی بخصوص تالاب های زیستگاه پرندگان آبی مشتمل بر یک مقدمه و دوازده ماده که از تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۵۱ – (۱۲ ژوئیه ۱۹۷۲) برای امضای دولت ها مفتوح بوده و در تاریخ (۴) شهریور ۱۳۵۱ – ۲۶ اوت ۱۹۷۲ از طرف نماینده ایران در پاریس به امضا رسیده است تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می شود.

توضیح – این کنوانسیون در تاریخ های ۱۹۸۲ پاریس و ۱۹۸۷ رجینا اصلاح شده است

هدف کنوانسیون:

جلوگیری از هر گونه تجاوز و تعدی و تخریب در تالاب ها چه در حال حاضر و چه در آینده و شناخت ظرفیت های اساسی و بنیادی اکولوژیک تالاب ها و توجه به ارزش های اقتصادی ، فرهنگی و علمی تالاب ها و قابلیت احیاء و باز سازی آنها.

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون :

- ۱- به موجب ماده (۲) کنوانسیون هر یک از دولت های متعاقد باید حداقل یک تالاب حائز اهمیت سرزمین خود را برای درج در فهرست تالاب های مهم بین المللی تعیین نماید.
- ۲- هر یک از دولت های متعاقد مسئولیت های خود را در ابعاد بین المللی جهت اعمال مراقبت ، حفاظت ، مدیریت و بهره وری معقول از پرندگان آبی مهاجر مورد توجه قرار خواهند داد .

- ۳- بر اساس ماده (۴) کنوانسیون ، هر یک از طرفهای عضو ، تسهیلات لازم جهت حفاظت از تالاب ها و پرندگان آبی را با تعیین فرق های طبیعی در محدوده ، تالاب ها اعم از اینکه در فهرست درج شده یا نشده باشد فراهم خواهد نمود.
- ۴- کشورهای عضو با اعمال مدیریت صحیح کوشش خواهند نمود که تعداد پرندگان آبی را در تالاب های افزایش دهند .
- ۵- با توجه به ماده (۵) کنوانسیون ، طرف های متعاقد در مورد اجرای تعهدات ناشی از کنوانسیون حاضر بویژه در مورد تالاب هایی که بین چند کشور عضو تقسیم شده است با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۲ فوریه ۱۹۷۱

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۲۱ دسامبر ۱۹۷۵

تاریخ عضویت ایران - ۲۳ ژوئن

محل انعقاد - رامسر ، ایران

محل دبیر خانه - پاریس (یونسکو) ، فرانسه

مرجع نگهدارنده اسناد - یونسکو

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، المانی ، روسی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران = سازمان حفاظت محیط زیست

(۷) کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض نسل

(واشنگتن - ۱۹۷۳)

قانون تصویب کنوانسیون مذکور

ماده واحده - الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های حیوانات و گیاهان وحشی که در معرض نابودی قرار دارند مورخ سوم مارس ۱۹۷۳ (۱۲ اسفند ۱۳۵۱) مشتمل بر یک مقدمه و ۲۵ ماده و سه ضمیمه تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می شود.

توضیح - این کنوانسیون در تاریخ های ۱۹۷۹ (بن) و ۱۹۸۳ (گابرون) اصلاح گردیده است.

هدف کنوانسیون:

حمایت از گونه های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض از طریق برقراری و اعمال کنترل های لازم در زمینه تجارت این گونه ها بوسیله صدور مجوزهای صادرات و واردات.

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون:

- ۱- به موجب ماده (۲) کنوانسیون ، گونه هائی از جانوران وحشی زنده و غیر زنده و اجزای قابل اهمیت آنها و یا گیاهان وحشی که در معرض خطر انقراض قرار دارند در فهرست ضمیمه سه گانه کنوانسیون به شرح زیر طبقه بنید می شوند:
 - الف- ضمیمه یک شامل فهرست گونه هائی می باشد که در معرض نابودی قرار داشته و تجارت این گونه ها باید از مقررات شدید تبعیت نموده و تنها در موارد استثنائی مجاز باشد.
 - ب- ضمیمه دو شامل گونه هائی است که فعلا در معرض خطر انقراض نسل قرار ندارند ولی ممکن است دچار این خطر گردند و تجارت آنها تحت مقررات ویژه ای صورت می گیرد.
 - پ- ضمیمه سه شامل فهرست گونه هائی است که دولت ها عضو در جهت اعمال محدودیت های تجارت و جلب همکاری دولت های دیگر عضو در محدوده صلاحیت های قانونی خویش اعلام می کنند.

۲- طبق مواد ۳ و ۴ و ۵ کنوانسیون ، مبادرت به تجارت و صدور و ورود گونه های مذکور در ضمیمه سه گانه کنوانسیون باید مطابق ضوابط و تحت شرایط خاص و از طریق صدور پروانه و مجوزهای ورود و صدور گونه ها و با تأیید و اجازه مقامات اداری و علمی ذیصلاح دولت های متعاقد صورت گیرد.

۳- طبق ماده ۹ کنوانسیون هر دولت عضو برای اجرای کنوانسیون باید یک یا چند مقام اداری و علمی را جهت صدور پروانه و یا تأیید تجارت و تماس با دبیر خانه و دول دیگر عضو منصوب و به کنوانسیون معرفی نماید.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۳ مارس ۱۹۷۳

تاریخ لازم الاجرا شدن - یکم ژوئیه ۱۹۷۵

تاریخ عضویت ایران - ۳ اوت ۱۹۷۶

محل انعقاد - واشنگتن ، امریکا

محل دبیر خانه - ژنو، سوئیس

مرجع نگهدارنده اسناد - دولت سوئیس

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیایی ، روسی ، چینی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست

(۸) کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (پاریس - ۱۹۷۲)

قانون عضویت در کنوانسیون مذکور

مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۸

ماده واحده - کنوانسیون جمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ (۲۵ ابانماه ۱۳۵۱) به تصویب هفدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو رسیده است مشتمل بر یک مقدمه و ۳۸ ماده تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می شود.

هدف کنوانسیون:

برقراری شیوه های موثر در جهت حمایت جمعی و مداوم از میراث های فرهنگی و طبیعی دارای ارزشهای جهانی برجسته و استثنائی طبق روشهای علمی جدید.

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون :

- ۱- طبق ماده (۲) کنوانسیون ، میراث طبیعی عبارت است از آثار طبیعی متشکل از ترکیبات فیزیکی و زیست شناسی یا مجموعه ای از این نوع ترکیبات که از نظر زیبایی شناسی یا علمی حائز ارزش جهانی استثنائی هستند ، ترکیبات ارضی و جغرافیائی طبیعی و مناطق کاملاً مشخص که زیستگاه حیوانات و منطقه رشد گیاهان مورد تهدید بوده ، از نظر علمی و حفاظت حائز ارزش جهانی استثنائی هستند ، محوطه طبیعی یا مناطق طبیعی که دقیقاً مشخص شده و به لحاظ علمی حفاظت یا زیبایی طبیعی دارای ارزش جهانی هستند .
- ۲- به موجب ماده ۵ کنوانسیون ، اتخاذ یک سیاست کلی به منظور تفویض سهمی به میراث فرهنگی و طبیعی در زندگی اجتماعی و گنجاندن امر حمایت از این میراثها در برنامه ریزی عمومی کشور و اتخاذ تدابیر حقوقی و قضائی ، علمی ، فنی ، اداری و مالی کافی برای تشخیص ، حمایت ، حفاظت ، شناساندن و احیای این میراث ها.
- ۳- طبق ماده ۸ ، برای حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که دارای ارزش استثنائی و برجسته جهانی هستند ، یک کمیته بین الدول بنام کمیته میراث جهانی در یونسکو تشکیل می شود.
- ۴- طبق ماده ۱۱ ، هر یک از دولت های متعاقد ، در حدود امکان فهرستی از کلیه اموال میراث فرهنگی و طبیعی واقع در قلمرو خود را که در خور ثبت در فهرست میراث جهانی باشد به کمیته میراث جهانی

تسلیم خواهد کرد ، علاوه بر آن کمیته مذکور در صورت لزوم فهرستی تحت عنوان فهرست میراث جهانی مورد خطر را تنظیم و منتشر خواهد کرد .

۵- به موجب ماده ۱۵ کنوانسیون ، صندوقی برای حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که دارای

اهمیت استثنائی هستند بنام صندوق میراث جهانی تاسیس می شود.

۶- به موجب ماده ۱۹ ، هر دولت عضو کنوانسیون می تواند برای حفظ قسمتی از میراث فرهنگی و طبیعی

واقع در قلمرو خود را که دارای ارزش استثنائی جهانی است تقاضای کمک بین المللی نماید.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۲۳ نوامبر ۱۹۷۲

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۱۷ دسامبر ۱۹۷۵

تاریخ عضویت ایران - ۲۶ فوریه ۱۹۷۵

محل انعقاد - پاریس ، فرانسه

محل دبیر خانه - پاریس

مرجع نگهدارنده اسناد - یونسکو

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیائی ، روسی ، عربی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران :

الف - سازمان میراث فرهنگی کشور در مورد میراث فرهنگی

ب- سازمان حفاظت محیط زیست در مورد میراث طبیعی

(۹) دفتر بین المللی تحقیقات پرندگان آبی

(لندن - ۱۹۵۲)

قانون و تصویب نامه عضویت در دفتر مذکور

مصوب ۱۳۶۵/۷/۹ و ۱۳۶۵/۱/۲۶

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۷/۹ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت امور خارجه و وزارت برنامه و بودجه و به استناد قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان ها و مجامع بین المللی مصوب ۱۳۶۵/۱/۲۶ مجلس شورای اسلامی فهرست قسمتی از سهمیه حق عضویت های دولت جمهوری اسلامی ایران بابت مخارج سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای بین المللی را بشرح پیوست تصویب نمودند.

توضیح - در ردیف ۷۱ فهرست ضمیمه تصویب نامه شماره ۶۰۷۳۴ مورخ ۶۵/۷/۱۶ ادامه عضویت و پرداخت سهمیه سازمان حفاظت محیط زیست در دفتر بین المللی تحقیقات پرندگان ایزی درج گردیده است . ادامه عضویت و پرداخت سهمیه در سالهای بعد نیز به تصویب هیات وزیران رسیده است.

هدف دفتر :

ایجاد هماهنگی بین دولت ها (بین المللی) به منظور حفاظت موثر از پرندگان مهاجر آبی و در جهت بهره برداری و شکار معقول و پایدار از این پرندگان

خلاصه ای از وظایف دفتر:

- ۱- انجام تحقیقات کاربردی در جهت بقاء گونه های پرندگان مهاجر آبی
- ۲- سیاستگزاری و تعیین ضوابط بهره برداری از گونه های پرندگان مهاجر آبی
- ۳- گرد آوری و ثبت و انتشار اطلاعات و آمار علمی و زیستی در مورد پرندگان مهاجر آبی و انتقال اطلاعات مذکور به کشورهای عضو به همراه توصیه های لازم

توضیح و تاریخچه:

اولین تلاش ها برای شکل گیری دفتر مذکور در سال ۱۹۲۵ آغاز و پس از برگزاری کنفرانس اولیه در سال ۱۹۲۷ شاخه اروپائی شورای بین المللی حفاظت پرندگان در سال ۱۹۴۷، موسسه تحقیقات بین المللی را تشکیل و نهایتا در سال ۱۹۵۲ موسسه مذکور با تمرکز و فعالیت در سطح بین المللی با نام دفتر بین المللی تحقیقات پرندگان آبی فعالیت خود را آغاز کرد.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ آغاز فعالیت - ۱۹۵۲

تاریخ همکاری یو عضیت ایران - ۱۹۶۸

محل فعالیت دفتر - لندن

زبانهای متداول و رسمی دفتر - انگلیسی ، فرانسه

مرجع ملی همکاری با دفتر مذکور در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست

(۱۰) کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی (نیویورک - ۱۹۹۲)

قانون عضویت در کنوانسیون مذکور

مصوب ۱۳۷۵/۳/۶

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود به کنوانسیون تغییرات آب و هوا مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش ماده و دو ضمیمه به شرح پیوست ملحق شود و اسناد مربوط به آن را تسلیم کند . دولت جمهوری اسلامی ایران در صورتی مجاز به استفاده از ماده ۱۴ کنوانسیون درمورد حل اختلاف می باشد که در این مورد مراتب به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

هدف کنوانسیون :

دستیابی به ثبات لازم در تراکم گازهای گلخانه ای در جو زمین به منظور جلوگیری از تغییرات اقلیمی کره زمین در سطحی که از تداخل خطر ناک فعالیت بشر با سیستم آب و هوایی جلوگیری نماید و اکوسیستم ها بتوانند بصورت طبیعی با تغییرات آب و هوا تطابق یافته و اطمینان حاصل شود که تولید مواد غذایی با تهدید روبرو نبوده و توسعه اقتصادی بتواند بصورتی پایدار ادامه یابد.

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون :

- ۱- طبق ماده ۳ ، اعضای کنوانسیون می بایست سیستم آب و هوا را به نفع نسل های فعلی و آتی بشر بر اساس برابری و بر طبق مسئولیت های مشترک ولی متفاوت و قابلیت های خود مورد حمایت قرار دهند . بنابراین کشورهای پیشرفته می بایست پیشرو مبارزه با تغییرات آب و هوا و اثرات سوء آن باشند .
- ۲- اعضای کنوانسیون می بایست اقدامات پیشگیرانه ای جهت جلوگیری یا به حداقل رسانیدن تغییرات آب و هوا و کاهش اثرات سو آن به کار گیرند.
- ۳- دولت های عضو می باید برای ایجاد یک سیستم باز اقتصاد بین المللی که منجر به رشد اقتصادی پایدار و توسعه در تمام اعضا بویژه کشورهای در حال توسعه گردیده و بتواند با مشکلات تغییرات آب و هوا بهتر روبرو شود همکاری نمایند.
- ۴- به موجب ماده ۴ ، تمام کشورهای عضو باید برنامه های ملی و در صورت نیاز برنامه های منطقه ای که شامل اقداماتی برای تعدیل تغییرات اقلیمی در اثر گازهای ناشی از فعالیت بشری بوسیله منابع و رفع آنها توسط حفره های کلیه گازهای گلخانه ای که تحت پروتکل مونترال نیستند تدوین، منتشر، اجراء و مورد بازنگری منظم قرار دهند.
- ۵- تمام اعضا باید مبادرت به تبادل اطلاعات آزاد و فوری علمی ، تکنولوژی ، فنی ، اقتصادی ، اجتماعی و حقوقی مربوط به سیستم آب و هوا را تشویق و در موارد مزبور همکاری نمایند.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۹ مه ۱۹۹۲

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۲۱ مارس ۱۹۹۴

تاریخ عضویت ایران - ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۶

محل انعقاد - نیویورک ، امریکا

محل دبیر خانه - ژنو ، سوئیس

مرجع نگهدارنده اسناد - دبیر کل سازمان ملل متحد

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیایی ، روسی ، چینی ، عربی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران = سازمان حفاظت محیط زیست

(۱۱) کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدائی در کشورهایی که بطور جدی با خشکسالی و یا

بیابان زائی مواجه می باشند (پاریس - ۱۹۹۴)

قانون الحاق به کنوانسیون مذکور

مصوب ۷۵/۱۰/۱۱

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می شود به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدائی در کشورهایی که بطور جدی با خشکسالی و یا بیابان زائی مواجه می باشند بویژه در افریقا مشتمل بر یک مقدمه و چهل ماده و چهار الحاقیه به شرح پیوست ملحق شده واسناد مربوط را تسلیم نمایند.

تبصره - دولت جمهوری اسلامی ایران در صورتی مجاز به استفاده از روشهای موضوع بند (۲) ماده (۲۸) کنوانسیون در مورد حل اختلاف می باشد که مراتب حسب مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

هدف کنوانسیون:

بیابان زدائی و کاهش اثرات خشکسالی در کشورهایی است که به طور جدی با خشکسالی و بیابان زائی بخصوص در افریقا مواجه هستند از طریق اقدام موثر در تمام سطوح با حمایت همکاری های بین المللی و ترتیبات مشارکت در چهارچوب

یک رویه جامع همسو با دستور کار ۲۱ مربوط به کنفرانس توسعه و محیط زیست و به منظور کمک به دستاوردهای توسعه پایدار در مناطق آسیب دیده صورت می گیرد.

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون:

- ۱- طبق ماده ۴ کنوانسیون ، اعضا باید تعهدات خود را به موجب این کنوانسیون بصورت انفرادی یا جمعی با تاکید بر ضرورت هماهنگی اقدامات و توسعه یک استراتژی بلند مدت یکنواخت در کلیه سطوح به اجرا در آورند.
- ۲- اعضا باید استراتژیهای فقر زدائی را در اقدامات مربوط به بیابان زدائی و کاهش اثرات خشکسالی ادغام نمایند.
- ۳- اعضا باید همکاری بین کشورهای مبتلا به در زمینه های حمایت محیط زیست و حفاظت منابع آب و خاک در حالی که مربوط به بیابان زدائی و خشکسالی می شوند ، توسعه دهند.
- ۴- به موجب ماده ۵ کنوانسیون ، اعضایش متعهد مبتلا به باید به بیابان زدائی و کاهش اثرات خشکسالی الویت داده و طبق شرایط و تواناییهایشان منابع کافی به این امر تخصیص دهند.
- ۵- اعضای متعهد مبتلا به باید عوامل اصلی بیابان زدائی را شناسائی و به عوامل اجتماعی اقتصادی موثر در روند بیابان زدائی توجه خاص معمول دارند.

توضیح - این کنوانسیون دارای چهار الحاقیه به شرح زیر می باشد:

- ۱- الحاقیه اجرائی منطقه ای برای آفریقا
- ۲- الحاقیه اجرائی منطقه ای برای آسیا
- ۳- الحاقیه اجرائی منطقه ای برای آمریکای لاتین و کارائیب
- ۴- الحاقیه اجرائی منطقه ای برای شمال مدیترانه

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۱۷ ژوئن ۱۹۹۴

تاریخ لازم الاجرا شدن -

تاریخ عضویت ایران -

محل انعقاد - پاریس ، فرانسه

مرجع نگهدارنده اسناد - دبیر کل سازمان ملل متحد

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیایی ، روسی ، چینی ، عربی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران - وزارت جهاد سازندگی

(۱۲) کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن (وین - ۱۹۸۵)

قانون الحاق به کنوانسیون مذکور

مصوب ۱۳۶۸/۹/۷

ماده واحده - کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه ازن مشتمل بر یک مقدمه و ۲۱ ماده و دو ضمیمه و نیز پروتکل مونترال در مورد مواد کاهنده لایه ازن مصوب ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷ سال ۱۳۶۶ شمسی از ملحقات کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه ازن به شرح پیوست تصویب و اجازه تسلمی اسناد الحاق آن داده می شود.

هدف کنوانسیون:

حفظ سلامت انسان و محیط زیست در برابر خطرات ناشی از تغییر و کاهش لایه ازن

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون :

- ۱- به موجب ماده ۲ کنوانسیون ، کشورهای عضو اقدامات لازم را به منظور حفظ سلامت انسان و محیط زیست در قبال اثرات بالفعل و بالقوه سوء ناشی از فعالیت انسان که لایه ازن را دگرگون می سازد یا ممکن است دگرگون کند بعمل خواهند آورد.
- ۲- به موجب ماده ۳ کنوانسیون ، کشورهای عضو تعهد می نمایند مستقیماً یا از طریق ارگانهای ذیصلاح بین المللی نسبت به انجام پژوهشها و ارزیابی های علمی در مورد فرایندهای فیزیکی و شیمیائی که لایه ازن را تحت تاثیر قرار میدهد اقدام نمایند.
- ۳- اعضا می بایست مبادله اطلاعات علمی ، فنی ، اجتماعی ، اقتصادی ، تجاری و حقوقی مربوط به کنوانسیون را تسهیل و ترغیب نمایند.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۲۲ مارس ۱۹۸۵

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸

تاریخ عضویت ایران - ۳ اکتبر ۱۹۹۰

محل انعقاد - وین ، اتریش

محل دبیر خانه - نایروبی ، کنیا

مرجع نگهدارنده اسناد - دبیر کل سازمان ملل متحد

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیایی ، روسی ، چینی ، عربی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران = سازمان حفاظت محیط زیست

(۱۳) پروتکل مونترال درباره مواد کاهنده لایه ازن (مونترال - ۱۹۸۷)

قانون الحاق به پروتکل مذکور

مصوب ۱۳۶۸/۹/۷ و اصلاحیه مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۷

ماده واحده - متن پروتکل مونترال در مورد مواد کاهنده لایه ازن مصوب ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷ از ملحقات کنوانسیون

وین در مورد حفاظت از لایه ازن به شرح پیوست تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می شود.

توضیح - پروتکل مذکور در تاریخ های ۱۹۹۰ لندن و ۱۹۹۲ کپنهاک اصلاح شده است.

هدف پروتکل:

حفاظت از لایه ازن از طریق پیش بینی و برقراری ضوابط و معیارهایی در جهت کنترل انتشار مواد کاهنده لایه ازن در

جهان

خلاصه ای از مقررات پروتکل:

۱- طبق ماده ۲ پروتکل ، هر دولت عضو باید مراقبت نماید که سطح پیش بینی شده مصرفش از اجسام

کنترل شده در گروه یک پیوست الف برای دوره دوازده ماهه بعد از نخستین روز هفتمین ماه پس از

تاریخ لازم الاجرا شدن این پروتکل و در هر دوره دوازده ماهه بعد از آن از سطح پیش بینی شده مصرف کشورش در سال ۱۹۸۶ تجاوز ننماید.

۲- به موجب ماده ۴ پروتکل ، طی یکسال از تاریخ مجری شدن این پروتکل ، هر کشور عضو باید واردات اجسام کنترل شده را از هر کشوری که عضو این پروتکل نیست ممنوع نماید.

۳- طبق ماده ۵ پروتکل ، هر عضوی که در زمره کشورهای در حال رشد است و سطح پیش بینی شده مصرف سالانه اش از اجسام کنترل شده در تاریخ به اجرا درآمدن پروتکل برای آن کشور یا هر زمان دیگری بعد از آن طی ده سال از تاریخ مجری شدن پروتکل کمتر از ۰/۳ کیلوگرم سرانه باشد حق خواهد داشت برای رفع نیازهای داخلی ، مراعات تدابیر مربوط به کنترل مذکور در بندهای ۱ تا ۴ ماده دو را به مدت ده سال پس از تاریخ مقرر در آن بندها به تعویق اندازد.

اطلاعات و مقررات عمومی پروتکل:

تاریخ انعقاد - ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷

تاریخ لازم الاجرا شدن - یکم ژانویه ۱۹۸۹

تاریخ عضویت ایران - ۳ اکتبر ۱۹۹۰

محل انعقاد - مونترال ، کانادا

محل دبیر خانه - نایروبی ، کنیا

مرجع نگهدارنده اسناد - دبیر کل سازمان ملل متحد

مرجع ملی پروتکل در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست

(۱۴) کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد زیان بخش و دفع آنها(بازل -

قانون الحاق به کنوانسیون مذکور

مصوب ۱۳۷۱/۶/۳۱

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود به عضویت کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد زیان بخش و دفع آنها مصوب ۲۲ مارس ۱۹۸۹ سوئیس درآید و اسناد آن را تسلیم نماید.

هدف کنوانسیون:

الزام دولت های عضو به کاهش حجم نقل و انتقال برون مرزی مواد زائد موضوع کنوانسیون و ایجاد این مواد در حد بی ضرر به محیط زیست و اعمال مدیریت مناسب و موثر نسبت به نقل و انتقال و دفع مواد مذکور

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون:

- ۱- به موجب ماده ۴ کنوانسیون ، کشورهای عضو می توانند از صدور زباله های مضر و سایر انواع زباله ها را به کشورهای عضوی که ورود اینگونه زباله ها را منع کرده اند جلوگیری نمایند یا صدور آنها را اجازه ندهند
- ۲- هر کشور عضو کنوانسیون باید تدابیر مناسب قانونی ، اداری و غیره را جهت اجرای مفاد این کنوانسیون از جمله تدابیری برای جلوگیری ازانتقال غیر قانونی زباله های مضر و سایر انواع زباله ها و تنبیه اعمال مغایر قانون اتخاذ نمایند.
- ۳- اعضای کنوانسیون باید متعهد شوند که در فواصل معین امکانات تقلیل مقدار آلودگی احتمالی زباله های مضر و سایر انواع زباله هائی را که به کشورهای دیگر بویژه به کشورهای در حال رشد صادر می شود مورد تجدید نظر قرار دهند.

۴- به موجب ماده ۵ کنوانسیون ، کشورهای عضو باید یک یا چند مرجع ذیصلاح به منظور اجرای کنوانسیون تعیین یا تاسیس نمایند . در مورد کشور محل عبور مواد زائد باید یک مرجع صالح برای دریافت اطمینانیه تعیین شود.

۵- طبق ماده ۱۰ اعضای کنوانسیون باید به منظور بهبود وضعیت و اداره صحیح و سالم زباله های مضر و سایر انواع زباله از لحاظ زیست محیطی با یکدیگر همکاری نمایند.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۲۲ مارس ۱۹۸۹

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۵ مه ۱۹۹۲

۵ ژانویه ۱۹۹۳ تاریخ عضویت ایران -

محل انعقاد - بازل ، سوئیس

محل دبیر خانه - ژنو ، سوئیس

مرجع نگهدارنده اسناد - دبیر کل سازمان ملل متحد

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیائی ، روسی ، چینی ، عربی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران = سازمان حفاظت محیط زیست

(۱۵) کنوانسیون جلوگیری از الودگی دریائی ناشی از دفع مواد زائد و دیگر مواد (لندن - ۱۹۷۲)

قانون الحاق به کنوانسیون مذکور

مصوب ۱۳۷۵/۶/۲۵

ماده واحده - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می شود به کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریائی ناشی از دفع مواد زائد و دیگر مواد مصوب سال ۱۳۵۱ شمسی برابر با سال ۱۹۷۲ میلادی مشتمل بر یک مقدمه ، ۲۲ ماده و ۳ پیوست ملحق شود و اسناد مربوط را تسلیم نماید.

هدف کنوانسیون:

کنترل و جلوگیری از آلودگی دریائی ناشی از تخلیه و دفع مواد زائد و تشویق و حمایت از انعقاد قرار دادها و توافق نامه های منطقه ای مکمل این کنوانسیون

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون:

- ۱- طبق ماده ۴ ، تخلیه مواد مندرج در ضمیمه یک در دریا ممنوع می باشد ، تخلیه مواد مندرج در ضمیمه دو منوط به صدور اجازه خاص قبلی می باشد و تخلیه مواد فهرست شده در ضمیمه سه موکول به صدور اجازه عام است .
- ۲- طبق ماده ۵ ، در موارد فورس ماژور و یا مواقع بسیار اضطراری تخلیه مواد زائد و دیگر مواد از دریافت اجازه مربوط مستثنی است.
- ۳- به موجب ماده ۶ ، هر عضو متعهد باید مقام یا مقام های صلاحیتداری را برای صدور اجازه های خاص و عام و ثبت نوع و مقدار موادی که اجازه دفع آنها صادر شده است تعیین نماید.
- ۴- طبق ماده ۷ ، دولت های عضو مقررات این کنوانسیون را در مورد کشتی ها و هواپیماهایی که در قلمرو آن کشور ثبت شده و یا با پرچم آن کشور حرکت می کنند و همچنین کشتی ها و هواپیماهایی که در قلمرو آن دولت موادی را برای دفع بارگیری می کنند بمورد اجرا خواهند گذاشت
- ۵- به موجب ماده ۸ ، اعضای متعهد دارای علائق و منافع مشترک تلاش خود را برای انعقاد توافقنامه هایی به منظور حمایت از محیط زیست دریائی و جلوگیری از آلودگی دریا بکار خواهند برد.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۳۰ اوت ۱۹۷۵

تاریخ عضویت ایران - ۲۳ ژانویه ۱۹۹۷

محل انعقاد - لندن ، مکزیکوسیتی ، مسکو ، واشنگتن

مرجع نگهدارنده اسناد - دولت های مکزیک ، انگلستان ، روسیه ، امریکا

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیایی ، روسی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران = سازمان حفاظت محیط زیست

(۱۶) کنوانسیون بین المللی مداخله در دریاهای آزاد در صورت بروز سوانح الودگی نفتی (بروکسل -

(۱۹۶۹

قانون الحاق ایران به کنوانسیون مذکور

مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۷

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود به کنوانسیون بین المللی مداخله در دریاهای آزاد در صورت بروز سوانح

آلودگی نفتی مشتمل بر یک مقدمه ، ۱۷ ماده و یک پیوست و پروتکل مداخله در دریاهای آزاد در صورت بروز آلودگی ناشی

از مواد غیر نفتی مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱ ماده به شرح پیوست ملحق شود و اسناد الحاق را تسلیم نماید

تبصره - ارجاع اختلاف های ناشی از اجرای این کنوانسیون به مصالحه یا داوری با تصویب مراجع ذیصلاح قانونی خواهد بود.

هدف کنوانسیون:

ایجاد صلاحیت و اختیار برای کشورهای عضو به منظور مبادرت به اقدام مداخله در دریاهای آزاد در موارد بروز سوانح دریائی و بروز خطرات ناشی از آلودگی نفتی بدون آنکه این اقدامات محل اصلی آزادی در دریاهای آزاد گردد.

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون :

- ۱- به موجب ماده (۱) کشورهای عضو می تواند در صورت لزوم بدنبال بروز سانحه دریائی و یا عملیات بعدی آن به منظور جلوگیری ، کاهش یا رفع خطرات شدید و قریب الوقوع خطوط و نواحی ساحلی و یا منافع مربوط به خود در اثر آلودگی دریا بوسیله نفت اقدامات لازم را در دریاهای آزاد انجام دهند .
- ۲- اقدامات بعمل آمده توسط کشور ساحلی ذیربط بر اساس ماده ۱ کنوانسیون باید به میزان خسارت واقعی یا خساراتی که آن کشور را تهدید می کند متناسب باشد.
- ۳- طبق ماده ۶ هر عضوی که در جهت خلاف مقررات کنوانسیون اقداماتی انجام دهد که باعث ورود خسارت به دیگران شده باشد به پرداخت غرامت به میزان خسارات ناشی از اقداماتی که بطور منطقی از آنچه که برای نیل به اهداف مذکور در ماده (۱) کنوانسیون لازم است فراتر رفته باشد ، ملزم می گردد.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۲۹ نوامبر ۱۹۶۹

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۶ مه ۱۹۷۵

تاریخ عضویت ایران -

محل انعقاد - بروکسل - بلژیک

محل دبیر خانه - لندن

مرجع نگهدارنده اسناد - سازمان دریانوردی بین المللی (ایمو)

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه

مرجع ملی کنوانسیون در ایران - سازمان بنادر و دریانوردی

(۱۷) پروتکل مداخله در دریاهای آزاد در صورت بروز آلودگی ناشی از موادی غیر از نفت (لندن -

۱۹۷۳)

قانون الحاق ایران به پروتکل مذکور

مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۷

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود به پروتکل مداخله در دریاهای آزاد در صورت بروز آلودگی ناشی از مواد غیر نفتی مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱ ماده به شرح پیوست ملحق شود و سناد الحاق را تسلیم نماید.

تبصره - ارجاع اختلاف های ناشی از اجرای این کنوانسیون به مصالحه یا داوری با تصویب مراجع ذیصلاح قانونی خواهد بود.

هدف پروتکل:

ایجاد صلاحیت و اختیار برای کشورهای عضو برای مبادرت به اقدام و مداخله در دریای آزاد در صورت بروز سانحه دریائی و ایجاد خطرات شدید و قریب الوقوع ناشی از آلودگی با موادی غیر از نفت.

خلاصه ای از مقررات پروتکل:

طبق ماده (۱) اعضای پروتکل می توانند بدنبال بروز یک سانحه دریائی و یا اقدامات مرتبط با چنین سانحه ای که ممکن است به پیامدهای زیانبار عمده ای منجر شود ، جهت جلوگیری از کاهش یا رفع خطرات شدید و قریب الوقوع نسبت به خطوط و نواحی ساحلی یا منافع ذیربط ناشی از الودگی بوسیله موادی غیر از نفت ، اقدامات لازم را در دریای آزاد انجام دهند.

اطلاعات و مقررات عمومی پروتکل:

تاریخ انعقاد - ۲ نوامبر ۱۹۷۳

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۱۰ مارس ۱۹۸۳

تاریخ عضویت ایران -

محل انعقاد - لندن

محل دبیر خانه - لندن

مرجع نگهدارنده اسناد - سازمان بین المللی دریانوردی ایمو

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیائی ، روسی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران - سازمان بنادر و دریانوردی

(۱۸) کنوانسیون بین المللی نجات دریائی (لندن - ۱۹۸۹)

قانون الحاق به کنوانسیون مذکور

مصوب ۷۳/۱/۳۰

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود به کنوانسیون بین المللی نجات دریائی مصوب ۱۳۶۸ مطابق با ۱۹۸۹ میلادی مشتمل بر یک مقدمه و ۳۴ ماده به شرح پیوست ملحق و اسناد آن را مبادله نماید مشروط بر آنکه در موارد مذکور در بندهای الف ، ب ، ج و د ماده ۳۰ آن مقررات کنوانسیون توسط جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نباشد.

هدف کنوانسیون :

تدوین مقررات متحدالشکل بین المللی در مورد عملیات نجات دریائی بصورت توافق جمعی در جهت ایمنی شناورها و اموال در خطر و حفاظت محیط زیست.

خلاصه ای از مقررات کنوانسیون:

- ۱- به موجب ماده (۱) عملیات نجات عبارت است از هر فعل یا فعالیت تعهد شده جهت کمک به یک شناور یا دیگر اموال مواجه با خطر در ابهای قابل دریانوردی
- ۲- طبق ماده ۱ صدمه به محیط زیست عبارت است از هر صدمه مادی اساسی به سلامتی انسان یا حیوان یا منابع دریائی در آبهای ساحلی یا آبهای درون سرزمینی یا مناطق مجاور آنها که در نتیجه آلودگی ، لوث شدگی ، آتش سوزی ، انفجار یا حوادث مهم مشابه ایجاد می شود.
- ۳- طبق ماده ۱۱ هر گاه یک کشور عضو موضوعات مربوط به عملیات نجات دریائی را مورد تصمیم گیری قرار می دهد باید ضرورت همکاری بین نجات دهندگان سایر افراد ذینفع و مراجع عمومی را به منظور حفظ جان یا مال در معرض خطر و جلوگیری از صدمه به محیط زیست مورد توجه قرار دهد.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۲۸ آوریل ۱۹۸۹

تاریخ لازم الاجرا شدن - هنوز لازم الاجرا نشده است

تاریخ عضویت ایران - یکم اوت ۱۹۹۴

محل انعقاد - لندن ، انگلستان

محل دبیر خانه - لندن

مرجع نگهدارنده اسناد - دبیر کل سازمان بین المللی دریانوردی ایمو

زبانهای رسمی کنوانسیون - انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیائی ، روسی ، چینی ، عربی

مرجع ملی کنوانسیون در ایران - سازمان بنادر و دریانوردی

(۱۹) کنوانسیون منطقه ای کویت برای همکاری درباره حمایت از محیط زیست دریائی در برابر

آلودگی (کویت - ۱۹۷۸)

قانون تصویب کنوانسیون مذکور

مصوب ۵۸/۹/۲۱

ماده واحده - کنوانسیون منطقه ای کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریائی و نواحی ساحلی مشتمل بر ۳۰ ماده و پروتکل مربوط به مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضره در موارد اضطراری مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ ۵۷/۲/۴ تصویب و به وزارت امور خارجه اجازه داده می شود که تشریفات تسلیم اسناد تصویب را انجام دهد.

هدف کنوانسیون:

جلوگیری و کاهش آلودگی محیط زیست دریائی و مبارزه با آلودگی در منطقه دریائی خلیج فارس و دریای عمان.

خلاصه ای از مقررا کنوانسیون:

- ۱- به موجب ماده ۴ ، دولت های متعاقد کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری از آلودگی و یا کاهش آن در منطقه دریائی که از تخلیه عمدی موادی از کشتی ناشی می شود معمول خواهند داشت و مراقبت خواهند کرد که مقررات بین المللی مربوط به کنترل این نوع آلودگی از جمله سربرار کردن و آب توازن مجزا و مخازن و روش های شستشوی مخازن با نفت خام رعایت گردد.
- ۲- به موجب ماده ۵ ، کشورهای عضو کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری از آلودگی یا کاهش آن و مبارزه با آلودگی در منطقه دریائی که از تخلیه مواد زائد و سایر مواد از کشتی ها و وسایل نقلیه هوائی ناشی می شود معمول خواهند داشت.

۳- به موجب ماده ۶ ، دولت های متعاقد کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری و کاهش آلودگی ناشی از موادی که از خشکی از راه آب یا از راه هوا یا مستقیماً از ساحل به منطقه دریائی داخل می شود معمول خواهند داشت.

۴- به موجب ماده ۷ ، دولت های متعاقد کلیه اقدامات لازم برای جلوگیری و کاهش آلودگی در منطقه دریائی که از عملیات اکتشافی و بهره برداری در بستر دریای سرزمینی و زیر بستر آن و فلات قاره ناشی می شود معمول خواهند داشت.

اطلاعات و مقررات عمومی کنوانسیون:

تاریخ انعقاد - ۲۴ آوریل ۱۹۷۸

تاریخ لازم الاجرا شدن - یکم ژوئیه ۱۹۷۹

تاریخ عضویت ایران - یکم ژوئن ۱۹۸۰

محل انعقاد - کویت

محل دبیر خانه - بصورت سازمان منطقه ای حمایت محیط زیست دریائی (رامپی) - کویت

مرجع نگهدارنده اسناد - دولت کویت

زبانهای رسمی پروتکل - فارسی ، عربی ، انگلیسی

مرجع ملی پروتکل در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست

(۲۰) پروتکل همکاری منطقه ای برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضره در موارد

اضطراری (کویت - ۱۹۷۸)

قانون تصویب پروتکل مذکور

ماده واحده - ... پروتکل مربوط به مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضره در موارد اضطراری مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ (۵۷/۲/۴) تصویب و به وزارت امور خارجه اجازه داده می شود که تشریفات تسلیم اسناد تصویب را انجام دهد.

هدف پروتکل:

انجام کلیه اقدامات لازم و موثر برای حفاظت از نواحی ساحلی و منافع دولت های متعاقد در برابر آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضره در محیط زیست دریائی در مواقع اضطراری.

خلاصه ای از مقررات پروتکل:

- ۱- به موجب ماده ۲ ، دولت های متعاقد سعی خواهند کرد راسا یا از طریق همکاری های دو جانبه یا چند جانبه طرح های مقابله با موارد اضطراری در دریا را تنظیم و اجرا نموده و همچنین و سایل و تجهیزات خود را برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت یا سایر مواد مضره در منطقه دریائی تقویت نمایند .
- ۲- به موجب ماده ۳ ، دولت های متعاقد به منظور اجرای پروتکل حاضر مبادرت به تاسیس مرکز کمک های متقابل در موارد اضطراری در دریا اقدام می کنند

اطلاعات و مقررات عمومی پروتکل

تاریخ انعقاد - ۲۴ آوریل ۱۹۷۸

تاریخ لازم الاجرا شدن - ۱ ژوئیه ۱۹۷۹

تاریخ عضویت ایران - ۱ ژوئن ۱۹۸۰

محل انعقاد - کویت

محل دبیر خانه - به صورت مرکز کمک های متقابل موارد اضطراری در دریا میمک منامه ، بحرین

مرجع نگهدارنده اسناد - دولت کویت

زبانهای رسمی پروتکل - فارسی ، عربی ، انگلیسی

مرجع ملی پروتکل در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست

(۲۱) پروتکل راجع به آلودگی دریائی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره (کویت - ۱۹۸۹)

قانون عضویت در پروتکل مذکور

مصوب ۱۳۷۰/۷/۲

ماده واحده - پروتکل راجع به آلودگی دریائی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره که در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۶۸

۲۹ مارس ۱۹۸۹ به امضای نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران رسیده است به شرح پیوست تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق به آن داده می شود.

هدف پروتکل:

انجام اقدامات مشخص تر جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی دریائی ناشی از اکتشاف و استخراج بستر و زیر بستر

دریا

خلاصه ای از مقررات پروتکل:

- ۱- به موجب ماده ۲ ، دولت های متعاقد مقرر خواهند داشت که در بخش هائی از منطقه پروتکل که تحت صلاحیت آنها قرار دارد کلیه اقدامات لازم برای پیشگیری ، کاهش و جلوگیری از الودگی دریا ناشی از عملیات دریائی با در نظر گرفتن بهترین تکنولوژی موجود و قابل توجیه به لحاظ اقتصادی معمول گردد.
- ۲- به موجب ماده ۳ ، هر دولت متعاقد مراقبت خواهد نمود که در منطقه پروتکل تحت صلاحیت آن دولت ، هر گونه فعالیت نفتی بر اساس پروانه ای انجام گیرد که در آن بناب ه تشخیص مرجع ذیصلاح دولتی ، شروط لازم برای حمایت محیط زیست دریائی و نواحی ساحلی قید شده باشد.

اطلاعات و مقررات عمومی پروتکل:

تاریخ انعقاد - ۲۹ مارس ۱۹۸۹

تاریخ عضویت ایران - ۲۰ ژانویه ۱۹۹۲

محل انعقاد - کویت

مرجع نگهدارنده اسناد - دولت کویت

زبانهای رسمی پروتکل - فارسی ، عربی ، انگلیسی

مرجع ملی پروتکل در ایران سازمان حفاظت محیط زیست

(۲۲) پروتکل راجع به حمایت محیط زیست دریائی در برابر منابع الودگی مستقر در خشکی (کویت

- ۱۹۸۹)

قانون عضویت در پروتکل مذکور

مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹

ماده واحده - پروتکل راجع به حمایت محیط زیست دریائی در برابر منابع آلودگی مستقر در خشکی که در ۱۶ ماده و سه ضمیمه در سال ۱۳۶۸ در کویت تنظیم شده است با قید شرط حق جمهوری اسلامی ایران برای انعقاد قرار دادهای دو جانبه منطقه ای محفوظ است تصویب می گردد و اجازه تودیع اسناد آن به سازمان حفاظت محیط زیست داده می شود.

هدف پروتکل:

تحکیم تدابیر موجود برای جلوگیری ، کاهش و مبارزه با آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی در سطح ملی و منطقه ای و انجام اقدامات لازم در این مورد.

خلاصه ای از مقررات پروتکل:

- ۱- با توجه به ماده ۴ ، دولت های متعاقد اجرای برنامه ای عملیاتی را بر اساس کنترل منابع که در ضمیمه یک این پروتکل تعیین شده است بر عهده می گیرند و به این منظور برنامه ها و تدابیر لازم را مشترکا یا جداگانه تهیه و اجرا خواهند کرد.
- ۲- به موجب ماده ۵ ، دولت های متعاقد در تلاش به منظور عدم جلوگیری از گسترش صنایع جدید و بخصوص عملیات صنعتی کوچک و ضمن تشخیص مشکلات اقتصادی فنی که غالباً چنین عملیاتی در تصفیه صحیح پسابهای خود بطور جداگانه با آن مواجه اند اجرای برنامه های مربوط به طرح تعیین محل صنعتی را مطابق با ضمیمه ۲ این پروتکل تا حد امکان به عهده می گیرند . بدین منظور مشترکا و یا جداگانه تدابیر و برنامه های لازم را تهیه و اجرا خواهند کرد.

اطلاعات و مقررات عمومی پروتکل:

تاریخ انعقاد - ۲۱ فوریه ۱۹۹۰

تاریخ عضویت ایران - ۱۳ می ۱۹۹۳

محل انعقاد - کویت

مرجع نگهدارنده اسناد - دولت کویت

زبانهای رسمی پروتکل - فارسی ، عربی ، انگلیسی

مرجع ملی پروتکل در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست

(۲۳) برنامه همکاریهای زیست محیطی کشورهای جنوب آسیا (کلمبو - ۱۹۸۰)

قانون عضویت در برنامه مذکور

مصوب ۱۳۷۰/۹/۳

ماده واحده - تبصره ۴ الحاقی قانونی الحاق دو تبصره به قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان ها و

مجامع بین المللی :

به دولت اجازه داده می شود در سازمان ها و مجامع بین المللی مندرج در فهرست زیر عضویت یابد و حقوق عضویت یا

کمک یا سهمیه مربوط را بپردازد . پرداخت حق عضویت و کمک های معوقه سازمان ها و مجامع مزبور با تشخیص دولت

بلامانع می باشد.

ردیف ۱۱ - برنامه همکاریهای زیست محیطی کشورهای جنوب آسیا

هدف برنامه:

حمایت و تشویق اجرای طرح هائی در جهت بهبود وضعیت محیط زیست اعم از طبیعی و انسانی و بهبود کیفیت زندگی در کشورهای جنوب آسیا و استفاده صحیح و پایدار از منابع طبیعی برای از بین بردن فقر و کاهش نابرابریهای موجود در کشورهای مذکور

خلاصه ای از مقررات اساسنامه برنامه:

- ۱- توسعه فعالیت هائی که از نظر همکاری های زیست محیطی منطقه ، مورد علاقه مشترک کشورهای عضو بوده و دارای ارجحیت باشد
- ۲- استفاده از اطلاعات و دانش فنی و تجارب موجود در کشورهای عضو برنامه به منظور امکان دستیابی به حد خود کفائی در جنوب آسیا
- ۳- تهیه و تدارک منابع و امکانات کشورهای عضو در جهت اجرای طرح ها و برنامه های زیست محیطی

اطلاعات عمومی برنامه :

تاریخ انعقاد توافقنامه (تصویب اساسنامه) - مارس ۱۹۸۰

تاریخ عضویت ایران - ۱۹۹۱

محل تصویب و انعقاد - کلمبو ، سری لانکا

محل دبیر خانه - کلمبو

مرجع نگهدارنده اسناد - دولت سری لانکا

زبانهای رسمی - انگلیسی

مرجع ملی برنامه در ایران - سازمان حفاظت محیط زیست